

تراش ریش از نظر اسلام؛ ص: 2

تراش ریش از نظر اسلام، ص: 2

[مقدمات پژوهش]

اهداء: [از مترجم]

به آنان که پیرو حقند و در همه مسائل بخصوص در مسائل مذهبی کنجکاوی و دقت دارند!

به آنان که پیروی از مراسم زمان، و تقلیدهای کورکورانه و بیریشه را رها کرده و در جستجوی حقیقتند.

آنان که دستورهای قرآن و پاسداران قرآن (چهارده معصوم) را بر دستورهای اهریمنان ترجیح میدهند.

«مترجم» «1»

---

(1) این کتاب در 2000 نسخه در تاریخ ماه شوال 1394 در چاپخانه مهر استوار قم بطبع رسید

تراش ریش از نظر اسلام، ص: 3

مقدمه از: خطیب دانشمند: آقای حسین حیدری کاشانی

**بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ\*** رسول اکرم اسلام (ص) می‌فرماید: کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیتة: همه شما راهنما و رهبر یکدیگر هستید و همه (در راه اصلاح همدیگر) مسئول می‌باشید «1»

بعبارت دیگر آن پدر و مادری که از انحراف و آلوده شدن فرزند خود و دگران، رنج می‌برد نمی‌تواند ساکت بنشیند و شانه از زیر بار مسئولیتی که در راه اصلاح آنان دارد خالی کند.

---

(1) نهج الفصاحة ص 457.

تراش ریش از نظر اسلام، ص: 4

آن بانو یا شوهری که از برنامه‌های خلاف همسر خود، اطلاع دارد، نمی‌تواند ساکت بنشیند.

آن استادی که شاگرد یا شاگردان خود را در لجنزار فحشاء و زشتیها، غوطه‌ور می‌بیند، نباید آرام بنشیند.

خلاصه هر فردی نسبت به فرد فرد اجتماع؛ مسئولیت اصلاحی دارد و نمی‌تواند با منطق غلط «به من چه؟ و بتو چه؟» حالت ناشایست افراد اجتماع را نادیده بگیرد.

روی همین احساس است که گویندگان مذهبی، سخن می‌گویند و نویسندگان قلم بدست گرفته، کتاب و مقاله می‌نویسند، روی این اساس، باید گفت: منبری قابل توجه است که مسئولیت اصلاحی خود را نیکو ایفا کند و کتاب و مقاله‌ای ارزنده است که در اصلاح جامعه انسانها سهمی داشته باشد.

تصور می‌کنم این قول، گفته صحیحی نباشد که گویند: «هر نوشته‌ای به یک مرتبه خواندن می‌ارزد» زیرا ای بسا نوشته‌هایی عرضه می‌شود که مطالعه آنها گرچه

#### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 5

یک بار باشد: آتشی بر می‌افروزد که شعله اش جهانی را می‌سوزاند.

پس باید در طبع و نشر مطالب علمی و مذهبی کوشید، تا ملت را بوسیله آن؛ از پرتگاههای سقوط و از جرائم و جنایات نجات داد.

گناه و بی‌بندوباری در اعمال، سرچشمه تمام بدبختیهای مادی و معنوی؛ جسمی و روحی است، با کمال تأسف؛ این عامل بدبختیها، همه جا را گرفته و روز بروز در حال گسترش است آیا در قبال این توسعه جرائم، وظیفه ما چیست؟ وظیفه گویندگان و نویسندگان چیست؟

بعضی آن قدر خود را راحت کرده‌اند و در این مسائل بی‌تفاوتند و با تصور «شرط بودن احتمال تأثیر» در امر بمعروف و نهی از منکر، خود را کنار گرفته‌اند که گویا این شرط در همه جا و همه موارد، هست وانگهی گویا او بسیار از اجتماع مأیوس است و هیچ تأثیری را برای تبلیغات نمی‌نگرد.

## تراش ریش از نظر اسلام، ص: 6

آیا کسی که چنین تصور می‌کند، صحیح هست؟

آیا باید گویندگان و نویسندگان بحساب عدم تأثیر، دهان را باز نکنند و قلم را بحرکت در نیاورند؟!

تصور این شرط، برای بعضی به جایی رسیده که آنان بالای سر هر منکری که رسیدند، از اول خود را راحت کرده و می‌گویند: چون احتمال تأثیر نمی‌بینم سکوت می‌کنم، به این حساب دست را به ریش کشیده و می‌گوید: خدا اصلاح کند، حضرت ولی عصر (عج) می‌آید و اصلاح می‌کند.

در صورتی که اگر تواریخ الهام‌بخش پیامبران (ص) را با نظر دقیق بررسی کنیم و این سمت آنان را که نخستین امر به معروف‌کننده و نهی از منکرکننده بودند در نظر بیاوریم خواهیم درک کرد که آنان اصلاً دست روی دست نمی‌گذاشتند و اظهار یأس و ناامیدی نمی‌کردند، با اینکه (بسان حضرت نوح مثلاً) محیط را پر از آلودگی و لجاجت و سرخوردگی و سرکشی می‌دیدند و اصلاً حاضر نبودند

## تراش ریش از نظر اسلام، ص: 7

جوهره صدای انبیاء به گوششان برسد، ولی انبیاء دست از کار خود نمی‌کشیدند. «1»

پیامبر اسلام (ص) وقتی که مبعوث به رسالت شد، محیط در میان زشتیها و آلودگی‌ها غرق بود، مردم در میان لجنزار بدبختی غوطه‌ور بودند و از در و دیوار آن یأس و ناامیدی می‌بارید پیامبر کمر همت را بست و در چنین محیطی، شروع به تبلیغ کرد، نخستین مردی که به او پیوست کودک 11 ساله‌ای بود بنام علی (ع)

نخستین بانوئی که به او پیوست خدیجه کبری بود کم‌کم، یکی پس از دیگری به او پیوستند و در نتیجه تبلیغات دامنه دار آن مرد الهی، مردم دسته دسته به اسلام می‌گرویدند «2»

حدود دو سال با پیامبر اکرم (ص) سه نفر و یا عده‌ای که شماره آنها از انگشتان یک دست تجاوز نمی‌کرد نماز می‌خواندند، اما پیامبر (ص) فرمود که احتمال

---

(1) به سوره نوح مراجعه شود.

(2) به سوره نصر مراجعه شود (يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا)

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 8

تأثیر نمی‌دهم، با گرمی و حرارتی تمام، به تبلیغات خود ادامه داد.

همه پیامبران به محیطهائی که فاسد بودند و روزنه امیدی در آنها نبود و مردم آنها تشنه رهبری رهبر مصلح بودند، فرستاده شده‌اند، آنان در چنین محیطهائی اقدام کردند و نتیجه مثبت فراوانی گرفتند اصلاً در کجای عالم، دیده یا شنیده شده که بدون اقدام و تبلیغات، مردم از مرام باطل خود برگردند.

آری در تمام جریانهای اجتماعی، اقدامات و فعالیتهائی-- بوده و آن فعالیتها ایجاد بزرگترین تأثیرها را کرده است.

هیچ ملتی بدون حرکت، در انتظار تحولی نبوده است؛ حرکت و فعالیت است که موجب دگرگونیها و اثرات ثمربخش بوده و خواهد بود.

هیچ شخصی از نقش تبلیغات و فرآورده‌های آن در اجتماع، بی‌خبر نیست، روی این اساس پائین‌ترین و پست‌ترین متاعها بر اثر زرق و برق تبلیغ، مشتری‌های

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 9

فراوان و داغی پیدا می‌کنند و ما بروشنی می‌نگریم که سرسخت‌ترین انسانها و بد باورترین اشخاص را نیروی شگرف تبلیغات تحت تأثیر قرار داده و آنان را عوض کرده است.

در این صورت آیا صحیح است که بعضی بگویند ما احتمال تأثیر نمی‌دهیم زهی تصور خام و دور از واقعیت!

آیا به مردم گفته نشود که شراب نخورید، مال مردم را نبرید؛ و به عرض و ناموس مردم تجاوز نکنید، ریش نتراشید، شارب نگذارید، چون احتمال تأثیر نیست؛

پیدا است که چنین تصویری خار راه تبلیغات و جز شانه از زیر بار مسئولیت خالی کردن چیز دیگری نیست.

این ندا و صدا از حلقوم وحی است که به پیامبر صلی الله علیه و آله خطاب می‌شود: **وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ** :

پند ده و نصیحت کن مردم را، زیرا پند و اندرز، برای مردم با ایمان سودمند خواهد بود «1».

و اساسا این شرط (احتمال تأثیر) جنبه ذهنی و فرضی

---

(1) ذاریات آیه 55.

تراش ریش از نظر اسلام، ص: 10

دارد نه جنبه عملی و خارجی، امر بمعروف و نهی از منکر هیچ‌گاه بی‌تأثیر نیست گرچه اینگونه تأثیر باشد که:

مسلمانی عمل بد را انجام دهد ولی در پیش وجدان خود احساس ناراحتی کند که چرا من با اینکه مسلمان هستم این عمل را انجام می‌دهم.

از تمام اینها گذشته باید اسلحه بیان و حربه قلم را بکار انداخت تا **لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ وَيَحْيَىٰ مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّنَةٍ** : برای اینکه هلاک شود، هر که هلاک شدنی است پس از اتمام حجت و زنده گردد هر که زنده می‌شود، از روی بینش «1».

\*\*\* کتاب حاضر راجع به حرمت یکی از منکرات است که گویا بر اثر عدم توجه به آن، بصورت معروف در آمده و در همه جا رائج است.

این کتاب، رساله مستدل فقهی استدلالی در باره حرمت تراشیدن ریش، بقلم محقق عالیقدر حضرت آیت الله

---

(1) انفال آیه 41

تراش ریش از نظر اسلام، ص: 11

آقای حاج شیخ محمد رضا طبسی است که با سبکی جالب  
بزیور نگارش و طبع آراسته شده و تا بحال چندین بار  
در کشورهای عربی و ایران طبع گردیده است، متن عربی  
آن از جناب مؤلف به نگارنده رسید از آنجا که آن را  
با کمی حجمش بسیار پرمغز و معنی دیدم، ترجمه آن را  
بفارسی برای فارسی زبانان شایسته و لازم دانستم، از  
فاضل ارجمند نویسنده محترم جناب آقای محمدی اشتهاردی  
درخواست شد که ترجمه آن را بعهدہ بگیرند، ایشان بذل  
مرحمت فرموده و ترجمه دلپذیر و جالب آن را بصورت  
کتاب حاضر تقدیم برادران ایمانی و علاقه‌مندان به  
قوانین آسمانی نمودند، امید است که مسلمانان در  
مطالعه و نشر مطالب آن کوشا باشند.

تأییدات مؤلف بزرگوار و مترجم محترم را از حضرت  
احدیت بیش از پیش خواستارم. آمین

قم - حسین حیدری کاشانی 5 شوال 1394

تلفن 4417

تراش ریش از نظر اسلام، ص: 12

پیشگفتار از مترجم:

**بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ\*** چندی پیش توسط خطیب دانشمند آقای  
شیخ حسین حیدری کاشانی، کتابی از تألیفات حضرت علامه  
محقق آقای شیخ محمد رضا طبسی نجفی (مد ظله العالی)  
برای ترجمه از عربی بفارسی به مترجم داده شد، این  
کتاب بنام «کتاب المنیة فی تحقیق حکم الشارب و  
اللیحة» در قطع جیبی در 128 صفحه می‌باشد که 12 بار  
به طبع رسیده است.

مؤلف معظم در این کتاب، مسأله حرمت-

تراش ریش از نظر اسلام، ص: 13

ریش‌تراشی و کراهت شارب گذاشتن را بطور بسیار محققانه  
و عالمانه بروش فقهی استدلالی به قلمی که برای همگان  
مورد استفاده باشد، برشته تحریر در آورده و حقا آنچه  
که شایسته بحث بوده با کمال اختصار بیان کرده و ضمنا

برای بینائی بیشتر به بعضی از کیفیات و مستحبات و فوائد و اموری که مربوط به ریش هست (همانگونه که در فهرست کتاب ملاحظه میکنید) پرداخته است.

آنچنان که زعیم بزرگ و مرجع عالیقدر، مرحوم سید ابو الحسن اصفهانی (اعلی الله مقامه الشریف) بقلم خود در باره این کتاب این چنین تعبیر می‌کند: «قد ابدع فی الغایة وادی المراد الی النهایة» (این کتاب با سبک بسیار بدیع و جالب با ادای آخرین مقصود و مراد، نگاشته شده است).

و وقتی از فقیه و مرجع تقلید شیعه مرحوم اصطهباناتی (ره) در باره اینکه آیا ریش‌تراشی حرامست؟ می‌پرسند، معظم له می‌فرماید: آری حرام است.

در باره توضیح و دلیل حرمت؛ به کتاب «المنیه» که

#### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 14

از تألیفات مفید حجت الاسلام و المسلمین آقای شیخ محمد رضا طبسی (دام ظلّه) است مراجعه کنید؛ زیرا این کتاب، بهترین رساله در تحقیق مسأله ریش‌تراشی از نظر حکم وضعی و تکلیفی می‌باشد. «1»

بهر حال همانگونه که بزرگان علم و دین تصدیق کرده‌اند؛ این کتاب در موضوع خود؛ جامع و مستدل بوده و برای همه مفید است و با مطالعه آن؛ دیگر برای کسی عذری باقی نمی‌ماند- **وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا** «2».

با اینکه تقریباً همگان، مسأله حرمت ریش‌تراشی را می‌دانند، لزوم ترجمه و نشر این کتاب را از آن جهت میدانیم که اولاً: با اینکه همه از این دستور اسلامی اطلاع دارند پس چرا اکثراً به این دستور عمل نمی‌کنند؟.

ثانیاً عده‌ای برای توجیه عمل خود می‌گویند: در کجای قرآن به حرمت ریش‌تراشی اشاره شده است، دلیل

(1) - مکتوب مرحوم آیت الله اصطهباناتی در تاریخ- 4 رجب 1372 (المنیه ص 93).

(2) - سوره اسراء آیه 14

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 15

بر این مسأله چیست؟ آیا این سؤال صحیح هست ...؟

ثالثاً خصوصیات در مسأله از نظر کیفیت و اندازه ریش و حدود و امور استحبابی آن و گرفتن شارب و ... در این کتاب خاطر نشان شده که برای همه سودمند و شنیدنی است.

رابعا بعضی چون دکتر سید حسن صفوی (دکتر در ادبیات) کتابی نوشته که نامش این است «در اسلام هیچ دلیلی بر حرمت ریشتراشی وجود ندارد» <sup>1</sup> کتاب حاضر روشنگر آنست که در اسلام دلیلهای محکمی در باره حرمت ریشتراشی وجود دارد.

نباید از نظر دور داشت که این کتاب بعنوان کتاب فقهی استدلالی است و مسأله ریشتراشی را از نظر حکم شرعی در فقه اسلامی، که کار مجتهد است بیان کرده، نه از نظرات دیگر؛ و ضمناً در پایان کتاب اشاره‌ای به بعضی از

---

(1) - این کتاب بار اول در سال 1340 شمسی و بار دیگر در سال 1349 به چاپ رسیده و تا کنون چندین رد بر آن نوشته شده است.

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 16

خصوصیات و منافع طبی و اخلاقی ریش و شانه کردن و حنا گرفتن آن شده است.

و در ضمن ناگفته نماند که این کتاب به زبان فارسی در سال 1358 قمری بقلم مؤلف؛ تألیف شده و فعلاً از آن هیچ نسخه‌ای در دسترس نیست، سپس در سال 1362 قمری توسط دانشمند ارجمند آقای سید میر محمد کاظمی قزوینی (ساکن بصره) ترجمه به عربی شده است و کتاب حاضر ترجمه همین کتاب عربی (طبع دوازدهم) به فارسی است.

این کتاب چنانکه در فهرست ملاحظه می‌کنید پس از ذکر مقدمه جامع و جالب؛ به ده فصل، ترتیب و تنظیم یافت.

از توفیقات سرشاری که خداوند متعال به مترجم، عنایت فرمود؛ ترجمه این کتاب است که در ماه مبارک رمضان 1394 در قریه انجم آباد شهریار انجام شد.



تراش ریش از نظر اسلام، ص: 17

مقدمه (از مؤلف)

برای اینکه با بینش کامل، چراغ بدست وارد بحثهای کتاب شویم به این هشت مطلب در مقدمه دقت کنید:

بررسی قوانین الهی

اتمام حجت

مراجعة جاهل به عالم

تقلید از مجتهد عادل

امتیاز دانشمندان واقعی از غیر واقعی

معنی بندگی

معنی و محل لحيه (ریش) و زینت بودن آن

دستورهای دینی بی حکمت نیست

تراش ریش از نظر اسلام، ص: 18

بررسی قوانین الهی

از امور بدیهی است و همه می دانند که در هر آئین آسمانی و ادیان الهی؛ قوانین و احکامی روشن و منظم وجود دارد که هیچ شخص عاقل و با ایمانی که معتقد به آنها است آنها را نادیده نمی گیرد، احکام و قوانینی که بر اساس حکمت و مصلحت استوار است و پایه های آن اساس آنچنان محکم هستند که هیچ گونه لغزشی ندارند و تحت تأثیر هیچ عواملی واقع نمی شوند.

دین که بر چنین اساس غیر قابل خدشه ای استوار است دارای تعالیم و درسهای است:

يك قسمت از آن درسها مربوط بعقاید بسان اعتقاد به مبدء و معاد و آمدن پیامبران و رسولان از طرف خدا و اقرار

#### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 19

به این اعتقادات و ... می‌باشد، قسمت دیگر آن مربوط به کارهای بشری از امور دنیوی و اخروی است.

عقل ما با کمال صراحت به ما می‌گوید: که باید این قوانین را بررسی کرد و از عهده آن که نتایج و فوائد سرشاری دارند و نیروی درک انسان از شمارش آن نتایج عاجز است برآمد.

نباید انسان این امور را نادیده بگیرد و پا در هوا زندگی کند و آنچه را که با حقیقت حیات او توأم است فراموش نماید و چون گرگ درنده باشد، وقتی که می‌دانیم این قوانین و دستورها با فطرت و خواسته‌های طبیعی وجود بشری سازگارند، و موجب تکمیل اخلاق و تهذیب و پاکی روانها از آلودگی و سعادت اجتماع بشری هستند؛ بحکم عقل برای آن انسانی که پشت پا بهمه این امور میزند؛ هیچ‌گونه عذر و دلیلی نیست.

از طرفی عقل می‌گوید: جلوگیری از زیانهای احتمالی لازم است؛ و مطابق فرموده امام موسی بن جعفر علیه السلام به حکیم نامی اسلام هشام بن حکم: خداوند بر مردم دو حجت و

#### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 20

دلیل دارد 1- حجت ظاهری که پیامبران و ائمه اطهار (ع) می‌باشند 2- حجت باطنی که عقل است «1».

بنا بر این عقل و نیروی اندیشه ما انسانها وقتی که هیچ‌گونه عذری برای افرادی که پشت پا بقوانین الهی می‌زنند ندید پس چرا این افراد با کمال غفلت در جهل خود میمانند با اینکه یاد گرفتن تعالیم و احکام الهی لازم و واجب است.

اتمام حجت

با در نظر گرفتن مطالب سابق وقتی ما به انسانها از نظر حدود معلومات مذهبی نگاه میکنیم آنان را مختلف می‌بینیم بعضی با کمال جد و جهد و کوشش وافر؛ به تحصیل احکام الهی می‌پردازند و در این راه هیچ‌گونه دریغ ندارند و همانگونه که موظفند به انجام وظائف خود اقدام می‌کنند.

---

(1) - عن هشام بن حکم قال: قال لي ابو الحسن موسى بن جعفر (ع) ... يا هشام ان الله على الناس حجتين: حجة ظاهرة و حجة باطنة فاما الظاهرة فالرسل و الانبياء و الائمة عليهم السلام و اما الباطنة فالعقول (اصول کافی ج 1 ص 16)

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 21

بعضی بعکس آنچه‌ان در میان هواهای نفسانی غوطه‌ورند و از همه جا بی‌خبر مانده‌اند که اصلاً گویا هیچ مسئولیتی در برابر قوانین الهی و اطلاعات در این باره، ندارند با اینکه می‌دانند و متوجه هستند که قوانین الهی در میان هست، ولی هوس‌های مادی، دل‌هایشان را کور کرده بطوری که این جملات را بزبان می‌آورند که: یاد گرفتن قوانین و احکام الهی و در این مسیر قدم برداشتن بر زحمات انسان می‌افزاید و انسان را به مشقت می‌اندازد و ... این دسته از مردم در حقیقت در میان آتش هوسهای خود می‌سوزند و همانند حیوانات زندگی می‌کنند هدفشان علف است همانگونه که قرآن می‌فرماید: **إِنَّ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ**

### **أَصْلُ سَبِيلًا :**

مردمی که چنین می‌اندیشند همانند حیوانات بلکه از آنها گمراه‌ترند «1».

اینان هم در دنیا در زحمتند و هم با کمال بدبختی از دنیا جدا می‌شوند، در نتیجه از سعادت دنیا و آخرت محرومند و با اشد ناراحتی به سرای آخرت می‌روند.

---

(1) سوره فرقان آیه 43.

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 22

عده‌ای از انسانها هم هستند که میدانند و توجه دارند که قوانین و احکامی از طرف خداوند در میان هست ولی بر اثر عدم دسترسی با علل دیگر از تحصیل آنها قاصر و عاجزند ولی این دسته بفرض وجودشان، بسیار کمند؛ زیرا «قاصر» کسی است که یاد گرفتن احکام بهر وسیله ممکن، برایش میسر نیست یا بخاطر نقصی که در عقلش هست یا بخاطر اینکه در بلاد و شهرهایی دور از مسلمین سکونت دارد که تحصیل قوانین اسلامی برایش بسیار دشوار می‌باشد.

ولی در این عصر و زمان با این وسائل مختلف روز و امکانات با شرائط سهل و آسان، دیگر عدم دسترسی و با میسر نبودن تحصیل و یاد گرفتن احکام، مفهومی ندارد؛ و بطوری که اگر در این باره دقت شود اصولاً در عالم وجود جاهل قاصری (که بر اثر عدم دسترسی؛ معذور باشد) وجود ندارد بلکه مردم یا دانا و عامل به احکامند و یا جاهل مقصرند که با دسترسی و امکان تحصیل، پشت پا به مقدسات مذهبی زده‌اند.

این دسته از مردم در واقع با اینکه احکام آسمانی

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 23

الهی، چون باران آسمانی همه جا را گرفته خود را از این باران دور نگهداشته روی آلودگیها و ناپاکی‌ها نشسته‌اند و از سعادت دنیا و آخرت کنار کشیده‌اند و نمی‌خواهند از این باران که برای همه هست پاك شوند، شهوات و هوسها و بی‌بندوباری و افسارگسیختگی، آنچه آنان را در دره هولناك جهل و سفاهت انداخته که بر ایشان نجاتی نیست و در روز رستاخیز، عذری نخواهند داشت.

آری طبق روایت شیخ مفید (ره) در امالی خود (ص 172) امام صادق (ع) در تفسیر آیه شریفه **«فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَاطِنَةُ»** «1» فرمود: روز قیامت خداوند به بندگان خطاب می‌کند آیا بوظیفه دینی خود دانا بودی؟ اگر بگویدی آری خداوند می‌فرماید: چرا وظیفه خود را انجام ندادی؟ و اگر بگویدی:

آشنا به وظیفه دینی خود نبودم می‌فرماید: چرا یاد نگرفتی تا به آن عمل کنی؟ بنا بر این. در هر دو صورت حجت تمام است این است معنی **«فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ»** «2»

(1) سورة انعام آیه 149- برای خدا است بر مردم حجت رسا و کامل.

(2) ... فقال: اذا كان يوم القيامة قال الله تعالى للعبد

تراش ریش از نظر اسلام، ص: 24

مراجعة جاهل به عالم

با توجه به مطالبی که خاطر نشان شد، بحکم عقل و اندیشه، کسی که معتقد به آئین اسلام باشد ولی از یاد گرفتن احکام آن از واجبات و محرمات خودداری نماید مسئول بوده و مشمول عذاب الهی است، روی این اساس کسی که جاهل به احکام است باید در مسائل تکلیفی مذهبی به کسی که عالم به آن می‌باشد مراجعه کند.

چه اینکه این مطلب از مسلمات است و با نهاد بشر سرشته شده که جاهل در هر مسئله‌ای به اهل فن آن مسأله رجوع می‌کند (مثلا مریض به دکتر، محتاج به تعمیر خانه اش به بنا، برای تعمیر ساعتش به ساعت‌ساز و ... مراجعه میکند).

فرموده خداوند در قرآن: **فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ\***

أ كنت عالما فان قال نعم قال له أ فلا علمت؟ و ان قال كنت جاهلا قال افلا تعلمت حتى تعمل فتخضم تلك الحجة فتلك الحجة البالغة لله عز و جل على خلقه.

(بحار الانوار ج 1 باب العلم و العقل)

تراش ریش از نظر اسلام، ص: 25

**لَا تَعْلَمُونَ\***: از اهل ذکر (دانایان به احکام) چیزهایی را

که نمیدانید پرسید. «1» ما را بهمین مطلب فطری مراجعه جاهل بعالم در هر مسئله‌ای ارشاد می‌نماید.

در شبهات حکمی تعبدی (مسائل مذهبی تکلیفی که ما علم به آن مسائل نداریم) وظیفه همه است که به کسی که علم به آنها دارد مراجعه کرده و آنچه او گفت بپذیرند و بهمین مقدار، حجت بر جاهل تمام است، برای او روا نیست که از دلیل و مدرک آن احکام بپرسد چه آنکه اگر دلیل و مدرک بخواهد، بر اثر جهل و عدم معلومات اصطلاحی فقهی، نمیتواند دلیل و چگونگی استفاده از دلیل را درک کند بهمین دلیل، اگر تقاضای دلیل کند، تقاضای بیهوده و بیجائی کرده است.

روی این اساس است که بعضی از جاهلین به مسأله که در رشته تخصصی فقه اسلامی هیچگونه اطلاعی ندارند بر اثر عدم توجه که آن هم نادانی و غفلت است می‌پرسند «در کجای قرآن نوشته است که ریش‌تراشی حرام است؟!!»

---

(1) سوره نحل آیه 42.

#### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 26

این مطلب به آن می‌ماند که پزشک دام‌پروری به منجم ایراد کند، یا کشاورزی به فقیه اعتراض نماید و ...

برای عالم و فقیه ظاهر شده که فلان آیه دلالت بر حرمت ریش می‌کند ولی این عالم، چگونه می‌تواند که به جاهل و کسی که به فنون تخصصی استدلالهای فقهی، اطلاعی ندارد، بفهماند که استفاده از آیه چنین و چنان است (مانند آنکه شخصی که جاهل به مسائل طبی است از دکتر بپرسد فلان آمپول برای بیماری من بچه دلیل است، سؤال او صحیح و روا نیست و اگر سؤال کرد، دکتر اگر ناراحت نشود و بسیار متین باشد به او می‌گوید وقتی که در کنکور دانشگاه در رشته طب قبول شدی و دوره‌های طب را پیمودی آن وقت است که روا است این سؤال را بپرسی و جواب آن را بفهمی نه حالا).

بهمین دلیل می‌بینیم بسیاری از احکام، مانند اختلاف رکعت‌های نماز در نمازهای پنج‌گانه و چگونگی اخراج زکات و ادای اعمال حج و امثال آنها در ظواهر آیات قرآن

#### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 27

نیست با اینکه همه این احکام به همراه تفسیر و احادیث ائمه اطهار (ع) از قرآن استفاده می‌شوند.

کوتاه سخن آنکه وظیفه جاهلان به مسأله و عوام آنست که از راه تقلید، این مسائل را از مرجع تقلید خود اخذ کنند و برای آنها روا نیست که در چگونگی دلیل و استفاده از دلیل احکام بپرسند و یا اعتراضی در این باره بنمایند، البته این مطلب در مسائل فرعی عملی است اما در مسائل اعتقادی باید آنها را از روی دلیل و برهان قاطع دریابند، تقلید در مسائل اعتقادی از قبیل مسأله خداشناسی و نبوت و معاد و... در صورتی که مفید یقین نباشد، بی‌اساس و بی‌نتیجه است.

### تقلید از مجتهد عادل

همانگونه که یادآوری شد راه تعلم و یاد گرفتن فرائض و احکام مذهبی منحصر است به اینکه جاهل به این مسائل به عالم در آن مسائل رجوع کند، و شکی نیست که قول عالم (با واجد بودن شرائط) راه و حجت برای عامی «1»

(1) عامی که مفرد عوام است کسی را گویند که به مقام-

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 28

است پس بر عوام واجب است که در تمام اعمال و افعال خود در واجبات و محرمات و مستحبات و مکروهات؛ حتی در مباحات به قول مجتهد عادل عمل کنند و این مسأله مورد اتفاق همه علمای اسلام است.

گواه بر این مطلب فرموده حضرت ولی عصر (ع) است که «و اما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی رواة حدیثنا فانهم حجتی علیکم و انا حجة الله علیهم»

در زمان غیبت، مسائلی که پیش می‌آید در آن مسائل به راویان حدیث ما (که اکنون مجتهدین جامع الشرائط هستند) مراجعه کنید، چه آنکه آنان حجت من بر شما هستند و من حجت بر آنها می‌باشم «1»

خلاصه این فرموده آنست که بر عوام واجب است در حکم قضایا و پیش‌آمدها که امت اسلامی به آنها نیاز

اجتهاد و توانائی استنباط و بدست آوردن احکام و معرفت حلال و حرام از ادله تفصیلی خود نرسیده است.

(1) غیبت شیخ طوسی ص 177- اکمال الدین صدوق ص 267 و ...

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 29

دارد به حاملین احادیث و ناقلین اخبار ائمه اطهار (ع) یعنی مجتهدین عادل مراجعه کنند، زیرا این مجتهدین، نایب عام حضرت بقیه الله اعظم (ارواحنا فداه) و حجت او بر عوام می‌باشند؛ آن بزرگوار در این عصر حجت کامل خدا بر همگان است، روی این بیان، مجاری امور در زمان غیبت کبری در دست علماء است تا زمان ظهور حضرت امام دوازدهم، پس قول و فتوای مجتهد عادل، واجب است اطاعت شود و به آن عمل گردد وقتی که آن مجتهد عادل حکمی کرد، رد کردن آن حکم جایز نیست زیرا امام (ع) در ذیل گفتاری فرمود: فاذا حکم بحکم فلم یقبل منه، فانما بحکم الله استخف و علینا رد و الراد علینا کالراد علی الله...: وقتی که مجتهد عادل حکمی کرد؛ ولی (علمی) از او قبول نکرد حکم خدا را سبک شمرده و ما را رد کرده است، کسی که ما را رد می‌کند بسان آنست که خدا را رد کرده است «1»

از مطالب فوق نتیجه می‌گیریم که: در رد حکم مجتهد

(1) احتجاج طبرسی.

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 30

عادل و تخلف از قبول قول و فتوای او خواه فعل باشد یا ترک رد حکم خدا و تخلف از اوامر و نواهی پروردگار است (دقت کنید).

طبسی، نجفی، محمد رضا - مترجم: اشتهااردی، محمد محمدی، تراش ریش از نظر اسلام، در یک جلد، قم - ایران، اول، ه ق

### تراش ریش از نظر اسلام؛ ص: 30



## امتیاز دانشمندان واقعی از غیر واقعی

همه میدانند که در جهان بشریت، انسانها از نظر معلومات و سایر خصوصیات مختلفند، ناگفته پيدا است که اشرف همه طبقات پس از پیامبران و رسولان و ائمه اطهار (ع) و امثال آنها، علمای (فرقه ناجیه دوازده امامی) هستند؛ زیرا علماء وارث علم پیامبران و استوانه‌های دین و امین‌های رسول خدا (ص) می‌باشند همانگونه که سرور یگانه‌پرستان، رسول اکرم اسلام (ص) فرمود: برای هر چیزی پایه‌هایی - هست پایه‌های دین اسلام، «فقه» می‌باشد، دانایان به فقه، رسولان هستند اینان وارث پیامبران می‌باشند «1».

علی (ع) می‌فرماید: از رسول خدا (ص) شخصی پرسید: بهترین آفریده‌های خدا بعد از ائمه اطهار (ع) چه

---

(1) لكل شيء عماد و عماد هذا الدين: الفقه، و الفقهاء امناء الرسل و الفقهاء ورثة الانبياء (اصول کافی)

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 31

کسانی هستند؟ فرمود؟ العلماء اذا صلحوا: علماء و دانشمند صالح و پاک.

روایات بسیاری از ائمه معصومین (ع) در شأن علماء به ما رسیده است پر واضح است که منظور از این علماء آنانی هستند که به زینت علوم بی‌شائبه‌ای که از مخزن حکمت ائمه اطهار (ع) گرفته شده آراسته‌اند، راههای سعادت را از آنان اخذ کرده و بمردم می‌رسانند و در جو علمی آنها راه‌پیمائی می‌کنند؛ بر اثر اطاعت خدا و اجتناب از نافرمانی پروردگار؛ خود را پاک نگه داشته‌اند.

اینان مضار گناه و انحراف و بی‌فرجامی آن را برای مردم روشن می‌سازند، حافظ عقاید حقه مردم هستند و شکها و تردیدها و شبهات را که در اندیشه بعضی راه می‌یابد رفع می‌کنند تا مردم در راه هولناك شك و گمراهی نیافتند، آری اشرف انسانها پس از پیامبران و ائمه علمایند با این شرائط!

\*\*\* نه آن علمای غیر عاملی که در میان هوسها و اغراض آلوده، غوطه‌ورند، که از آنان، امور ناپسند و کردار

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 32

ناشایسته بروز می‌کند و موجب تفرقه و اختلاف و پراکندگی افکار شده و مردم را در امور مسلم مذهبی به دره شك و ضلالت رهنمون می‌سازند.

گاهی می‌بینی که به سراغ مسأله رجعت «1» رفته و آن را منکر می‌شوند و زمانی مسئلۀ شفاعت را مورد تاخت‌وتاز خود قرار می‌دهند، اینان بر اثر کج فکری توجه ندارند که برای اظهار امثال اینگونه مسائل (جز ضرر) هیچ‌گونه سودی نیست و بفرض اینکه (العیاذ بالله) مردم در این اعتقاداتی که جزء ضروریات مذهب است، خطا کرده باشند آیا نباید نتیجه و هدف کار را در نظر گرفت، آیا نباید علماء با کمال حفظ اتحاد بکوشند که مردم را به سعادت ابدی رهنمون سازند، آیا انگیزه اینگونه القائات با توجه به اینکه اطلاعات مذهبی و حدود نیروی درك عوام اندك است و با گفتار دشمنان دین انس دارند چیست؟

---

(1) رجعت یعنی اعتقاد به اینکه پس از ظهور حضرت ولی عصر (عج) هر يك از ائمه اطهار به این دنیا مراجعت کرده و حکومت می‌کنند.

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 33

اگر در حقیقت منظور، تهذیب و حفظ عوام از کج‌رویها و آراستن آنان به عقاید حقه می‌باشد راهش این نیست که کلنگ نابودی و خراب کردن را به دست شك بدهیم و ریشه هر اصل از اصول ایمان را بزنییم، و یا اعظم و رجال علمی خود را تخطئه کنیم.

چقدر مایه خسران و خفت است که عده‌ای شعار اهل علم را بسر بگذارند و بعنوان رجال دین، خود را معرفی کنند ولی مطالبی را بزبان بیاورند یا بنویسند تا غرض‌ورزان را تقویت کرده و عده‌ای از جهال را به راههای کج و انحرافی بکشانند، این‌ها حتما بدانند که مسئول جنایت خود هستند و باید جواب القائات و بدآموزیها و راهنماییهای انحرافی خود را در پیشگاه خدا بدهند،

باید بدانند که موجب هلاکت پیروان خود شده اند، در نتیجه به بزرگترین جنایت دست زده اند (عوام هم حتما باید متوجه و بیدار باشند تا بین علمای ربانی و غیر ربانی تشخیص و امتیاز بدهند!).

\*\*\*

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 34

سخن از مسأله رجعت و شفاعت بمیان آمد این دو مسأله از مسلمات مذهب شیعه است بزرگان دین که در عصر ائمه اطهار (ع) و قریب به آن عصر بوده اند گروه گروه یکی پس از دیگری، اعتراف به رجعت و شفاعت دارند «1» و در این مسیر براهین و استدلالهای دندان شکن آورده اند که بر عقلا پیروز بوده و گردنهای انتقاد گران را بر زمین افکنده

---

(1) - مرحوم علامه مجلسی (ره) در وصیتنامه ای که در شعبان 1108 نوشته و اخیرا چاپ شده می نویسد: مرگ حق است، سؤال قبر حق است حشر از قبر و ظهور در روز قیامت حق است، مسأله رجعت که تنها شیعه امامیه قائل به آن هستند، حق است، صراط و میزان حق است.

مؤلف گوید: رستگار است کسی که قائل به این امور است، در ضرر و زیان است کسی که این امور را تکذیب میکند، از درگاه خداوند مسئلت مینمایم که ما را بر این عقیده، ثابت قدم نگهدارد و ما را از افرادی قرار دهد که در این مسائل به محمد و آل او (ع) پناهنده شویم (شعبان 1365)

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 35

و می شکند، آنچنان که در کتب و تألیفات پرمایه خود نگاشته اند، در این صورت اعتباری به گفته های مخالفان نیست.

این مطالب را نه بخاطر آنکه سوء ظن به این علماء دارم می گویم بلکه از روی اجتهاد و استدلال و تفحص و کنجکاوی علمی به آن رسیده ام، اگر شما پا در يك كفش کرده و این مطالب را تحویل نمی گیرید و از طرفی به آئین اسلام منسوب هستید؛ با من بسراغ گفتار ائمه اطهار (ع) پیرامون اینگونه افراد بیائید:

شخصی از علی (ع) پرسید: من شر خلق الله بعد ابلیس و فرعون و نمرود؟ قال: العلماء از افسدوا و هم

المظهرون للباطيل، الكاتمون للحقائق: یعنی بعد از ابلیس و فرعون و نمرود، بدترین مخلوقات خدا کیانند؟

فرمود: علماء هستند در صورتی که فساد کنند اینان اظهارکننده باطلها و پوشاننده حقایق می‌باشند.

طبق این حدیث، علمای فاسد؛ پس از شیطان و برادرانش

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 36

بدترین آفریده خدایند، که دأبشان اظهار مطالب باطل و گمراه‌کننده و بیهوده است که با زبان چرب و نرم خود در دل سفیهان و ابلهان تزریق می‌کنند.

از همه اینها مهمتر و تاسف‌بارتر سم زهرآگین ایجاد شک و تردید از طرف علمای غیر ربانی است که نتیجه سوء آن به مسأله شفاعت و رجعت سرایت کرده با اینکه این دو مسأله در میان تمام مسلمین از ضروریات و مسلمات می‌باشد کدام مسلمانی جرئت دارد که بسیاری از آیات قرآن و مدارك اسلامی را نادیده گرفته و به افکار مسائلی از قبیل مسأله شفاعت و رجعت پردازد.

از روشنترین مصادیق فرموده امام (ع) که خاطر نشان شد همین دسته از علماء هستند که بنام دین زیر ماسک آن موجب انحراف و تفرقه‌ها می‌شوند، پناه می‌بریم بخدا از هوسهای نفسانی که صاحبش را به پرتگاههای سقوط و هلاکت کشانده و بسوی شعله‌های دوزخ رهنمون می‌سازد «1».

---

(1) ما در کتاب «تنبيه الامه» که مکرر به طبع رسیده

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 37

\*\*\* عمیقترین دستور العمل و متین‌ترین راه برای اخذ و یاد گرفتن مطالب دینی از اهلش را حضرت رسول (ص)

---

- بطور مبسوط در باره مسأله رجعت بحث کرده‌ایم و در طبع سوم، نام عده‌ای از بزرگان علم را که کتابهای وزینی در موضوع رجعت نوشته‌اند نام برده‌ایم و اخیراً نیز کتاب پرچم و بزرگی بنام الشیعة و الرجعة در چهار صد صفحه مفصلاً درباره رجعت نگاشته‌ایم به آن کتاب مراجعه شود.

همین مقدار برای همگان کافی است که یکی از مسلمین از زعیم عالیقدر مرحوم آیت‌الله العظمی سید ابو الحسن اصفهانی (ره) در ماه رمضان 1363 این سؤال را

کرد: بین ما این گفتگو بمیان آمده که آیا پس از طلوع امام عصر (عج) ائمه اطهار (ع) هم طلوع میکنند یا نه؟! در جواب فرمود: اخبار متواتره (پی‌درپی و بسیار) دلالت دارند که بعد از ظهور حضرت حجت بن الحسن علیه السلام ائمه اطهار (ع) نیز ظهور می‌کنند.

«الاحقر ابو الحسن الموسوی الاصفهانی»

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 38

به ما آموخته آنجا که میفرماید: لا تجلسوا عند كل داع مدع يدعوكم من اليقين الى الشك (نزد هر کسی که مدعی رهبری است ننشینید که شما را از صفت یقین بسوی شك و تردید بکشاند) رسول خدا (ص) با کمال صراحت ما را

---

- از حسن اتفاق به چند شعری که مرحوم آیت الله شیخ حبیب الله کاشانی (ره) در این زمینه سروده برخورد کردم که برای ادای حق آن عالم بزرگ در اینجا بنظر خوانندگان می‌رسانم:

و رجعة الائمة الاثني عشر	مع النبي مذهب قد استقر
و مؤمن محض و كافر محض	رجوع كل منهما امر فرض
و ذاك امر ممكن الوجود	و النص فيه ظاهر الوجود
و اول الراجع زين الشهدا	و لعلی كرتان للعدی
و آخر الراجع زين الانبياء	فيقتل الشيطان رأس الاشقياء
فيملأ الارض من العدل فما	رايت كافرا يروم صنما
و للحسين دولة عظيمة	سلطنة باقية عميقة

یعنی مراجعت دوازدهم امام با پیامبر (ص) در مذهب ثابت است؛ مراجعت مؤمن خالص و کافر خالص از امور-

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 39

تهدید و نهی می‌کند که میل به مجلسی پیدا کنیم که همواره در شك و تردید بیافتیم تا مثلاً بجای یقینی که به مسأله رجعت و شفاعت داریم شك و انکار قرار گیرد و بجای ایمان، تردید بنشینند و به بیابانی که جز گمراهی در آنجا نمی‌رود کشانده شویم.

سپس می‌فرماید: «نزدیک عالمی بروید که شما را از

- مسلم میباشد، این مطلب از ممکنات است و روایاتی بر آن صراحت دارند، نخستین کسی که رجعت می‌کند، زینت شهیدان امام حسین (ع) است، علی (ع) کرارا بر ضد دشمن مراجعت می‌نماید.

آخرین مراجعت‌کننده؛ زینت پیامبران حضرت ولی عصر (عج) است که رئیس بدبختان یعنی شیطان را به قتل میرساند و از عدل و داد جهان را پر می‌کند، در آن موقع کافری را نمی‌یابی که بتی را بپرستد، در آن وقت برای امام حسین (ع) دولت عظیم و حکومت و سلطنت جاوید و ژرفی تشکیل می‌شود.

#### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 40

تکبر به تواضع، از ریا به اخلاص و از شك به یقین رهنمون سازد» «1» چنین علمائی شایسته‌اند که مرجع امت اسلامی قرار گیرند؛ خوب دقت کنید که از چه کسی مطالب علمی را می‌آموزید این گفتار عمیق از امام صادق (ع) است که فرمود:

من اصغی الی ناطق فقد عبده فان كان الناطق عن الله فقد عبد الله و ان كان عن ابليس فقد عبد ابليس:

کسی که به گفتار گوینده‌ای گوش دهد (و قبول کند) مانند آنست که او را پرستش کرده است، اگر گوینده الهی و معنوی باشد، شنونده، خدا را پرستش کرده و اگر گوینده شیطانی و هوسی باشد، شنونده شیطان را پرستش نموده است «2».

شما را بخدا، آیا گوینده‌ای که ایجادکننده شك و تردید در مسائل مسلم مذهبی است بلکه در مسائل ضروری مذهب از قبیل شفاعت و رجعت موجب شك و تحیر می‌شود گوینده الهی است؟! آری درست فرمود سرور موحدان علی (ع) و چقدر راست فرمود: الناس ثلاثة عالم ربانی و

(1) - بنقل از محجة البيضاء ج 1 ص 69.

(2) - بنقل از اعتقادات صدوق ص 40.

#### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 41

متعلم علی سبیل نجات و همج رعاع، اتباع کل ناعق یمیلون مع کل ریج: مردم سه دسته‌اند 1- علماء و دانشمندان ربانی و خداپرست 2- شاگردانی که از علمای ربانی، معارف خود را گرفته و در مسیر راه نجات گام

برمی‌دارند 3- مردمی که بھر ندائی گوش فرا میدهند، دنباله‌رو هر گوینده‌ای هستند؛ و با هر بادی کج و راست می‌شوند. «1»

خواننده عزیز! اگر در حقیقت خواهان آن هستی که در راه مستقیم سعادت و دین گام برداری، طبق فرموده امام، مراقب گوشهای خود باش از هر فردی، مسائل مذهبی خود را اخذ نکن، سراغ علمای شناخته شده و ربانی و آنان که بیهوده و بی‌مبنا سخن نمی‌گویند و در گفتار خود جلب خشنودی خدا را می‌خواهند برو، تا از غبار تشکیك و حیرت در امان باشی!

معنی بندگی

از مسائلی که واجب است عوام مردم، به علمای ربانی مراجعه کرده و از مجتهد عادل (جامع الشرائط) تقلید

---

(1) نهج البلاغه ج 3.

#### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 42

کنند، مسأله حرمت ریش‌تراشی یا جواز آنست، چه آنکه این مسأله از مسائلی است که باید در شناختن حکم آن به مجتهد جامع الشرائط مراجعه کرد، حتماً مسأله ریش‌تراشی دارای حکمی است زیرا طبق قاعده فان لله فی کل واقعة حکما: (در هر واقعه‌ای خداوند، حکم و دستوری دارد) این مسأله هم از این قاعده مستثنی نیست، قبلاً خاطر نشان شد که در صورت تحیر در مسائل مذهبی باید سراغ مجتهد عادل رفت تا حکم آنها را بدست آورد.

راستی چقدر مایه تأسف است که عده‌ای از مردم از دستورهای مذهبی چشم‌پوشند و آنچه را که در آن خشنودی شرع مقدس است نادیده انگارند و با صورتهای صاف و تراشیده، در مکه معظمه، پیشانی و صورتشان را به حجر الاسود و یا در کنار مرقد ائمه اطهار (ع) به ضریح‌های مقدس بمالند، و در این حال با ناله و فریاد به ائمه (ع) پناه ببرند و بگویند: مولای عبدك و ابن عبدك انا مطیع لکم ممتثل لامرکم: ای سرور من، من بنده تو و پسر بنده تو هستم من مطیع شما و فرمانبردار اوامر و

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 43

دستورهای شما می‌باشم، و امثال این گفتار.

آیا این مردم، معنی عبودیت و بندگی را نمیدانند، آیا درک نکرده‌اند که مفهوم بندگی و استواری آن، احترام به مولی و سرور است، و احترام او بستگی به اطاعت دستورهای آنان و عدم تخلف از چیزهایی که مایه خشنودی آنها است می‌باشد.

ای کاش میدانستم که آیا روایت و خبری از ائمه اطهار (ع) به این عده مردم در جواز ریش‌تراشی رسیده؟

یا آیه‌ای در قرآن مجید در این باره نازل شده است، یا آنکه می‌پندارند که موی صورت (ریش) از زیادیهای دهگانه بدن است که تراشیدن و ازاله آنها، مستحب می‌باشد مانند:

ناخن، موی زیر بغل و زیر ناف و مانند آنها؟!!

یا می‌پندارند که موی صورت (ریش) داخل در آن پنج دستوری است که خداوند به ابراهیم خلیل امر کرد که مردم را به انجام آنها دعوت کند «1» یا در آن پنج دستوری

---

(1) - این پنج دستور عبارتند از: گرفتن شارب (زیادی سبیل) گذاردن ریش، مسواک کردن، لای دندانها را تخلیه نمودن و آب در بینی نمودن (استنشاق)

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 44

دیگری است که خداوند به حضرت ابراهیم دستور داد که مردم را از ترك آنها بازدارد «1».

آری ریش‌تراشی داخل در آن دستورهای است که ابراهیم (ع) از طرف خدا مأمور شد که مردم را به ترك آنها دعوت نماید، رسول اکرم اسلام (ص) نیز مأمور شد که از ابراهیم (ع) در این موضوع پیروی کند، کوتاه سخن آنکه لازم است در حکم این مسأله به مجتهد عادل مراجعه کرد، او یا فتوای بجواز می‌دهد یا فتوای حرمت (این است معنی بندگی!) و ظاهراً کسی از علماء قائل بجواز ریش‌تراشی نیست.



معنا و محل لحيه (ريش) و زينت بودن آن

لحيه (که آن را در فارسی ريش می‌گویند) در لغت عرب عبارتست از موهائی که روی پوست استخوان دو طرف صورت روئیده می‌شوند.

---

(1) - این پنج دستور عبارتند از: ختنه کردن، ناخن گرفتن، موهای بدن را زدودن؛ رفع حدث با غسل جنابت و رفع خبث با تطهیر با آب (چنانکه خاطر نشان خواهد شد)

#### تراش ريش از نظر اسلام، ص: 45

در کتاب «مجمع» در لغت «لحي» مذکور است:

لحيه بر وزن سدره، موهائی است که روی چانه روئیده می‌شود، بعضی گویند: لحيه عبارتست از موی صورت «1»

از اخبار و روایات استفاده می‌شود که: ريش زينت و وقار و زيور مردان است و بوسيله آن از زنان امتياز داده می‌شوند، و بخاطر مصالحی که عقل صحیح و اندیشمندان گواه آنند خداوند، آن را به پیامبر خودش حضرت آدم (ع) و فرزندان ذکورش تا روز قیامت اختصاص داده است چنانکه علامه مجلسی در بحار الانوار جلد 16 از ابن مسعود روایتی نقل می‌کند که پیامبر (ص) فرمود:

وقتی که توبه آدم (ع) از طرف خدا پذیرفته شد، جبرئیل بحضور آدم آمد و گفت: ای آدم حياك الله و بياك آدم گفت: اما معنی «حياك الله» را میدانم (یعنی زنده بدارد ترا) ولی «بياك» چیست؟ «2»

---

(1) - لحيه مفرد است، جمع آن «لحي» (بر وزن رضا) می‌باشد.

(2) - بياك الله یعنی خدا ترا خندان سازد در بعضی از روایات ذکر شده که حضرت آدم در این موقع خندید با اینکه پس از کشتن-

#### تراش ريش از نظر اسلام، ص: 46

سپس به سجده رفت وقتی که سر از سجده برداشت عرض کرد: پروردگارا بر جمال و زينتم بیفزا! صبح که شد خود را صاحب ريش سیاه دید، دستش را به ريش خود زد بخود گفت (یا جبرئیل گفت): اینست جمال و زينتی که تو و فرزندان تو تا روز قیامت به آن آراسته شده‌اند.

از این حدیث استفاده می‌شود که جمال کرامت از طرف خدا برای آدم و فرزندان ذکورش تا روز قیامت ادامه دارد که عبارت از ریش است که بحساب زینتش برای مرد، غالباً در فارسی از آن به «محاسن» تعبیر می‌شود.

#### دستورهای دینی بی‌حکمت نیست

در میان مسائل مذهبی از مسائلی که از نظر مذهبی حرام است، تراشیدن ریش می‌باشد، زیرا این عمل از طرف شارع، نهی شده و از گناهانی است که مشمول عقاب و کیفر الهی است چه آنکه شارع قانون‌گذار این تعالیم و احکام

---

- فرزندش مدت صد سال نخندیده بود و مطالب دیگری نیز در این زمینه در کتاب بحار الانوار ج 7- ص 46 و مجمع البحرین ماده «بیا» خاطر نشان شده است.

#### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 47

که به ویژگیهای و مزایای امور، اطلاع دارد می‌داند که در عمل ریش‌تراشی مفسده‌ای است که دفع آن واجب است و با علم سرشار خود، دیده است که مصلحت و فایده دنیوی و اخروی بستگی به ترك این عمل دارد.

تمام اوامر و نواهی خداوند، از روی حکمت و بینش است؛ آنچه که شارع حرام کرده است، حتماً در ارتکاب آن حرام، مفسده و زیانی هست که شارع خواهان آنست که با لفظ «حرام» آن زیان را از انسانهای معتقد دور سازد این مطلب (هر حکمی از شرع بی‌حکمت نیست) از عقائد شیعه دوازده امامی است گرچه نیروی درک ما از درک تمام فلسفه احکام عاجز می‌باشد، موضوع ریش‌تراش نیز از این قانون مستثنی نیست، بیان حرمت این عمل و پرده‌برداری از مفسده و زیان این عمل را خاطر نشان خواهیم کرد.

ما با فریاد می‌خوانیم هر مسلمانی را که پایبند به دین است و با ما مشمول خطاب این آیه است **تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ**

**سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ إِلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ:** بیائید بسوی سخنی

#### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 48

برویم که بین ما و شما یکسان است که جز خدا را  
نپرستیم «1»

و با ما در اقرار به وجود آخرین پیامبران، حضرت رسول  
اکرم اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ که قرآن بر او  
نازل شده، شریک است و اعتراف بهمه آنچه به پیامبر  
صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ از طرف خدا رسیده دارد و  
میداند که بعد از امروز، روز دیگری (روز قیامت) هست  
که **يَوْمَ تَرَوْنَهَا تَذْهَلُ فِيهِ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَ تَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا وَ**  
**تَرَى النَّاسَ سُكَارَى وَ مَا هُمْ بِسُكَارَى وَ لَكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ :**

روزی که شیر دهنده، بچه شیر خوار خود را فراموش کند،  
و هر زن باردار، بار خود را بگذارد و ببینی مردم  
مستند در صورتی که مست نیستند بلکه عذاب خدا سخت است  
«2».

این روز، روز حشر و نشر و حساب و کتاب و کیفر و  
پاداش است؛ باید ما مسلمانانی که اعتقاد به این  
موضوعات داریم از مسائل مذهبی پرت نباشیم، توجه  
داشته باشیم که این مسائل از طرف اسلام است؛ خود در  
آورده نیست،

---

(1) - سوره آل عمران آیه 63.

(2) - سوره حج آیه 2

#### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 49

درست است که اینگونه مسائل برای غیر مسلمانان  
فایده‌ای ندارد ولی ما که معتقد به اصول اسلامی هستیم  
باید با دقت عمیق به ادله و براهین قاطع دین خود  
بنگریم تا درسهای دینی را بیاموزیم؛ اینک وقت آن  
رسیده است که به دلیلهای مسأله حرمت ریش‌تراشی، با  
بررسی عمیق که همگان را قانع کند بپردازیم.

«پایان مقدمه کتاب»

#### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 50

[فصلهائی در] ادله فقهی حرمت تراش ریش [و غیر آن]

برای مسأله حرمت ریش به چند دلیل از ادله فقهی اسلامی، استدلال می‌شود که ما در اینجا در ضمن چند فصلی نظر خوانندگان را به آن ادله جلب می‌کنیم:

(فصل اول) قرآن و مسئله ریش‌تراشی

مخفی نباشد که اینک درباره ادله‌ای که حکم تکلیفی این مسأله را از آن ادله استفاده کنیم گفتگو بمیان می‌آوریم بعبارت دیگر از این ادله استفاده می‌شود که ریش‌تراشی حرام است یا نه؟!

تراش ریش از نظر اسلام، ص: 51

1- قرآن مجید در سوره نساء آیه 118 از قول شیطان پرده‌برداری میکند که برنامه او اینست **وَلَا ضَلَّيْنَهُمْ وَ لَا أَمْنِيْنَهُمْ وَ**

**لَا مَرْئِيْنَهُمْ فَلْيُبْتِئِيْنَ آذَانَ الْأَنْعَامِ وَ لَأْمُرَنَّهُمْ فَلْيُغَيِّرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ** یعنی شیطان می‌گوید: حتما بشر را به گمراهی می‌اندازم، و در آرزو می‌افکنم و به آنان فرمان دهم که گوشه‌های چهار پایان را بشکافند «1» و آنان را امر می‌کنم که خلقت و آفرینش خدا را تغییر دهند.

راه استدلال به این آیه برای مسئله حرمت ریش‌تراشی نیاز به دو مقدمه دارد.

1- ثابت کنیم که تراشیدن ریش، تغییر دادن خلقت خدا است (در نتیجه طبق آیه از اوامر شیطانی است و حرام می‌باشد).

2- ثابت کنیم که هر تغییر خلقت حرام است و عمل شیطانی است جز مواردی که با اینکه تغییر دادن خلقت است طبق ادله دیگر از طرف شارع رخصت بر جواز آنها داریم.

---

(1) - و بر خود حرام کنند که از مراسم جاهلیت بود.

تراش ریش از نظر اسلام، ص: 52

اما مقدمه اول: ظاهراً شبهه‌ای در این مطلب نیست که ریش‌تراشی، تغییر خلقت است (خداوند مردها را طوری خلق

کرده که در صورتشان مو روئیده می‌شود) مخصوصا با در نظر گرفتن اینکه در مقدمه خاطر نشان شد که خداوند در صورت حضرت آدم (ع) بعنوان زینت، ریش رویانید و لازمه خلقت آدم به این هیئت خاص آنست که فرزندان ذکورش تا روز قیامت این هیئت را نگه دارند و چنانچه در آن تصرف کنند، تغییر خلقت در غیر مواردی که رخصت داده شده کرده‌اند.

اما مقدمه دوم جمله **«فَلْيَغَيِّرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ»** (امر میکنم خلقت خدا را تغییر دهند) عام یا مطلق است شامل هر گونه تغییر خواهد شد جز آن تغییرهایی که دلیلی بر جواز آنها داریم و باصطلاح از این عام، تخصیص خورده‌اند مانند ختنه کردن و ناخن گرفتن و موی سر تراشیدن و ... همانگونه که در سایر عموم‌ها و تخصیصات، این برنامه هست **«1»**

اشکال و پاسخ آن

اگر کسی اشکال کند که ما مقدمه اول را یعنی اینکه

---

(1) - مقدمه اول به منزله «صغری» و مقدمه دوم بمنزله «کبری»/

تراش ریش از نظر اسلام، ص: 53

ریش‌تراش تغییر خلقت است قبول نداریم!

پاسخ آنکه: شما در مسأله وشم (خال‌کوبی) و نتف و تنمص (چیدن و ازاله موهای بدن) چه می‌گوئید، این سه کار بطور قطع تغییر خلقت است، بنا بر این چرا تراش- ریش داخل در تغییر خلقت نباشد **فَتِلْكَ إِذَا قَسَمَهُ ضِيْرِي** «1» اگر تقسیم‌بندی ما اینطور باشد که آن سه را تغییر خلقت بدانیم ولی تراش ریش را تغییر خلقت ندانیم تقسیم ناهنجار و ناپسند کرده ایم.

بعلاوه حدیث نبوی مشهور شامل این تغییر (تراشیدن ریش) خواهد شد، این حدیث را عالم بزرگوار شیخ ابو الفتوح رازی (ره) در تفسیر خود نقل کرده که:

لعن رسول الله (ص) الواشمة و المستوشمة و المفلجات و المغيرات: رسول خدا (ص) لعنت کرد زن خالکوب و زنی که این عمل در بدن او میشود و زنانی که اطراف دندانهای

---

است وقتی که صغری و کبرای قضیه درست بود، نتیجه اش که حرمت ریش تراشی است صحیح می باشد.

(1) - نجم آیه 21 (اینست آن هنگام، تقسیم ناهنجار)

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 54

افراد را می تراشند که بین دندانهای آنها فاصله بیافتد و زنانی که تغییر خلقت میدهند.

سپس می گوید: مراد از «واشمت» زنانی هستند که با سوزن زنی و وسائلی خالکوبی می کنند تا آن محل خالکوبی سبز می شود منظور از «مستوشمت» زنانی هستند که این کار در جسم آنها انجام می شود.

آنان که خلقت خدا را تغییر می دهند کسانی هستند که حکم خدا را تغییر داده یعنی حرام خدا را حلال کرده و حلال خدا را حرام می نمایند چه آنکه خداوند متعال برای مردم چهار پایان را آفرید تا از آنها استفاده کنند ولی خودشان آنها را بر خودشان با عنوان سائبه و بحیره و ... «1» حرام کردند

---

(1) مردم زمان جاهلیت و کافر بعضی از حیوانات را با برنامه های خرافی خود بر خودشان حرام می کردند همانگونه که قرآن در سوره مائده آیه 102 اشاره کرده آنان شتری را که پنج شکم زائیده بود اگر پنجمین بچه اش ماده بود؛ گوشش را می شکافتند و در حین کشتن نام خدا را نمی بردند و گوشتش را برای زنان حرام کرده بودند، نام این شتر را /

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 55

(پایان کلام شیخ رازی).

در کتاب مفتاح الکرامه از ابن ادریس نقل شده که لعن النبی (ص) الواصلة و المستوصلة (ای فی الشعر) و الواشمة و المستوشمة و الواشرة و المؤشرة أي ترقیق الاسنان: یعنی پیامبر (ص) لعنت کرد زنی را که موی دیگری را بموی زنی وصل میکند و زنی را که این عمل در موی او می شود و باز لعنت کرد آن زنی را که خالکوبی

می‌کند و زنی را که عمل خالکوبی در بدن او انجام میشود و زنی را که اطراف دندانهای افراد را می‌تراشد (که بین دندانهای آنها فاصله بیافتد چه آنکه عرب جاهلی پیوستگی دندانها را بفال بد می‌گرفتند) و زنی که این عمل در بدن او انجام می‌شود.

علامه حلی در کتاب منتهی به جمهور و بزرگان از

---

«بحیره» گذاشته بودند، یا حیوانی که دو شکم پی‌درپی بچه ماده می‌آورد آن را وقف بتکده می‌کردند و بر خود حرام میدانستند و نام آن را «سائبه» گذاشته بودند ... توضیح این مطلب را در تفاسیر بخوانید.

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 56

علماء نسبت داده که گفته‌اند پیامبر (ص) لعنت کرد: (هفت دسته از زنان را) 1- زنی که موی زنی را به موی زن دیگر وصل میکند 2- زنی که این عمل در موی او انجام میشود 3- زنی که به امر خودش مویش را می‌کنند 4- زنی که دندانها را می‌تراشد که آنها را تیز کرده و بین آنها فاصله اندازد 5- زنی که این عمل در دندانهای او انجام میشود 6- زنی که با سوزن زدن و سرمه و ... خالکوبی میکند 7- زنی که این عمل در بدن او واقع میشود «1»

\*\*\* عده‌ای از علمای اهل تسنن و شیعه مانند زمخشری و نیشابوری و فیض، گفته‌اند که کندن موی ابرو، تغییر خلقت است، آنگاه زمخشری به حدیث نبوی مشهور تمسك کرده که لعن الله الواشرات المغيرات لخلق الله

---

(1) لعن رسول الله (ص) الواصلة و المستوصلة و المنتوف شعرها بأمرها و الواشرة التي تبرد الاسنان لتحدها و تفلجها و المستوشرة التي يفعل ذلك بها باذنها و الواشمة التي تغرز جلدما بآبرة ثم تحشوها كحلا و المستوشمة التي يفعل بها ذلك

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 57

: خداوند زنانی را که دندان تیز کرده و بین دندانها فاصله می‌اندازند و خلقت خدا را تغییر می‌دهند، لعنت کرده است

علامه شیخ انصاری صاحب مکاسب نیز این روایت نبوی را در باب «تدلیس الماشطة» کتاب مکاسب محرمة از علی بن غراب از امام صادق (ع) نقل کرده است.

بعضی از علما نیز تصریح کرده اند که لفظ تغییر در آیه **(فَلْيَعْيِرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ)** شامل هرگونه تغییر جز آن تغییرهائی- که از طرف خدا و رسول در انجام آنها رخصت داده شده می‌شود.

#### اشکال دیگر و پاسخ آن

بعضی گفته اند استدلال به آیه مورد بحث ناتمام است زیرا اگر عموم جمله **«فَلْيَعْيِرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ»** را در آیه اخذ کنیم و بگوئیم تغییر خلقت حرام است، تخصیص اکثر لازم آمده و در نظر اندیشمندان، هرگاه حکیمی، مطلبی را بصورت عام بگوید، آنگاه اکثر افراد آن عام را استثناء کند، تخصیص

#### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 58

اکثر است و این کار بر حکیم، بخصوص بر خداوند که حکیم علی الاطلاق است، قبیح و ناپسند می‌باشد.

پاسخ آنکه: تخصیص اکثر افراد عام، وقتی ناپسند است که در تحت عام، افراد نادر و کمی قرار گیرند، ولی در محل بحث چنین نیست، چه آنکه در تحت عموم تغییر خلقت، مصادیق و افراد زیادی باقی میمانند مانند قطع کردن گوش در آوردن چشم بریدن بینی و شکافتن زبان و قطع کردن عورت و کشیدن تخمها و ...

\*\*\* بنا بر این استدلال به آیه مذکور برای حرمت ریش‌تراشی بی‌مانع است از اینرو جماعتی از بزرگان علم، مانند صاحب حدائق «1» و صاحب وافی و علامه کاظمی و شیخ حائری و حاج محمد حسن کبه و فقیه بزرگوار سید محمد کاظم یزدی (اعلی الله مقامهم) به این آیه برای حرمت ریش‌تراشی

(1) صاحب حدائق گوید: ظاهر لفظ تغییر خلقت، تغییر حسی است گرچه روایاتی وارد شده که مراد تغییر دین خدا است (حدائق ج 1 ص 547) - مترجم

#### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 59



تمسك کرده اند.

### رفع توهم

ایراد و توهم شده که منظور از تغییر خلقت در آیه، تغییر معنوی است، یعنی از اوامر شیطان این ستمگر مردم را امر میکند احکام دین را که مطابق با فطرت و خلقت بشر می‌باشند تغییر دهند نه تغییر خلقت جسمی.

پاسخ آنکه: از آیه بقرینه صدر و ذیلش استفاده میشود که منظور، تغییر خلقت ظاهری است اما قرینه صدر آیه؛ از اینرو است که جمله **«فَلْيُبَيِّنَنَّ»** (بینی‌ها یا گوشهای چهار پایان را بشکافند) ظاهر در امور خارجی است که از او امر شیطان می‌باشد بخصوص با توجه به اینکه بینی بعضی از حیوانات در اصل خلقت بریدگی‌ای دارد **«1»** همانگونه که علامه طبرسی (ره) در تفسیر خود خاطر نشان ساخته است و همینطور شکافتن گوشهای چهارپایان (همانگونه که صاحب مجمع البحرین گفته است).

پرواضح است که این دو ظاهر در اراده فعل خارجی است نه امر معنوی، بخاطر آنکه مردم جاهلیت و پیرو شیطان؛

---

(1) بنابراین که یکی از معانی **«فَلْيُبَيِّنَنَّ»** بریدن بینی باشد

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 60

وقتی که شتری پنج شکم می‌زائید و پنجمین بچه اش ماده بود آن را بر خود حرام میکردند.

اما قرینه ذیل آیه، از اینرو است که جمله «تغییر خلق» ظاهر در تغییر حسی تکوینی است نه معنوی تشریحی که بمعنی خصوص تغییر احکام دین باشد، و بفرض اینکه قبول کنیم که منظور تغییر معنوی است، مسأله ریش هم از دین است (زیرا دیندار؛ تصرف غیر مأذون و بعبارت دیگر تغییر تشریحی نمی‌کند)، پس استدلال به آیه برای حرمت تراش ریش؛ بی‌مانع خواهد بود (و الله العالم).

\*\*\* 2- یکی از آیات قرآن که به آن برای حرمت ریش‌تراشی؛ استدلال می‌شود این آیه است **«وَ اتَّبَعَ مَلَّةَ اِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا»** یعنی پیروی از آیین ابراهیم خداپرست کن **«1»** از این

## آیه و مشابه آن استفاده می‌شود که پیروی از روش ابراهیم

(1) - سوره نساء آیه 125 و آیاتی مشابه آن مانند آیه 135 سوره بقره، آیه 95 سوره آل عمران، آیه 161 سوره انعام آیه 123 سوره نحل (مترجم).

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 61

واجب است.

در تفسیر علی بن ابراهیم قمی از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: خداوند بر ابراهیم «حنیفیه» یعنی ده چیز که مظهر پاکی و پاکیزگی است دستور داد، که پنج قسم آن در سر و پنج قسم آن در بدن است، آن پنج چیز که در سر است عبارتست از:

گرفتن شارب (زیادی‌های موی سبیل)، گذاردن ریش، ازاله موی بدن، مسواک و تخلیه کردن لای دندانها، و آن پنج چیز که در بدن است عبارتست از: ختنه؛ گرفتن ناخن، غسل جنابت، زدودن موهای بدن و تطهیر با آب.

این دستورهای که بنام حنیفیه» جزء آئین ابراهیمی است، نسخ نشده و تا روز قیامت، نسخ نخواهد شد اینست فرموده خداوند در قرآن **وَ اتَّبِعْ مِلَّةَ اِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا** «1».

علامه مجلسی در بحار الانوار جلد (16) از طرق روایات اهل تسنن، و صاحب وسائل در کتاب وسائل از مجمع بنقل از تفسیر قمی همین مطلب را خاطر نشان ساخته‌اند.

(1) - مجمع البیان ج 1 ص 200

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 62

راه استدلال به این آیه از این رواست که: این امور دهگانه که از آئین ابراهیم است تا روز قیامت، استوار است و نسخ نشده و نمی‌شود، خاتم پیامبران رسول اکرم اسلام صلی الله علیه و آله مأمور است که از آئین حنیفیه ابراهیم پیروی کند و امت خود را به پیروی از این آئین دعوت نماید، از جمله این ده دستور؛ گرفتن شارب و گذاردن ریش (یعنی نتراشیدن آن) است.

اگر کسی اشکال کند و توهم نماید که چون روایت حنیفیه  
مشمول بر امور مستحبی (مانند ناخن گرفتن و مسواک ..)

هست پس بحکم وحدت سیاق همه را به استحباب حمل  
می‌کنیم.

پاسخ آنکه اولاً در ضمن این ده دستور غسل جنابت قرار  
گرفته که واجب است «1» و ثانیاً تفکیک بین جمله‌های  
روایتی که بعضی از آنها مستحب است و بعضی واجب؛ در  
فقه اسلامی، مطلب نادر و ناپسند نیست «2» و ظهور امر

---

(1) - برای نماز

(2) - مانند فرموده امام (ع): اغسل للجمعة و الجنابة که /

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 63

**(وَ اتَّبِعْ)** در وجوب، در آن دستورهائی که رخصتی در انجام و  
ترکش از طرف شرع بما نرسیده واضح است و مخفی نیست،  
بنا بر این از وجوب: بدون قرینه عدول نمی‌کنیم.

---

اولی مستحب و دومی (برای نماز) واجب است در عین حال در ردیف هم قرار  
گرفته‌اند - مترجم

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 64

(فصل دوم) روایات و مسأله ریش‌تراشی

روایات متعددی از ائمه اطهار (ع) به ما رسیده که بر  
حرمت تراشیدن ریش، دلالت دارند، در اینجا به بیان چند  
روایت می‌پردازیم:

#### 1- ریش‌تراشی از اقسام «مثله» است

یکی از آن روایات، روایتی است که در کتاب «جعفریات»  
نقل شده است؛ قبل از آنکه به ذکر و بیان آن روایت  
بپردازیم، مناسب است راجع به اعتبار کتاب «جعفریات»  
اندکی سخن بمیان آوریم:

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 65

کتاب جعفریات، تألیف موسی فرزند اسماعیل بن موسی بن جعفر علیه السّلام است، شبهه و تردیدی نیست که این کتاب در اعلی مرتبه وثاقت و اعتبار می‌باشد.

علامه نجاشی گوید: اسماعیل فرزند موسی بن جعفر علیه السّلام در مصر سکونت داشت و در همانجا دارای فرزندان شد؛ او چندین کتاب داشت که در آن کتب از پدر و اجداد خود نقل روایت می‌کرد، قسمتی از کتابهای او عبارتند از:

کتاب الطهارة، کتاب الصلاة، کتاب الزکاة، کتاب الحج؛ کتاب الجنائز؛ کتاب الدعاء، کتاب السنن و الآداب و کتاب الرؤیا. حسین بن عبید اللّٰه به ما خبر داد که ابو محمد سهل بن احمد خبر داد ما را که، علی بن محمد ابن محمد بن اشعث بن محمد کوفی گفت: موسی بن اسماعیل بن موسی بن جعفر (ع) بما خبر داد که پدرم (اسماعیل) از کتب خودش برای ما حدیث می‌کرد (پایان کلام نجاشی).

علامه مامقانی عین این مطلب را از کتاب معالم ابن

#### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 66

شهر آشوب نقل می‌کند. عالم بزرگوار ابن داود قمی، اسماعیل بن موسی بن جعفر علیه السّلام را در شمار اصحاب پدرش (امام هفتم) آورده و بر علم و فضل و فقاہت و حسن عقیده و شایستگی او به تألیفات و کتابهای او، استدلال کرده است.

در ترجمه «صفوان بن یحیی» خاطر نشان شده: وقتی که اسماعیل بن موسی بن جعفر در مدینه از دنیا رفت، امام صادق (ع) برای او حنوط و کفن فرستاد و به موسی بن اسماعیل بن موسی (ع) امر کرد که بر جنازه اش نماز بخواند، این احترام، دلیل بر عظمت و وثاقت اسماعیل (و موسی بن اسماعیل) است.

شیخ مشایخ ما در اجازه یعنی حاجی نوری در خاتمه مستدرک حق مطلب را در ترجمه موسی بن اسماعیل بن موسی بن جعفر (ع) ادا کرده است، کسی که شرح حال موسی بن اسماعیل را طالب است به آن کتاب رجوع کند.

بطور آشکار از کتب قدیم و جدید و تتبع کلمات استفاده می‌شود که کتاب «جعفریات» تألیف موسی بن اسماعیل در اعلی مراتب اعتبار است.

از علمائی که قائل به اعتبار این کتاب است و به آن اعتماد

#### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 67

کرده است، زعیم عالیقدر سلطان المحققین، استاد بزرگوار مرحوم آیت‌الله العظمی سید ابو الحسن اصفهانی (اعلی‌الله مقامه) است، معظم له در احکام اموات در مسأله نقل میت از مکانی به مکان دیگر بحث میکرد، مایل به این فتوا بود که نقل میت از مکانی به مکان دیگر بطور مطلق جایز است؛ من کتاب جعفریات را به محضرش ارائه دادم و عرض کردم که در این کتاب روایاتی در منع این فتوا هست، از جمله روایتی را ارائه دادم که مضمونش این است:

مردی در سربك فرسخی کوفه در روستائی مرده بود، جنازه او را به کوفه حمل کردند؛ این مسأله را از علی (ع) پرسیدند، حضرت با بیان و گفتار خشن فرمود: اجساد خود را در محل موتشان دفن کنید، همانند یهود نباشید که جنازه‌های خود را به بیت المقدس برای دفن حمل می‌کنند «1»

(1) ... ان رجلا مات بالرساق علی رأس فرسخ من الكوفة فحملوه الى الكوفة فرفع ذلك الى علی بن ابی طالب (ع) فانهم عقوبة ثم قال ادفنوا الاجساد فی مصارعهم و لا تفعلوا كفعل اليهود بنقل الموتى الى بیت المقدس.

#### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 68

مرحوم آیت‌الله سید ابو الحسن (ع) عرض مرا پسندید و بر آن اعتماد کرد از اینرو اخیرا در کتاب «وسیلة النجاة» در باب مجوزات نبش اشکال کرده می‌فرماید:

از مواردی که نبش قبر جایز است: اگر کسی وصیت کرده باشد که قبل از دفن، مرا در یکی از مشاهد مشرفه دفن کنید؛ اگر از روی گناه یا جهل یا فراموشی در مکان

دیگری او را دفن کردند، نبش قبر او و نقل دادن جنازه او به محل مورد وصیتش جایز است.

یا وصیتی اصلاً نکرده باشد، سپس میفرماید بنظر من در همه این سه صورت (عصیان و جهل و نسیان) تأمل و اشکال است؛ گرچه بین این سه صورت تفاوت است اشکال سومی بیشتر است سپس دومی، سپس اولی (پایان کلام مرحوم سید ابو الحسن)

غرض از بیان این مطالب طولانی این بود که کتاب جعفریات در اعتبار، کمتر از کتاب کافی نیست، و گواهی علمای بسیاری بر این مطلب، برای ما در اعتماد کردن به روایات این کتاب کافی است.

#### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 69

\*\*\* در این کتاب، روایتی نقل شده که دلالت بر حرمت تراشیدن ریش می‌کند سند آن روایت از این قرار است:

محمد بن محمد بن اشعث کوفی از ابو الحسن موسی بن اسماعیل بن موسی بن جعفر (ع) نقل می‌کند که جد بزرگوارش امام سجاد علیه السلام از علی علیه السلام نقل می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

حلق اللحية من المثلة و من مثل فعلیه لعنة الله:

تراشیدن ریش از اقسام «مثله» است «1» از رحمت خدا دور باشد کسی که «مثله» کند.

خلاصه راه استدلال به این روایت اینکه: ریش‌تراشی از مصادیق و اقسام «مثله» است و کسی که بجا آورنده «مثله» باشد مشمول لعنت خدا است، شامل شدن لعنت خدا بر کسی بخاطر عملی، حاکی است که آن عمل مورد غضب خدا است و عامل آن مشمول عقوبت (دوری از رحمت خدا) خواهد شد و همین تعبیر، دلالت رسائی بر حرمت تراشیدن ریش

---

(1) مثله عبارتست از قطع کردن بینی یا لب یا گوش یا انگشتان و ...

#### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 70

که از اقسام «مثله» هست دارد و تردیدی در حرمت «مثله» نیست و اگر تراشیدن ریش از اقسام مثله نبود،

رسول خدا (ص) آن را جزء مصادیق «مثله» بشمار نمی‌آورد.

علامه مجلسی در کتاب بحار جلد ششم از تفسیر مجمع البیان نقل میکند: هنگامی که رسول خدا بعد از جنگ احد مشاهده کرد که عده‌ای از اصحاب، از جمله عمویش حمزه علیه السلام را «مثله» کرده‌اند «1» (از شدت ناراحتی) فرمود:

اگر خدا ما را بر دشمنان مسلط کند آنها را مثله خواهیم کرد ...

از وصایای علی علیه السلام به امام حسن علیه السلام است که در ضمن خطبه‌ای فرمود: فرزندم! هیچ‌گاه کسی را مثله نکن زیرا من از جد شما رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: و لا یمثل بالرجل و لو بالکلب العقور: مسلمان کسی را حتی سگ گزنده را «مثله» نمی‌کند (از این تعبیرات در روایات استفاده حرمت قطعی «مثله» می‌شود).

\*\*\*

---

(1) نیز در بحار ج 6 نقل شده که کفار جماعتی از مسلمانان را مثله کردند، ولی حضرت حمزه را بیشتر از همه مثله نمودند.

## تراش ریش از نظر اسلام، ص: 71

### 2- مسخ ریش تراشان و تابندگان سبیل

یکی از روایات داله بر حرمت ریش‌تراش روایت حبابه والبیّه است، این روایت در کتاب اصول کافی (ج 1 ص 346) نقل شده است.

قبل از آنکه به بیان و مراد روایت مزبور بپردازیم؛ در اینجا مناسب است درباره اعتبار کتاب کافی، مطالبی خاطر نشان شود:

اعتبار کتاب کافی (اصول و فروع و روضه آن) بی‌نیاز از بیان و شرح است، چه آنکه کتاب کافی تالی‌ت‌لو قرآن می‌باشد و نخستین کتابی است که از کتب اربعه شیعه دوازده امامی است، این کتاب را ثقة الاسلام و المسلمین محمد بن یعقوب کلینی (رضوان الله تعالی علیه) از اصول

صحیحہ در زمان غیبت صغری (به نیابت از سفیران چهارگانه امام عصر (ع)) در مدت بیست سال تألیف کرده است «1»

---

(1) - حضرت ولی عصر (عج) در سال 260 قمری یعنی همان سالی که پدر بزرگوارش از دنیا رفت از نظرها ناپدید گردید طی حدود 70 سال که دوران غیبت صغری بود، حضرت بوسیله /

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 72

این کتاب مهمترین و جامعترین و متقنترین و نیکوترین کتاب امامیه اثنی عشری است که شیعه دوازده امامی اعتماد بآن دارد و در مسائل و احکام، به آن مراجعه میکند، از آنجا که مؤلف کافی یعنی محمد بن یعقوب با سفرای امام (ع) ارتباط شدید داشت و در امور؛ مراجعه کامل به آنها می‌کرد، بعید است که این کتاب را بر آنها عرضه نکرده باشد و آنها هم امام (ع) را به این کتاب مطلع نکرده باشند.

از همین مسیر، کشف می‌کنیم که امام عصر (ع) به این کتاب راضی بوده و آن را امضاء کرده است، اگر راضی به این کتاب نبود، در شرائط امکان- گرچه با واسطه شدن یکی از سفیرانش باشد- آن را ردع و طرد می‌کرد با توجه به اینکه امام (ع) اطلاع داشت و حافظ شرع و شریعت است.

---

چهار نفر از نواب و سفرایش بنامهای: عثمان بن سعید، محمد بن عثمان، حسین بن روح و علی بن محمد سمري با مردم تماس داشت.

مترجم

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 73

وقتی که کتاب کافی در موقعیت و اهمیت فوق العاده ای که مرجع احکام و اعمال و افعال شیعیان باشد قرار داشت و از مهمترین کتب آنها بشمار می‌رفت و ردعی از طرف امام درباره آن نبود می‌فهمیم که این کتاب مورد تقریر و امضای امام (ع) قرار گرفته است.



منظورم اشاره به سخن معروف الکافی کاف لشیعتنا (کتاب کافی برای شیعیان ما کافی است) و تصحیح این جمله نیست، چه آنکه دانسته نشده که آیا این جمله از گفتار امام معصوم است یا نه (اگر بگوئیم علم به کذب این نسبت نداریم) بلکه منظورم این است که: علی القاعده کتاب با این مهمی را به امام عصر علیه السلام عرضه کرده اند و امام آن را امضا نموده است، بهر حال اعتبار این کتاب و صحت آن بسان آفتاب در وسط روز، روشن است.

بلکه اگر هیچگونه سخنی درباره کتاب کافی جز سخن علامه بحر العلوم (اعلی الله مقامه) نباشد برای ما کافی است، آن مرحوم «1» پس از ذکر حدیث نبوی مشهور

---

(1) - بنقل محدث نوری (ره) در مستدرک الوسائل.

#### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 74

«که خداوند برای این امت در ابتدای هر صد سالی، کسی را می‌انگیزاند تا دین اسلام را از (شوائب و عوارض خارجی) تجدید کند» می‌گوید: اینکه ابن اثیر و غیر او از علمای اهل تسنن گویند: ثقة الاسلام کلینی در قرن سوم، مجدد مذهب شیعه دوازده امامی است، سخن حقی است که خداوند آن را در زبان آنها جاری ساخته است، کسی که به کتاب کافی توجه و تدبر کند، این سخن را تصدیق خواهد کرد و میداند که کلینی (ره) مشمول حدیث نبوی مذکور است و مجدد مذهب شیعه در قرن سوم قمری می‌باشد.

زیرا کتاب کافی، کتاب بسیار عظیم و بی‌نظیر و عام المنفعه است و بر سایر کتب حدیث از نظر حسن ترتیب و جامعیت و تهذیب و شمول مسائل اصولی و ... برتری دارد، و محتوی اکثر روایاتی است که از ائمه اطهار (ع) رسیده است، بعلاوه تألیف این کتاب در عصر غیبت صغری در مدت بیست سال در زمان سفرای امام (ع) بوده همانگونه که علامه نجاشی به این مطلب تصریح کرده است. این کتاب دارای 16199 (شانزده هزار و صد و نود و نه) حدیث

#### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 75

است چنانکه این مطلب را از علامه حلی (ره) نقل کرده اند.

شهید اول در کتاب «ذکری» گوید: محتویات کتاب کافی زیادتر از مجموع محتویات صحاح ششگانه اهل تسنن است «1» و دارای 32 کتاب است.

\*\*\* نتیجه اینکه کتاب کافی در اعلی مرتبه اعتبار است، دیگر نیازی به ادامه سخن نیست منظور وجود روایتی در این کتاب است که دلالت بر حرمت ریش‌تراشی دارد، نظر به اینکه این روایت مشتمل بر ادله امامت هست، تمام آن را بعنوان تیمن و تبرک با ذکر سند (از خودم تا امام) بنظر خوانندگان می‌رسانم:

برای حقیر طرق بسیاری تا امام (ع) که چه بسا به پنجاه و پنج واسطه می‌رسد در اخذ روایات دارم، که بهترین و متقن‌ترین آنها آنست که از استاد بزرگوارم زعیم عالیقدر

---

(1) - صحاح سته اهل تسنن عبارتند از: صحیح مسلم، صحیح بخاری، صحیح ترمذی، صحیح ابن ماجه، صحیح ابی داود و صحیح نسائی.

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 76

شیعه مرحوم آیت‌الله العظمی سید ابو الحسن اصفهانی (اعلی‌الله مقامه) نقل می‌کنم که او از شیخ اجازه خود علامه اصولی و رجالی شیخ فتح‌الله نمازی (اصفهانی) و از علامه بزرگوار مرحوم سید حسن فرزند علامه سید هادی کاظمی نقل می‌کند.

من (مؤلف) دارای اجازه شفاهی و کتبی از آیت‌الله العظمی سید حسن صدر (ره) هستم به این ترتیب: عن الامام الانصاری عن المولی احمد النراقی، عن العلامة الطباطبائی عن السید الحائری عن مولانا العلامة المجلسی (و او طبق اسانید بسیار خود که در جلد اجازات بحار الانوار آنها را تحریر کرده تا صاحب کتاب کافی).

و در کتاب کافی عن علی بن محمد، عن محمد بن اسماعیل بن موسی بن جعفر؛ عن احمد بن قاسم العجلی، عن احمد بن یحیی، عن محمد بن خداهی، عن عبد‌الله بن ایوب، عن

عبد الله بن هاشم عن عبد الكريم بن عمرو الخثعمي، عن  
حبابة الوالبية ...

تراش ریش از نظر اسلام، ص: 77

---

طبسی، نجفی، محمد رضا - مترجم: اشتهااردی، محمد محمدی، تراش ریش از نظر  
اسلام، در یک جلد، قم - ایران، اول، ه ق

تراش ریش از نظر اسلام؛ ص: 77

حدیث حبابه والبيه

طبق سند مذکور حبابه «1» والبيه گوید:

رأيت امير المؤمنين في شرطة الخميس و معه درة؛ و لها  
سبابتان، يضرب بها بياعى الجرى و المار ماهى و  
الزمار و يقول لهم:

يا بياعى مسوخ بنى اسرائيل و جند بنى مروان، فقام  
اليه فرات بن احنف فقال: يا امير المؤمنين و ما جند  
بنى مروان؟

قالت فقال له: اقوام حلقوا اللحى و فتلوا الشوارب  
فمسخوا، فلم أر ناطقا احسن نطقا منه.

ثم اتبعته فلم ازل أقفو (اقف) اثره حتى قعد في رحبة  
المسجد فقلت له يا امير المؤمنين ما دلالة الامامة  
يرحمك الله.

قالت فقال اثتيني بتلك الحصة - و اشار به بيده الى  
حصاة - فاتيته بها فتبع لى فيها بخاتمه الشريف ثم قال  
لي يا حبابه اذا ادعى مدع الامامة فقدر أن يطبع كما  
رأيت فاعلمى

---

(1) حبابه (بر وزن مراقه) اسم زنى است از واليه كه نام محلى از يمن  
مىباشد. و طبق مفهوم همین حدیثی كه نقل کرده 236 سال یا بیشتر عمر کرده  
است.

تراش ریش از نظر اسلام، ص: 78

انه امام مفترض الطاعة و الامام لا يعزب عنه شيء يريدہ .

قالت: ثم انصرفت حتى قبض امير المؤمنين عليه السلام فجئت الى الحسن عليه السلام و هو فى مجلس امير المؤمنين و الناس يسألونه، فقال يا حباة الوالبيّة! فقلت نعم يا - مولاي فقال هاتى ما معك، قالت فاعطيته فطبع كما طبع امير المؤمنين (ع).

قالت: ثم أتيت الحسين و هو فى مسجد رسول الله (ص) فقرب و رحب ثم قال لى ان فى الدلالة دليلا على ما تريدين، أ فتريدين دلالة الامامة فقلت نعم يا سيدى فقال هاتى ما معك فناولته الحصاة فطبع لى فيها.

قالت ثم أتيت على بن الحسين (ع) و قد بلغ لى من الكبر الى ان ارعشت و انا اعدّ يومئذ مائة و ثلاث عشرة (113) سنة فرأيتہ راکعا و ساجدا مشغولا بالعبادة، فيئست من الدلالة فأومى الى بالسبابة فعاد الى شبابى!.

قالت: فقلت يا سيدى كم مضى من الدنيا و كم بقى فقال: اما ما مضى فنعم و اما ما بقى فلا.

قالت: ثم قال هات ما معك فاعطيته الحصاة فطبع

تراش ريش از نظر اسلام، ص: 79

لى فيها .

ثم أتيت ابا جعفر (ع) فطبع لى فيها .

ثم أتيت ابا عبد الله (ع) فطبع لى فيها .

ثم أتيت ابا الحسن موسى عليه السلام فطبع لى فيها .

ثم أتيت الرضا (ع) فطبع لى فيها .

و عاشت حباة بعد ذلك تسعة اشهر- على ما ذكره محمد بن هشام «1»

يعنى: امير مؤمنان على (ع) را در شرطة الخميس (بين پيشقراولان جنگ يا در محل آنها) ديدم؛ در دستش شلاقى

دو سر بود و با آن فروشنندگان جری (ماهی بی‌فلس) و مار ماهی و زمار (نوعی از همان مار ماهی) را می‌زد و به آنها می‌فرمود ای فروشنندگان یهودی‌های مسخ شده و جند بنی مروان.

فرات بن احنف خدمت آن حضرت ایستاد و عرض

---

(1) اصول کافی ج 1 ص 346 باب ما یفصل به بین دعوی المحق و المبطل فی امر الامة حدیث 3. ط جدید ج 1 ص 280.

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 80

کرد: ای امیر مؤمنان! جند بنی مروان چیست؟ علی (ع) فرمود جند بنی مروان، مردمی بودند که ریش‌ها را می‌تراشیدند و سبیل‌ها را تاب میدادند و مسخ شدند «1»

حبابه گوید: من خوش‌سخن‌تر از علی (ع) ندیدم، بدنبال او رفتم و رفتم تا در پیشخان مسجد نشست، به آن حضرت عرض کردم: ای امیر مؤمنان! دلیل امامت چیست؟ خدا ترا مشمول رحمت خود قرار دهد، آن بزرگوار، در جواب (به سنگ‌ریزی اشاره کرد) و فرمود:

آن سنگ ریز را نزد من بیاور، آن را بحضور حضرت آوردم، حضرت با خاتم (انگشتر) خود بر آن مهر زد بطوری که آن مهر بر آن سنك، نقش بست و به من فرمود:

ای حبابه: هر که مدعی امامت شد و توانست مثل من این سنك را مهر کند بدان که او امامی است که واجب است از او اطاعت کرد، امام کسی است که هر

---

(1) - علامه مجلسی (ره) در شرح گوید: مسوخ جمع مسخ است و این حیوانات را از نظر شباهت، مسوخ گویند، نه آنکه از نسل آنها باشند زیرا مسخ‌شده‌ها پس از سه روز همه مرده‌اند.

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 81

چیز را بخواهد می‌داند، من پی کار خود رفتم تا امیر مؤمنان (ع) از دنیا رفت، آمدم خدمت امام حسن (ع) که بجای علی (ع) نشسته بود و مردم از او سؤال می‌کردند، چون مرا دید، فرمود: ای حبابه والبیه! عرض کردم بلی ای سرور من، فرمود آنچه همراه داری بیاور! من آن سنك

کوچک را به آن حضرت دادم آن بزرگوار مانند علی (ع) با خاتم خود بر آن مهر زد بطوری که جای مهر بر آن نقش بست.

سپس بحضور امام حسین علیه السلام که در مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود وارد شدم مرا نزد خود خواند و خوش آمد گفت و بمن فرمود:

دلیل آنچه تو می‌خواهی موجود است، آیا نشانه امامت را می‌خواهی؟ گفتم: آری ای آقای من! فرمود:

آنچه با خود داری بیاور، من آن سنک کوچک را به او دادم خاتم بر آن زد و مهرش در آن نقش بست.

پس از امام حسین (ع) خدمت امام سجاد (ع) رسیدم، بقدری پیر شده بودم که رعشه گرفته بودم و برای خود

113

#### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 82

سال می‌شمردم (که از عمرم رفته) دیدم آن حضرت در رکوع و سجود است و به عبادت اشتغال دارد و به من بی‌توجه است، از دریافت نشانه امامت، ناامید شدم، آن حضرت با انگشت سبابه خود به من اشاره کرد به اشاره او جوانیم برگشت.

گفتم: ای آقای من از دنیا چه اندازه گذشته و چه اندازه مانده است؟ فرمود: نسبت به آنچه گذشته است آری و آنچه مانده است. نه «1» آنگاه به من فرمود: آنچه با خودداری بیاور؛ من آن سنک را به آن حضرت دادم؛ مهر بر آن زد، سپس بحضور امام باقر آمدم آن حضرت نیز بر آن سنک، مهر زد؛ بعد از او نزد امام صادق علیه السلام آمدم و آن جناب بر آن مهر زد، سپس بحضور امام کاظم علیه السلام آمدم، آن بزرگوار نیز بر آن مهر زد، بعد از او خدمت حضرت رضا علیه السلام آمدم مهر آن حضرت نیز بر آن نقش بست.

حبابه والبیه پس از آن؛ نه ماه زنده بود چنانکه از محمد ابن هشام نقل شده است.

---

(1) - معنای این جمله اینست که: ما علم به گذشته داریم، اما آینده از غیب است که غیر خدا آن را نمی‌داند - مؤلف.

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 83

استدلال به این حدیث

از نظر سند: عبد الکریم بن عمرو (صالح) خثعمی از اصحاب امام صادق و امام کاظم (ع) بوده و بزرگان از علمای رجال او را با عنوان «ثقه» (مورد اطمینان) نام برده‌اند.

اما در مورد حبابه والبیة «1» شیخ بزرگوار طوسی او را از اصحاب امام حسن مجتبی (ع) دانسته است، ابن داود قمی در کتاب رجال خود او را از اصحاب امام حسن و امام حسین و امام سجاد و امام باقر (علیهم السلام) شمرده است.

ولی از مضمون حدیث حبابه، دانستیم که حبابه والبیة هشت امام (از علی (ع) تا حضرت رضا علیهم السلام) را درک کرده است و بعد از آنکه بخدمت امام هشتم رسید نه ماه زنده بود.

شیخ بزرگوار طوسی (ره) در کتاب غیبت، فضائل

---

(1) - طبق نوشته فیض در کتاب وافی، حبابه بفتح حاء و تشدید باء است ولی علامه مامقانی بنقل از قاموس حبابه بتخفیف نقل کرده است.

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 84

بسیاری برای حبابه والبیة، خاطر نشان ساخته که از آنها است: تشریف او بخدمت هشت امام و اینکه حضرت رضا علیه السلام او را با لباس خود کفن کرد، و در زیارت مولودیه «1» نیز به داستان حبابه اشاره شده با این تعبیر: السلام علیک یا خاتم الحصة و مبین المشکلات (سلام بر تو ای علی ای مهرزننده سنگریزه و بیان کننده مشکلهای) حبابه کسی است که با اشاره امام سجاد (ع) از راه اعجاز؛ جوانی‌اش عود کرد، از عمر او در روزی که خدمت امام سجاد (ع) رسید صد و سیزده سال گذشته بود و

بعد از جریان جوان شدنش صد و بیست و سه سال دیگر عمر کرد، در نتیجه مجموعاً 236 سال عمر کرد.

\*\*\* شاهد استدلال ما برای حرمت تراشیدن ریش به يك قسمت حدیث حبابه است، آنجا که فرات بن احنف از علی (ع) پرسید: جند بنی مروانی که مسخ شدند چه کسانی می‌باشند؟!

(1) - زیارت حضرت علی (ع) روز مولود (مفاتیح الجنان).

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 85

حضرت در پاسخ فرمود: اقوام حلقوا اللحی و فتلوا الشوارب فمسخوا: جند بنی مروان اقوامی بودند که ریشهای خود را می‌تراشیدند و سبیل‌های طویل خود را تاب می‌دادند و بر اثر این کار بصورت بعضی از حیوانات مسخ شدند.

استدلال به این روایت بر حرمت تراشیدن ریش از این رواست که: وقتی عمل تراشیدن ریش و تاباندن سبیل باعث مسخ، از صورت انسانی بصورت مارماهی و زمار و امثال آنها شود، دلیل کامل بر حرمت آن خواهد شد، اگر ریش‌تراشی حلال و جایز باشد این مسخ که از عذاب خدا است بی‌مورد و بیجا بود، زیرا از نظر عقل روا نیست که خداوندی که رحمتش بر غضبش پیش گرفته و جز کافران، هیچ‌کس از رحمتش ناامید نیست برای امر جایزی، اینگونه عذاب (مسخ) را شامل عاملین آن کند؛ بنا بر این کاری که نتیجه‌اش مسخ الهی است حتماً حرام خواهد بود و انجام دهنده آن، از بزرگترین گناهان را مرتکب شده است.

اگر مسخ، دلیل و نشانه کراهت ریش‌تراشی است،

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 86

نه حرمت آن، حضرت علی (ع) مطلب را آن قدر شدید و غیر عادی نمی‌گرفت و با خطاب ای جند بنی مروان! مخاطبین را مورد سرزنش قرار نمیداد با توجه به اینکه مخاطبین از حیوانات نبودند بلکه دارای عقل و فکر و تمیز بودند.



اگر ریش‌تراشی از اعمال ناپسند و حرام نمی‌بود.

شخصی از مخاطبین اعتراض میکرد، سکوت آنها دلیل آن است که حرمت خرید و فروش حیوانات و ماهی‌های حرام گوشت را خودشان میدانستند، و همین‌طور میدانستند که تراشیدن ریش در شرع اسلام از گناهان کبیره است «1»

---

(1) احتمال اینکه حکم حرمت به ریش‌تراشی با تاب دادن سبیل (به هر دو با هم) تعلق گرفته مثل احتمال اینکه این حکم مربوط به دین بنی اسرائیل هست نه اسلام، از احتمال‌های بی‌اساس و بسیار سستی است که کسی که آشنائی به قیافه و طرز تلفظ خطاب‌ها و گفتگوها دارد با توجه به لحن حدیث والبیة برای این احتمالها ارزش قائل نیست، پر واضح است که از لحن تند علی (ع) پیداست که این حکم منحصر-

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 87

منظور از «جند بنی مروان چیست!؟»

در اینجا مناسب است راجع به «جند بنی مروان» که در روایت والبیة، ذکر شد توضیحی داده شود:

پس از بررسی‌های متناوب درباره جمله «جند بنی مروان» (لشکر و سپاه فرزندان مروان) بر خورد کردیم به روایتی که در کتاب روضه کافی صفحه 218 حدیث شماره 305 مذکور می‌باشد آن روایت این است:

عبدالله بن طلحه می‌گوید: از امام صادق (ع) راجع به مارمولک (سوسمار کوچک) پرسیدم؛ فرمود: مارمولک پلیدی است (گوشتش حرام و نجس است) و این حیوان، از حیوانهای مسخ شده است؛ وقتی او را کشتی؛ غسل کن (یعنی غسل مستحب است).

---

به عصر بنی اسرائیل نیست، عمل ریش‌تراشی بتنهائی حرام می‌باشد و اگر چنین نبود، چون مقام بیان و سؤال و جواب بود؛ می‌بایست متعلق حکم حرمت تعیین شود!

(مترجم)

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 88

سپس فرمود: پدرم امام باقر (ع) روزی در حجر اسماعیل نشسته بود، مردی نیز در حضورش از محضرش استفاده می‌کرد، در این میان مارمولکی که صدا می‌کرد در آنجا

حرکت نمود، پدرم به آن مرد فرمود: آیا میدانی که این مارمولک چه گفت؟ آن مرد گفت: نه نمیدانم، پدرم فرمود او می‌گوید: و الله لئن ذکرتم عثمان بشنیعة لأشتمن علیا حتی یقوم من هاهنا: سوگند بخدا اگر بدیهای عثمان را بگوئید، حتما به علی (ع) ناسزا می‌گویم تا اینکه هر که در اینجا هست بلند شود.

سپس فرمود: «هیچیک از بنی امیه نمرند مگر اینکه بصورت مارمولک مسخ شدند» آنگاه اضافه کرد: وقتی که عبدالله بن مروان از دنیا رفت، بصورت مارمولکی مسخ شد مردمی که در کنار او بودند، همه رفتند، پسرانش وقتی این منظره را دیدند، در فکر فرو رفتند که چه کنند؟ سپس هم رأی شدند که تنه درخت خرما بیاورند عبدالله بن مروان را در میان آن قرار دهند تا شکل انسان را داشته باشد بالاخره، بدن را با شاخ و تنه پوشاندند و آن را در میان ذره آهنی گذاشته و

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 89

کفن کردند، هیچکس از مردم مطلع نشد جز من و فرزندان او (از این روایت تا حدودی استفاده میشود که جند بنی مروان در حدیث والبیة کیانند، و منظور علی (ع) از این چیست، شاید حضرت اشاره به آینده می‌کند)

### 3- عدم جواز تراشیدن قسمت جلو ریش

یکی از روایاتی که دلالت بر حرمت تراشیدن ریش دارد روایتی است که در کتاب قرب الاسناد (ص 122) نقل شده است.

کتاب قرب الاسناد تألیف شیخ و بزرگ علمای قم، عبدالله بن جعفر حمیری است، علامه بزرگوار در کتاب خلاصه خود گوید: عبدالله بن جعفر بن حسین بن مالک حمیری، بزرگ و شیخ علمای قم، در سنه دویست و نود و اندی به کوفه رفت، شخص ثقه (مورد اطمینان) و از اصحاب امام حسن عسکری (ع) است.

علامه نجاشی نیز بهمین مطلب اشاره کرده و اضافه می‌کند که وی کتب بسیاری تألیف کرد که از آنها است:

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 90

«کتاب الامامة» و «کتاب الادله» ... و کتاب «قرب الاسناد الی الرضا» و کتاب «قرب الاسناد الی ابی جعفر بن الرضا»

بهر حال این عالم بزرگوار در این کتاب روایتی از علی ابن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین (ع) از برادرش موسی ابن جعفر (ع) نقل می‌کند که از آن بزرگوار درباره گرفتن و زدن شارب (سبیل طویل) پرسیدم که آیا جایز است یا نه؟

فرمود: جایز است سپس پرسیدم آیا گرفتن و زدن ریش جایز است فرمود: اما من عارضیه فلا بأس و اما من مقدمه فلا:

زدن قسمتهای بالای ریش (گونه‌ها) بی‌اشکال است ولی گرفتن قسمت جلو ریش جایز نیست «1».

این روایت صریح هست که زدن و گرفتن (تراشیدن) ریش از قسمت جلو ریش (یعنی صورت غیر از گونه‌ها) جایز نیست و دیگر نیازی به شرح و بیان ندارد.

\*\*\* راوی این روایت علی بن جعفر (ع) است، علی فرزند امام

---

(1) - از این روایت که صراحتی روشن دارد، بخوبی حرمت تراشیدن ریش استفاده می‌شود (مترجم)

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 91

صادق (ع) برادر امام موسی بن جعفر از مردان عظیم و بزرگی است که نیازی به اثبات این مطلب نیست.

او مؤلف کتاب «المناسک و المسائل لایحه موسی بن جعفر علیه السلام» (محتوی سؤالهائی که از امام هفتم (ع) کرده است) میباشد، این کتاب از محکم‌ترین کتب شیعه دوازده امامی است، تمام فقها و محدثین، در اعتبار این کتاب اتفاق رأی دارند، سخن درباره وثاقت صاحب این کتاب (علی بن جعفر) مانند سخن گفتن درباره وثاقت امام معصوم (ع) میباشد که کمال جرئت و جسارت است.

درباره محل دفن علی بن جعفر (ع) بین علامه مجلسی با پدرش محمد تقی مجلسی اختلاف رأی هست؛ مجلسی اول (محمد تقی) گوید: مرقد علی بن جعفر همان قبری است که در کنار شهر قم (پشت بیمارستان نکوئی) مشهور به مرقد علی بن جعفر (ع) می‌باشد چنانکه علامه فرید از خط جدش مجلسی اول این مطلب را نقل کرده است.

اما مرقد فرزندان علی بن جعفر در نقاط مختلف هستند، از جمله در استان اصفهان نزدیک قریه «سین خوار» قبری

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 92

هست بنام قبر سید کمال الدین، که از فرزندان علی بن جعفر می‌باشد.

لکن مجلسی دوم (علامه محمد باقر مجلسی) به رأی پدرش در این باره اعتراض کرده و گوید: پدرم اشتباه کرده و منشأ اشتباه پدرم این است که روی سنگ قبر نوشته شده فلان بن فلان بن علی بن جعفر، بر اثر مرور زمان و ساویدگی نوشته‌های سنگ قبر، خطوط محو شده فقط جمله علی بن جعفر مانده است، کسی که سنگ را می‌بیند خیال می‌کند که آن قبر، قبر علی بن جعفر است. «1»

دلیل بر این که قبر علی بن جعفر در قم نیست این که:

در هیچ يك از تاریخ‌های شهر قم، از علی بن جعفر ذکری نشده با اینکه آن کتب تواریخ برای ضبط بزرگانی که وارد قم شده‌اند وضع شده‌اند، تنها نام فرزندان علی بن جعفر خاطر نشان شده؛ بسیار بعید است که مثل علی بن

---

(1) - قول صحیح این است که مرقد مطهر علی بن جعفر در قریه «عریض» جوار مدینه منوره می‌باشد.

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 93

جعفر (ع) وارد قم که مرکز مراکز شیعه است شود ولی در تاریخ قم از آن یادی نگردد. «1»

---

(1) - روایات دیگری نیز که دلالت بر حرمت ریش‌تراشی دارد، در کتب حدیث نقل شده که در قسمتهای آخر این کتاب از آن روایات نیز بعنوان تأیید استفاده خواهد شد - مترجم.

## تراش ریش از نظر اسلام، ص: 94

### فصل سوم دلیل عقل

یکی از ادله تحریم تراشیدن ریش، دلیل عقل است به این بیان: عقل سالم حکم می‌کند که عبد و بنده در چیزی که از طرف مولی و صاحبش به آن اذن داده نشده؛ تصرف نکند، و بر کسی مخفی نیست که همه مخلوقات بنده و مملوک آفریننده که مالک واقعی است می‌باشند، معنی عبودیت و بندگی آنست که عبد آنچه را که رضایت مولی حقیقی او در آن است انجام دهد و در موضوعاتی که مولایش رخصت نداده تصرف نکند وگرنه از وظیفه بندگی خارج شده و بر

## تراش ریش از نظر اسلام، ص: 95

مولای خود تعدی نموده است و این مطلب از نظر عقل ظلم و زشت است.

روی این اساس گوئیم: تراشیدن ریش از اموری است که شارع (خداوند که مولای واقعی است) آن را رخصت نداده، پس انجام دادن آن، بیرون رفتن از مرز عبودیت است و خروج از وظیفه بندگی هم، از نظر عقل، زشت است پس تراشیدن ریش از نظر عقل، قبیح و ناپسند می‌باشد.

اما آن کسی که (از راه فلسفه وارد شده) گوید: مالکیت خدا از یک مقوله ای است ولی ملکیت عبد از مقوله دیگر، پس حکم را از یکی به دیگری سرایت نمی‌دهیم این قول بدرد گوینده اش می‌خورد، چه آنکه ما طبق مقتضای ظواهر شرع و شریعت؛ حکم می‌کنیم و اعتنائی به مخالف این طریقت نداریم.

## تراش ریش از نظر اسلام، ص: 96

### فصل چهارم دلیل اجماع

یکی از ادله تحریم تراشیدن ریش؛ دلیل «اجماع» است، چنانکه برای حرمت تراش ریش ادعای اجماع شده است.

زعیم و مقتدای شیعه سید محقق داماد (ره) و عالم بزرگوار، شیخ بهائی (ره) در کتب خودشان ادعای اجماع بر این مسأله کرده‌اند.

شیخ بهائی در کتاب خود «الاعتقادات» گوید:

تراشیدن ریش مانند سایر گناهان کبیره بسان قمار، سحر و رشوه

تراش ریش از نظر اسلام، ص: 97

است، احدی از علمای اعلام در حرمت ریش‌تراشی، خدشه و ایرادی نکرده است.

از ظاهر این گفتار استفاده میشود که: این مسأله اجماعی است، بلکه چه بسا نزد همه از ضروریات و مسلمات مذهب است.

محقق داماد در رساله خود «الشارع النجاة» گوید:

ان حلق اللحية حرام بالاجماع: تراشیدن ریش به اجماع علماء حرام است.

ابن سعید در کتاب جامع خود گوید: خلافتی در این مسأله نیست (توضیح بیشتر در این باره را در نقل فتاوی و گفتار بزرگان از علم و فقهات مانند شیخ کبیر کاشف الغطا و ... خاطر نشان خواهیم کرد).

مرحوم کاشف الغطا در کتاب «كشف الغطاء في احكام الحمام» گوید: حرمت تراشیدن ریش از مسلمات است و علما اجماع بر این حکم دارند.

تراش ریش از نظر اسلام، ص: 98

فصل پنجم سیره قطعیة متدینین

یکی از ادله‌ای که دلالت بر حرمت تراشیدن ریش دارد «سیره قطعیة متدینین» از زمان حضرت آدم (ع) تا حال است یعنی تمام افرادی که پایبند بدین و شرع، در هر سلك و طبقه‌ای که بوده‌اند از پیامبران و اولیاء و صلحا و ...

تراشیدن ریش را از منکرات می‌دانسته‌اند، همانگونه که اوراق تاریخ گواه است و در هیچ يك از تواریخ امتهای نمی‌یابیم که یکی از افراد یگانه‌پرست یا از اولیاء و خلفای راشدین و ائمه اطهار (ع) گرچه برای يك بار هم باشد،

ریش خود را تراشیده باشند.

اگر خوانندگان خوب دقت کنند و طبقات مردم را یکی پس از دیگری از رؤسای مذاهب و مراجع اسلام از اهل تسنن و شیعه بلکه از علمای یهود و نصاری و علمای ادیان دیگر توجه نمایند بروشنی می‌بینند که همه آنان در حفظ هیئت ریش داشتن اهتمام می‌ورزند؛ بلکه متدینین از غیر علماء نیز، ریش تراشان را بنظر غیر مذهبی می‌نگرند و آنان را فاسق می‌انگارند.

آیا تأسف بار نیست ما که از فرزندان همین پدران هستیم و آنان همواره به تعالیم ارزنده اسلام متمسک میشوند آنها و مرامشان را تخطئه کنیم و دنبال تعالیم شیطانی که بساط خود را در کشورهای اسلامی پهن کرده برویم آن چنان که زهر آن تعالیم مهلك، مغزهای مسلمین را آلوده نموده؛ نه تنها جوانان را بسوی خود کشانده بلکه پیران را نیز تغییر داده است دیگر اعتنائی به مبلغان حق و گفتار آنها نیست کجایند پدران صالح ما تا بنگرند به فرزندان خود که چگونه دنباله‌روی‌های کورکورانه آنان را در پرتگاه

سقوط قرار داده است آنچنان که باکی ندارند از کارهای نامشروعی که می‌کنند، و گویا در میان تاریکیها، سر در گم شده‌اند و راه را از چاه نمی‌شناسند، نمیدانند کجا می‌روند و چه راهی را می‌پیمایند؟! **إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ**.

منظور اینکه این روش از اسلام نیست باید مسلمین تدبیر کنند و بیندیشند که علت چیست:

این تعالیم حیاتبخش و مطابق با علم و عقل اسلامی را که حافظ کیان اجتماعی آنها است ترك کرده‌اند و در بیراهه‌ها رهنوردی می‌کنند، تا کی در خواب و چرت و غفلت بسر می‌برند و از تجربیات و وقایع عبرت‌انگیزی که در و دیوار را پر کرده استفاده معنوی نمی‌نمایند؟!

شما را سوگند بخدای بزرگ، اگر ما خواسته باشیم مردم را به دو قسم عادل و فاسق تقسیم کنیم و داوری را به

افراد با انصاف (اگر باشند) واگذار نمائیم، این گونه مردم (که ریش می‌تراشند) در کدام يك از این دو قسم قرار می‌گیرند؟! قضاوت با شما منصفها!

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 101

کوتاه سخن (در مورد استدلال به سیره قطعیه) آنکه اهتمام متشرعین در همه طبقات و در همه زمانها در حفظ داشتن ریش کاشف قطعی و حاکی از آنست که گذاردن ریش، محبوب و مطلوب دین است و تراشیدن آن؛ مبعوض و مورد نهی نزد خدا و رسول می‌باشد.

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 102

---

طیسی، نجفی، محمد رضا - مترجم: اشتهاوردی، محمد محمدی، تراش ریش از نظر اسلام، در يك جلد، قم - ایران، اول، ه ق

### تراش ریش از نظر اسلام؛ ص: 102

#### فصل ششم ادله دیگر بعنوان تأیید

مطالب سابق، ادله و براهین فقهی بود که برای حرمت تراشیدن ریش خاطر نشان ساختیم، دیگر نیازی نیست که در این باره بیش از آنچه یادآوری شد به ادله دیگر بپردازیم چه آنکه کسی که پایبند به دین است برای او یکی از دلیلهای قطعی و قانع‌کننده (برای آنهایی که لباس جهل و بربریت نپوشیدند و از محدوده گمراهی بیرونند و اندیشه و بصیرت-شان در میان هوسهای نفسانی قرار نگرفته) کافی است.

روی این اساس دیگر ما نیازی به نقل و بیان روایات

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 103

دیگری که در این زمینه هست نداریم، ولی بی‌فایده نیست که بعضی از این روایات را بعنوان تأیید در اینجا بیاوریم، باید توجه داشت که این روایات، اقسامی هستند، قسمی از آنها از طرق شیعه و سنی نقل شده،



قسمی از آنها فقط از طرق اهل تسنن نقل شده و قسمی از آنها تنها در طرق شیعه نقل شده است.

\*\*\* روایات نقل شده از طرق شیعه

روایاتی از طرق شیعه با عبارات گوناگون نقل شده در بعضی از آنها نهی شده که در این عمل (تراش ریش) شباهت به دشمنان خدا حاصل شود، از جمله آنها روایتی است که مرحوم صدوق (ره) در کتاب «من لا یحضره الفقیه» نقل کرده است، این کتاب یکی از کتابهای چهارگانه معتبر و دست اول شیعیان است که علمای شیعه در اخذ تعالیم اسلامی به آن مراجعه می‌کنند.

علامه بحر العلوم گوید: این کتاب، یکی از کتب

تراش ریش از نظر اسلام، ص: 104

اربعه است و شهرت آن بسان آفتاب است و احادیث آن در شمار احادیث صحیحه می‌باشد.

روایت این است: اسماعیل بن مسلم گوید امام صادق (ع) فرمود: خداوند به پیامبری از پیامبران خود وحی کرد که «قل للمؤمنین لا تلبسوا ملابس اعدائی و لا تأکلوا مآکل اعدائی فانکم اعدائی کما هم اعدائی»: به مؤمنان بگو که نپوشید لباس دشمنان مرا و نخورید خوراکهای دشمنان مرا (وگرنه) شما همانند آنها دشمنان من خواهید بود.

این روایت از نظر سند، هیچ‌گونه اشکالی ندارد، اسماعیل بن مسلم معروف به «سکونی» از راویان ثقه (مورد اطمینان) است و از افرادی است که اجماع بر توثیق و قبول روایتشان شده است، آنان که اطلاعی به علم رجال ندارند نسبت ضعف به سکونی می‌دهند؛ ولی سکونی گرچه از علماء نبود اما او را در شمار موثقین و افراد مورد اطمینان ذکر کرده‌اند.

شیخ بزرگوار طوسی در کتاب «عده» گوید: شیعه اجماع کرده است که میتوان به روایت عمار و امثال او

تراش ریش از نظر اسلام، ص: 105

که از آنها «سکونی» است عمل کرد، نیز گوید: شیعه دوازده امامی بالاتفاق به روایت سکونی و عمار و امثال این دو عمل می‌کنند.

اما راه استدلال به روایت همانگونه که در سندش اشکالی نیست در وضوح دلالتش بر مسأله حرمت تراش ریش نیز اشکالی نیست، نظر به اینکه این روایت از احادیث قدسیه است و از نظر سند و دلالت کامل می‌باشد؛ توضیح اینکه: خداوند به یکی از پیامبران خود وحی کرده که مردان با ایمان در لباس و در خوراک و مسیر، شبیه دشمنان خدا نشوند و مانند آنها دشمن خدا نگردند.

روی این اساس، هر شخص خداپرست و مؤمنی میدانند که این خطاب متوجه و شامل حال او می‌شود، پس بر او لازم است که از موارد تشبیه به دشمنان خدا دوری کرده و در عداد آنها قرار نگیرد، تشخیص تشبیه و عدم آن بر کسی پوشیده نیست.

بنا بر این از آنچه که از روش و شیوه دشمنان خدا است از خوراکیها و آشامیدنیها و پوشیدنیها باید اجتناب کرد

#### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 106

مانند پنیری که از شیر خوک و امثال آن گرفته می‌شود، شراب و امثال آن، و لباسهایی که با لباسهای مسلمین مغایرت دارد، باید دوری کرد.

و همینطور مسلمین باید بچه‌های خود را از تعالیم غیر مشروعی که کفار به بچه‌های خود می‌آموزند اجتناب دهند، نتیجه اینکه حدیث مذکور شامل تمام تشبیهات می‌شود، پر واضح است که از روشن‌ترین روش و شیوه آنها تراشیدن ریش است، پس مسلمین نباید شبیه آنها در همه موارد و در این مورد بشوند.

\*\*\* روایت دیگر حدیث مفضل بن عمر است که علامه مجلسی آن را در جلد دوم بحار از کتاب توحید المفضل نقل میکند که امام صادق (ع) پس از بیان حکمت ریش برای مرد و اینکه ریش مرد و زن را از همدیگر تمیز می‌دهد فرمود «اذا كان ذكرا اطلع الشعر في وجهه فكان ذلك علامة الذكر و عز الرجل، يميز به عن حد الصبا و شبه

النساء و ان كانت انثى يبقى وجهها خاليا من الشعر  
لتبقى لها البهجة و النظارة التي

#### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 107

تحرك الرجل لما فيه دوام نسله و بقائه»: در صورت  
مردها مو روئیده میشود و همین نشانه مرد بودن و عزت  
مرد است که بوسیله آن معلوم می‌شود که کودک و زن  
نیست، ولی در صورت زنها، مو روئیده نمی‌شود، تا  
زیبائی و طراوتی که محرك مردها (برای ازدواج) می‌شود  
باقی بماند در نتیجه نسل بشر ادامه و بقاء پیدا کند.

پس حکمت الهی اقتضا می‌کند که این هیئت و کیفیت  
مخصوص؛ علامت مردها باشد و انسان را از عهد طفولیت و  
شبهت به زنان خارج گرداند، ولی نروئیدن ریش در صورت  
زنان بخاطر مصالحی است:

از جمله: طراوت و جلوه زیبائی آنها باقی بماند در  
نتیجه مردها مایل به آنها شوند و طبعاً ازدواج را  
بپذیرند و نسل بشریت ادامه یابد روی این اساس، زینت  
مردها برایش داشتن و زینت زنها به ریش نداشتن است،  
همین موضوع عامل نیرومندی است که مردها را به زنها  
مایل می‌سازد سبحانه الذي جعل كل شيء في موضعه.

#### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 108

سپس امام صادق (ع) فرمود: اگر مو در صورت مردی  
روئیده نشود آیا در شکل کودکان و زنان نمی‌ماند؟!  
دیگر وقار و شکوهی در او دیده نمی‌شود.

مفضل عرض کرد: من عده‌ای از مردها را دیده‌ام تا سن  
پیری، از صورتشان مو روئیده نمی‌شود؛ فرمود **«ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ**  
**أَيْدِيَكُمْ وَ أَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ» \* «1»**: این وضع بخاطر اعمالی  
است که در پیش انجام داده‌اند، خداوند به بندگان خود  
ظلم نمی‌کند.

بررسی عمیق این پاسخ امام (ع) ما را از اصل مطلب دور  
می‌سازد. امام (ع) در این جواب به نکته‌ای دقیق اشاره  
کرده که ما به ذکر روایتی در این مورد اکتفا می‌کنیم:

محدث قمی در کتاب سفینة البحار (ماده - صلح) گوید:  
علی (ع) فرمود: «لا تجد فی اربعین کوسج رجلا صالحا و لا  
تجد فی اربعین اصلع رجل سوء»: در میان چهل نفر کوسه  
مرد صالح و شایسته ای پیدا نمی‌شود و در میان

---

(1) - آل عمران - 182 (... اَیْدِیْکُمْ)

تراش ریش از نظر اسلام، ص: 109

چهل نفر طاس مرد بدی یافت نمی‌گردد «1».

\*\*\*

---

(1) - شریح قاضی، کوسه بود، و آرزو می‌کرد که ریش داشته باشد گرچه به خرید  
آن با بیست هزار درهم باشد، در این موقع، عثمان بن حنیف انصاری از طرف علی  
(ع) فرماندار بصره بود، پیش از ورود امیر مؤمنان (ع) با منافقان جنگ کرد و  
در این جنگ منافقان حیلہ کرده او را گرفتند و اسیر نمودند شکنجه‌های بسیاری  
به او کردند از جمله: موی صورتش را کردند، و به چشمش آسیب رساندند و پایش  
را شکستند، پس از آنکه عثمان بن حنیف آزاد شد و بحضور علی (ع) رسید عرض  
کرد:

«بعثتني ذا لحيه و جئتک امردا»: مرا که دارای ریش بودم به بصره اعزام  
داشتی و اینک بصورت امرد (جوان بی‌ریش) نزد تو آمده‌ام.

خواننده گرام! دقت می‌کنید که عثمان بن حنیف از پای شکسته و آسیب چشمش سخن  
نگفت، بلکه آنچه را دشمن به ریش او انجام داد، اظهار کرد، و این مطلب شاهد  
آنست که ریش تا چه اندازه دارای اهمیت بوده است.

بنقل مسعودی در کتب اهل تسنن مذکور است که اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله  
و سلم یا علی (ع) آرزو می‌کردند که دارای ریش باشند گرچه با خریدن به بیست  
هزار درهم باشد.

تراش ریش از نظر اسلام، ص: 110

روایت دیگر: حدیثی است که در کتاب معانی الاخبار نقل  
شده که مرحوم صدوق از علی بن غراب نقل می‌کند که امام  
صادق علیه السلام فرمود: «حفوا الشوارب و اعفوا اللحي  
و لا تشبهوا بالمجوس»: شارب (سبیل‌های طویل) خود بچینند  
و ریش خود را بگذارید و شبیه مجوس نشوید.

علی بن غراب (راوی این روایت) از اصحاب امام صادق  
علیه السلام است که مرحوم نجاشی و علامه، او را توثیق  
کرده‌اند.

این روایت صریح است که شبیه مجوسیان نشوید، در ذیل روایت این عدم تشبیه علت آورده شده که:

«مجوسیان ریشهای خود را می‌تراشیدند و شاربهای خود را

تراش ریش از نظر اسلام، ص: 111

می‌گذارند، اما ما شارب را می‌زنیم و ریش را می‌گذاریم که مطابق فطرت است. «1»

روی این اساس، برای مسلمانان جایز نیست که همانند مجوس، ریشهای خود را بتراشند و شاربها را بگذارند.

زیرا، چیدن شارب و گذاردن ریش از فطرت می‌باشد این است روش مسلمانان!

مفسر و محدث کاشانی در شرح حدیث فوق گوید:

ماده «حف- احفاء» مبالغه را می‌رساند؛ احفاء شارب، مبالغه و تأکید در تراشیدن شارب است، اما لغت «اعفاء» به معنی ترك است، «اعفاء لحيه» بمعنی گذاردن لحيه (ریش) است یعنی آن را بطور کلی نتراشید بلکه از آن مقداری بگذارید.

سپس گوید: اینکه در روایت ذکر شده: شبیه یهود

---

(1) - مرحوم صدوق در کتاب «من لا یحضره الفقیه» جلد اول صفحه 76 نقل می‌کند که رسول خدا (ص) فرمود: ان المجوس جزوا لحاهم و وفروا شواربهم و اما نحن نجز الشوارب و نعفی اللحي و هی الفطرة.

تراش ریش از نظر اسلام، ص: 112

نشوید (چنانکه خاطر نشان می‌شود) یعنی جدا ریش خود را طولانی نکنید، چه آنکه یهودیان ریش خود را دراز می‌کردند-، پس ذکر اعفاء لحيه و سپس نهی از تشبیه به یهود (اعفوا اللحي و لا تتشبهوا بالیهود) دلیل آنست که مراد از «اعفاء» آنست که ریش را از بیخ نتراشید بلکه باندازه صدق ریش باقی بگذارید، بطوری که از يك قبضه «1» بیشتر نشود تا مستحق آتش جهنم شوید «2»

سپس می‌گویند: بعضی از افرادی که نسبت علم و حکمت به او می‌دهند، گویند: از این سخن پیامبر صلی الله علیه و آله (اعفوا للحی ...)

(1) - قبضه عبارتست از گرفتن ریش با دست بطوری که دست مشت شود و ریش به آن طرف مشت برسد ضمناً ناگفته نماند که بعضی از علماء مانند مرحوم علامه و محقق بزرگ حاج میرزا حسین نائینی، کوتاه کردن ریش را از یک قبضه حرام می‌دانند (تحفة الطالب سید جعفر آل بحر العلوم ص 41) - مترجم.

(2) - با این بیان این اشکال رفع می‌شود که اگر کسی بگوید منظور از «اعفاء لحيه» کوتاه نکردن ریش است که امر مستحبی است، کاری به تراشیدن و نتراشیدن ندارد. (مترجم)

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 113

فهمیده می‌شود که شما طالب زینت الهی باشید که خدا در قرآن می‌فرماید: **قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ**: بگو چه کسی زینت خدا را حرام کرده است «1»

مسلمان باید به ریش خود نگاه کند، اگر زینت در پر گذاشتن ریش و اخذ نکردن چیزی از آنست، ریش را همانطور بگذارد و اگر زینت در این است که اندکی از آن را بچیند تا معتدل بوده و با صورت؛ تناسب داشته باشد و به صورت زینت بدهد؛ بهمین حد از ریش خود بچیند، و از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده که آن حضرت از طول ریش خود می‌گرفت (اندکی می‌چید) نه از عرض آن.

شاید منظور این قائل به زینت این باشد که زینت کردن در مردم نسبت به ریش خود، مختلف است؛ لذا از جهت کم کردن ریش؛ حد و حدودی گفته نشده، گرچه از جهت زیاد کردن آن، حدی تعیین شده است (پایان کلام محدث کاشانی در کتاب وافی).

\*\*\*

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 114

روایات مؤید دیگری نیز از پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار (ع) نقل شده که متضمن نهی از شبیه شدن به یهود است.

از جمله روایتی است که سید مرتضی (اعلی الله مقامه) از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که فرمود: «حفوا الشوارب و اعفوا اللحی و لا تتشبهوا بالیهود»: شاربها را بزنید و ریشها را بگذارید و خود را شبیه یهود نسازید (در بعضی از روایات بجای یهود، مجوس ذکر شده)

مقصود از این روایت این است که: ریش خود را همانند یهود، طول و دراز نکنید (یهود ریش خود را طولانی میکردند)

ولی آنچه که به نظر قاصر حقیر در معنی روایت فوق رسیده است (گرچه این احتمال را کسی نداده است) اینست که جمله «لا تتشبهوا بالیهود» از اخبار غیبی است که از زبان رسول خدا (ص) صادر شده است؛ منظور نوع و اکثریت یهودیان عصر حاضر است که ریشهای خود را می‌تراشند جز عده‌ای از علمایشان که طول و دراز می‌کنند، پس معنی روایت چنین می‌شود: شبیه نوع یهودیان (عصر حاضر) که ریشهای خود را می‌تراشند، نباشید.

#### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 115

\*\*\* از جمله: حدیثی است که از کتاب خصال مرحوم صدوق (ره) از جابر نقل شده که امام باقر علیه السلام فرمود: «لا یجوز للمرأة ان تتشبه بالرجال لان رسول الله صلی الله علیه و آله قال لعن الله المتشبهین من الرجال بالنساء»: برای زن جایز نیست که شبیه مردها شود، زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود خداوند لعن کرده کسانی از مردان را که خود را شبیه زنان در می‌آورند.

جابر جعفی کیست؟

«جابر» راوی این روایت از اصحاب امام باقر علیه السلام بود، او دارای فضائل بسیار و قضایای مهمی است؛

و در مدح او، آنچه را که اهل تسنن در مذمت او گفته‌اند برای ما کافی است چنانکه:

مسلم در صحیح خود روایت کرده که محمد بن عمرو راضی گفت از حریر شنیدم که گفت با جابر بن یزید جعفری ملاقات کردم، چیزی از او ننوشتم، زیرا او ایمان به رجعت داشت.

نیز از یحیی بن معین نقل شده که گفت: حدیث جابر

#### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 116

جعفی نوشته نمی‌شود (مورد اعتماد نیست که نوشته شود) و برای او فضیلتی نیست.

نیز از «زائده» نقل شده که جابر بن یزید جعفری شخص دروغگوئی بود و ایمان به «رجعت» داشت.

نیز در کتاب جامع ترمذی از ابو حنیفه نقل شده که گفت: ندیدم شخصی را که دروغگوتر از جابر جعفری باشد.

نیز از سمعانی در انساب خود در شرح حال جابر نقل شده که جابر در مذهب سبئی از اصحاب عبدالله بن سبا «1»

---

(1) - از تهمت‌های ناجوانمردانه‌ای که مخالفان شیعه به شیعه نسبت می‌دهند و همین را دست آویز خود بر ضد شیعه قرار داده‌اند این سکه می‌گویند: بوجود آورنده شیعه؛ عبدالله ابن سبا یهودی بود با اینکه اولاً کتب شیعه مملو است از مذمت و براءت از عبدالله بن سبا، و ثانیاً وجود شخصی را بنام عبدالله بن سبا در تاریخ، از خیالات و افسانه‌ها میدانند در این باره به کتاب «عبدالله بن سبا» تألیف علامه سید مرتضی عسکری مراجعه شود.

#### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 117

بود و اعتقاد داشت که علی (ع) بار دیگر به این دنیا رجعت می‌کند، این بود نمونه آنچه که از اهل تسنن در مذهب جابر نقل شده که همین مطلب ما را به وثاقت جابر رهنمون می‌سازد.

اما جابر به نظر علمای ما از افراد برجسته و موثق بتمام معنی است، علامه مجلسی گوید: آنچه از تتبع اخبار بدست آورده‌ام، این است که جابر جعفری از اصحاب سر امام صادق (ع) بود، و بعضی از معجزات ائمه اطهار



را که عقول ضعیف‌های در دین درک و هضم آنها را ندارند نقل می‌کرد.

در کتاب بصائر الدرجات (شیخ و بزرگ قمین عبد الله ابن جعفر حمیری) از جابر نقل شده که امام باقر (ع) ملکوت آسمانها و زمین را به جابر نشان داد به این ترتیب که: پس از دیدار ملکوت آسمانها و زمین به عالم ظلمات رفتند و با جابر در آن عالم، آب حیات نوشیدند، سپس از آن عالم به عالم دیگر رهسپار شدند، یکی پس از دیگری تا دوازده عالم را دیدند، در حالی که امام (ع)

#### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 118

می‌فرمود: هر زمان امامی از ما رحلت کند در یکی از این عوالم ساکن شود تا آخرین امام که قائم است در عالمی که ما در آن ساکن هستیم می‌باشد.

جابر و امام باقر (ع) پس از طی این عوالم، به مجلس اول خود در دنیا برگشتند، امام (ع) از جابر پرسید چقدر از روز گذشته است؟ جابر عرض کرد: سه ساعت.

مرحوم کشی (بنقل از خاتمة المستدرک در شرح حال یونس بن عبد الرحمن) گوید: از فضل بن شاذان نقل شده که می‌گفت: «یونس بن عبد الرحمن 54 بار حج و 54 بار عمره بجا آورد و هزار جلد کتاب در رد مخالفان تألیف کرد» و نیز می‌گفت: علم امامت به چهار نفر منتهی شد که اولی آنها سلمان فارسی، دومی جابر، سومی سید حمیری و چهارمی یونس بن عبد الرحمن می‌باشد، (منظور از جابر، جابر جعفی است نه جابر انصاری).

اگر ما بخواهیم درباره جابر، بررسی دقیقی کنیم به کتاب مستقلى نیاز داریم چه آنکه او در شأن و مقام بس

#### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 119

ارجمند و عظیمی می‌باشد، همانگونه که بر مراجعه - کنندگان به اخبار، پوشیده نیست.

استدلال به روایت جابر

اما دلالت روایت جابر بر مسئله حرمت تراشیدن ریش از این راه است که امام باقر (ع) دو مطلب را به جابر فرمود:

1- برای زنان جایز نیست که لباس مخصوص مردان را بپوشند و خود را شبیه مردها سازند (در حرمت این گونه تشبیه تردید و سخنی نیست).

2- بر مردها حرام است که شبیه زنها شوند به اینکه (مثلاً) ریش خود را بتراشند چه آنکه تشبیه شدن شامل ریش‌تراشی هم می‌شود، رسول خدا (ص) مردانی را که شبیه زنان می‌شوند، لعنت کرده است «1» فعلی که لعن الهی به آن تعلق گرفته دلیل آنست که آن فعل حرام است و از گناهان

---

(1) - ولی در روایت خصال است «و لعن الله المتشبهات من النساء بالرجال»: خداوند زنانی که خود را شبیه مردها می‌کنند لعنت کرده است.

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 120

زشت و کبیره می‌باشد.

\*\*\* از جمله از روایات، روایتی است که مورخ شهیر علامه دحلانی در کتاب «السيرة النبوية و الآثار المحمدية» و علامه مجلسی در جلد 6 بحار در باب «مراسلات النبی المختار الی ملوک الروم و الفارس» نقل کرده اند «1» که:

خسرو پرویز پادشاه ایران برای «باذان» (پادشاه یمن) نامه نوشت که دو نفر از مردان دلیر خود را بمدینه بفرست تا پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را به خدمت ما بیاورند، باذان دو نفر بنامهای «بانویه» و «خرخسک» «2» را بمدینه حضور پیامبر (ص) فرستاد.

این دو نفر وارد مدینه شده و بحضور رسول خدا (ص) شرفیاب شدند، بانویه بعرض حضرت رساند که: پادشاه ایران زمین «کسری» برای «باذان» (پادشاه یمن) نامه نوشته و در آن نامه فرمان داده که کسی را بسوی تو بفرستد تا ترا

---

(1) - این روایت در تاریخ طبری جلد سوم نیز مذکور است.

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 121

به خدمتش ببرند .

باذان مرا فرستاده تا با من بسوی مدائن بحضور پادشاه ایران برویم ، اگر این پیشنهاد را می‌پذیری ، من نامه ای برای سلطان ایران می‌نویسم و در آن نامه سفارش ترا کرده که به تو آزار نرساند و اگر نمی‌پذیری خود میدانی که او (کسری) تو و قوم تو را کشته و بلاد شما را ویران می‌سازد .

این دو نفر که بحضور رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم رسیده بودند ریشهای خود را تراشیده بودند و شارب داشتند ، رسول خدا از دیدن هیئت آنها کراهت داشت «1» فرمود: وای بر شما چه کسی به شما امر کرده که ریشها را بتراشید و شارب بگذارید؟!

گفتند: پروردگار ما (کسری)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «لکن ربی امرنی باعفاء لحیتی و قص شاربی»: ولی پروردگار من مرا امر کرده که ریش خود را بگذارم ، و شاربم را کوتاه کنم  
...

---

(1) - احتمال دارد که بجای «فکره النظر الیهما» جمله «فکره النظر الیهما» باشد یعنی مکرر به آنها نگاه کرد (مؤلف)

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 122

شاهد و دلیل ما از این روایت بر مسأله حرمت تراشیدن ریش این است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آن دو نفر را با واژه «ویل» مخاطب قرار داد ، و دیدن آنها را کراهت داشت و فرمود:

خدای من مرا چنین امر کرده ، این گونه حالات و تعبیرات همه دلیل واضحی هستند که تراشیدن ریش و گذاردن شارب در شرع مقدس اسلام از محرمات است چه آنکه فعلی که به آن «ویل» که نام وادی جهنم است تعلق گیرد ، حاکی از ناامیدی فاعل آن از بهشت است و همین مطلب دلیل متقنی بر حرمت ریشتراشی است و حکایت از آن می‌کند که

تراشیدن ریش از گناهان کبیره می‌باشد و معلوم است آنچه را که پیامبر صلی‌الله‌علیه و آله نهی کرد و امر بخلاف آن نمود، ناگزیر آن، از منکرات است، و امر، ظاهر در وجوب می‌باشد از ظاهر بدون قرینه عدول نخواهیم کرد.

روایات نقل شده از طرق اهل تسنن

روایاتی که از طرق برادران اهل تسنن از رسول اکرم صلی‌الله‌علیه و آله و سلم در مورد حرمت ریش‌تراشی و گذاشتن شارب

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 123

وارد شده، متعدد است، غرض از ذکر آن روایات در اینجا از این رو است که روشن شود که مسئله حرمت تراشیدن ریش و گذاشتن شارب بین اهل تسنن و شیعه از مسلمات است، و احدی در این مسأله تردیدی نکرده است، اینک نظر خوانندگان را بچند حدیث از صحیح مسلم و صحیح بخاری با سندی که خودم از طرق اهل تسنن دارم سوق می‌دهم:

مؤلف این سطور، طرق بسیاری به صحاح ششگانه اهل تسنن دارم، در اینجا به یکی از آن طرق اکتفا می‌کنم (طریق سند به صحیح بخاری)

عن سيدنا العلامة الحجة السيد عبد الحسين الموسوي آل شرف الدين، عن العلامة الشيخ محمد عبد الحي بن شيخ عبد الكريم الكتاني الفارسي الادريسي، عن المعمر عبد الهادي ابن العربي المقرأوى الشهير بالعواد، عن الحافظ محمد بن علي السلفي عن ابن طالب المايزوني عن محمد بن عبد الله المقرب، عن قطب الدين المكي، عن أبي الفتوح الطاوسي المعمر بابا يوسف الهروي عن محمد بن شاذبخت الفارسي عن يحيى بن شاهان الخثلاني، عن الفربري عن البخاري.

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 124

طریق دیگر از ناحیه علامه مذکور سید عبد الحسین به صحیح بخاری:

عن العلامة السيد عبد الحسين عن الشيخ محمد عبد الحی،  
عن المعمر احمد، عن الملا صالح السويدي البغدادي  
الشافعي، عن السيد محمد مرتضى الزيدى الحسيني؛ عن  
المعمر بن الغلاني، عن الشيخ بن العجلي اليميني، عن  
القطب النهرواني، عن احمد بن ابي الفتوح الطاوسي، عن  
المعمر بابا يوسف الهروي (که 300 سال عمر کرد) عن  
شاذبخت الفارسي الفرغاني؛ عن يحيى بن شاهان الختلائي؛  
عن محمد بن منهال عن يزيد بن زريع، عن محمد بن زيد،  
عن نافع بن عمر.

رسول خدا (ص) فرمود: و فروا اللحی و احفوا الشوارب  
ریشها را بطور وفور و پر بگذارید، شاربها را بزنیید.

فرزند عمر وقتی که حج بجا می‌آورد یا عمره را انجام  
می‌داد ریش خود را می‌گرفت، آنچه که از قبضه اش زیادتر  
می‌آمد، می‌زد.

نیز رسول خدا (ص) فرمود: انهکوا الشوارب و اعفوا

#### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 125

اللحی: بگیریید (بچینید) شاربها را و بگذارید ریشها  
را امر در دو روایت مذکور، ظاهر در وجوب است.

نیز در کتاب صحیح بخاری در صفحه 159 از محمد بن  
بشار، از غندر، از قتاده، از عکرمه، از ابن عباس نقل  
شده که رسول خدا (ص) لعنت کرد: مردهائی را که خود را  
شبهه زنها و زنهای را که خود را شبهه مردها می‌کنند  
«1»

نیز در کتاب نامبرده در صفحه 194 از جریر، از منصور،  
از ابراهیم؛ از علقمه، از عبد الله نقل شده که پیامبر  
(ص) لعنت کرد زنانی را که با وسائل سرمه و سوزن  
خالکوبی می‌کنند و موهای بدن (صورت) را می‌کنند و آنان  
که با تراشیدن دندان، بین دندانها فاصله می‌اندازند:

آنان که خلقت خدا را تغییر می‌دهند «2»

عبد الله گوید: چرا آنان را که رسول خدا (ص) لعن کرده  
لعن نکنم با اینکه در قرآن مذکور است «وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ

(1) - لعن رسول الله المتشبهين من الرجال بالنساء و المتشبهات المغيرات من النساء بالرجال.

(2) - لعن الواشحات و المتنمصات و المتفلجات للحسن، المغيرات خلق الله تعالى.

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 126

**فَخَذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَأَنْتَهُوا:** آنچه را که رسول خدا برای شما

آورد، آن را بگیرید و آنچه را که نهی کرد، انجام ندهید «1» در صفحه 166 کتاب نامبرده نیز این روایت بطریق دیگر نقل شده است.

نیز در کتاب مذکور از عون بن ابی جحفه نقل شده که گفت: پدرم گفت: پیامبر (ص) از پول سك و از خوردن ربا و خورنده ربا و عمل زنی که خالکوبی میکند و زنی را که خالکوبی در بدن او انجام میشود نهی کرد. «2»

اینها مطالبی بود که در کتاب صحیح بخاری مذکور است.

اما در کتاب صحیح مسلم، طریق اخذ سند ما از این کتاب بدین قرار است: عن سيدنا العلامة عبد الحسين الموسوي عن شيخه في الاجازة من طرقهم، عن العلامة الشيخ بدر الدين الدمشقي، عن الشيخ علي السقاط عن الشيخ علي الأجهوري،

(1) - سورة حشر آیه 6.

(2) - ان النبي (ص) نهى عن ثمن الكلب و اكل الربا و مؤكله و الواشمة و المستوشمة.

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 127

عن الشيخ نور الدين علي القرافي عن الحافظ جلال الدين السيوطي، عن البلقيني، عن التنوخي، عن سليمان بن حمزه، عن ابی الحسن علی بن نصر، عن عبد الرحمن بن منده عن الحافظ محمد بن عبد الله، عن مکی النيسابوري عن الامام مسلم در صحیح خود صفحه 226 عن اسحاق بن ابراهيم و عثمان بن ابی شيبه اخبرنا جرير عن منصور بن ابراهيم عن علقمه:

عبد الله گوید: رسول خدا (ص) فرمود: خداوند لعنت کرد: زنه‌ای خالکوب و زنهائی که این خالکوبی در بدن آنها واقع می‌شود و زنانی را که مو می‌چینند و زنانی که دندانها را تراشیده و بین آنها فاصله می‌اندازند: که خلقت خدا را تغییر می‌دهند «1».

عبد الله گوید: چرا آنان را که رسول خدا (ص) لعن کرده لعن نکنم با اینکه این مطلب در قرآن است.

---

(1) - لعن الله الواشمات و المستوشمات و المتنصمات و المتلفجات للحسن، المغيرات خلق الله.

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 128

زنی (بنام ام یعقوب) به عبد الله گفت: من قرآن را خوانده ام اما این مطلب را در قرآن ندیده ام.

عبد الله گفت: اگر قرآن را می‌خواندی این مطلب را در قرآن می‌دیدى که خداوند می‌فرماید: **«وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمُ عَنْهُ فَانْتَهُوا»**: آنچه را که رسول خدا (ص) برای شما آورد آن را بگیرید و از آنچه شما را بازداشت؛ بازایستید «1» آن زن گفت: ای عبد الله! من در قیافه همسر خودت از این گونه اعمال را دیده ام عبد الله گفت: همین الان برو زنم را به بین، آن زن نزد همسر عبد الله آمد و او را دید ولی هیچ‌گونه اثری از آن اعمال (نهی شده) ندید؛ بحضور عبد الله مراجعت کرد و گفت از بدن همسرت چیزی از اینگونه اعمال ندیدم، عبد الله گفت: اگر همسر این کاره بود، با او جمع نمی‌شدم.

\*\*\* کوتاه سخن آنکه: از این احادیث استفاده می‌شود

---

(1) - حشر آیه 6.

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 129

که: بجا آورنده وشم و تنمص که عبارت از کندن موی صورت است و امثال آن بزبان پیامبر (ص) مشمول لعنت خدا است، و پول گرفتن در مقابل این اعمال، مانند پول گرفتن در مقابل خرید و فروش سك و خوك است و چون خوردن

پول ربا می‌باشد، شبهه و تردیدی نیست که پول گرفتن در مقابل خوک و ربا و سک (در غیر موارد استثنائی) حرام است از طرفی طبیعی است که اینگونه اعمال از اموری است که تغییر خلقت، محسوب می‌شوند.

از اینرو «ام یعقوب» از شنیدن حدیث فوق، از عبد الله، تعجب کرد که در آن به زنانی که اعمال مذکور را انجام می‌دادند لعنت شده بود.

منظور از بیان این مطالب این است که: اینها مؤید مطلبی است (احراز صغری) که سابقاً خاطر نشان شد.

بعبارت روشنتر:

تراشیدن ریش، از مصادیق، تغییر خلقت است، مانند وشم (خالکوبی) و نتف (مو کردن) و امثال آنها که احادیث

تراش ریش از نظر اسلام، ص: 130

مذکور دلالت بر حرمت آنها داشت.

بنا بر این راهی برای انکار این مطلب نیست، چه آنکه امثال امور مذکور مانند قطع کردن زبان و گوش و بینی و در آوردن چشم و کشیدن تخم و ... تغییر خلقت هستند، تراشیدن ریش هم تغییر خلقت است.

از طرفی ما بروشنی آنانی را که ریش خود را می‌تراشند می‌بینیم که از هیئت و صورت خاص خود، تغییر می‌یابند، نتیجه اینکه: حرمت ریش‌تراشی نزد علمای اهل تسنن نیز از امور مسلم است.

امام غزالی تراشیدن ریش را در شمار منکرات و گناهان کبیره ذکر کرده و حکم به کراهت کردن مو نموده است و گفته: دلیل آن این است که اینها تغییر خلقت هستند.

یکی از بزرگان علمای اهل تسنن علامه نووی «1» حرمت تراشیدن ریش را از امور مسلم دانسته است.

---

(1) - بر وزن غروی



## (فصل هفتم) فتوای علما و بزرگان شیعه

در اینجا نظر خوانندگان را به فتاوی و نظرات علما و مراجع و بزرگان مذهبی شیعه امامیه و گفتار صریح ایشان درباره حرمت تراشیدن ریش جلب می‌کنیم:

شیخ بهائی عالم متبحر معروف و سید داماد ادعای اجماع بر حرمت تراشیدن ریش کرده‌اند، چنانکه خاطر نشان شد.

ابن سعید در باب احکام حمام نیز این فتوا را داده است.

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 132

شیخ بزرگوار السعید الشهید و فخر الدین فتوا داده‌اند که برای خنثی حرام است که ریش خود را بتراشد، زیرا احتمال دارد که مرد باشد، و حرمت تراشیدن ریش از امور مسلم است (محدث نوری در حاشیه کتابش «الکلمة الطیبه» گفتار این دو بزرگوار را نقل کرده است).

علامه مجلسی اول در شرح الفقیه که کتاب فارسی است می‌گوید: حرمت تراشیدن ریش، ظاهر فتوای اکثر علماء است و شهید نیز قائل بر حرمت است.

علامه مجلسی دوم در کتاب مرآت العقول و حلیة المتقین و بحار الانوار (ج 16) گوید حرمت تراشیدن ریش بین علماء شهرت دارد، سپس گوید حرمت تراشیدن ریش قطعی است.

محقق عالیقدر مرحوم کاشف الغطاء در باب آداب حمام گوید: تراشیدن ریش حرام است، و انبوه و پر گذاشتن ریش مستحب است، و مخالفی در این مسأله دیده نشده است.

شیخ محمد حسین کاشف الغطاء در جواب مسائلی گوید:

الظاهر تحقق الاجماع علی الحرمة (ظاهراً فتوای بر

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 133

حرمت تراشیدن ریش اجماعی است)

ملا محسن فیض در کتاب وافی بعد از نقل اخباری گوید: در «کتاب الحجة» گذشت حدیث علی (ع) که قومی ریشهای خود را تراشیدند و شاربهای خود را تاب دادند و مسخ شدند.

سپس گوید: جماعتی از فقهای ما به حرمت تراشیدن ریش فتوا داده‌اند، و چه بسا این فتوا به فرموده خداوند در قرآن حکایت از قول ابلیس استشهاد شده است که شیطان گوید: **وَ لَأْمُرَنَّهُمْ فَلْيُغَيِّرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ:** حتما انسانها را امر می‌کنم که خلقت خدا را تغییر دهند. «1»

و در کتاب صافی گوید: مؤید مطلب (تغییر خلقت) فرموده خداوند در مورد دیگر قرآن که بعد از بیان فطرت فرماید: **ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ** (دین استوار این است) «2» هر چیزی که از جهت صورت یا صفت؛ بدون اذن خدا تغییر خلقت باشد مانند در آوردن چشم گوسفند نری که مدتی نزد

---

(1) - سوره نساء آیه 118.

(2) - سوره روم آیه 29.

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 134

صاحبش بوده و اخته کردن برده‌ها و هر مثله‌ای داخل در تغیر «دین» در آیه است زیرا همه این تغییرات بر خلاف فطرت و خلقت است؛ پس بر خلاف دین است.

محدث بحرانی در حدائق آخر کتاب طهارت، بعد از نقل اخبار گوید: از این اخبار فوائدی استفاده می‌شود تا اینکه گوید: فایده دوم، ظاهراً همانطوری که جماعتی از اصحاب استظهار کرده‌اند، تراشیدن ریش حرام است، بدلیل روایتی که از علی (ع) در مورد مسخ جند بنی مروان نقل شده است. «1» زیرا مسخ واقع نمی‌شود مگر از انجام عملی که شدیداً حرام است.

اما استدلال به آیه 118 سوره نساء **«وَ لَأْمُرَنَّهُمْ فَلْيُغَيِّرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ»**

برای حرمت تراشیدن ریش، مشکل است زیرا روایاتی از ائمه اطهار (ع) وارد شده که مراد، تغیر دین خدا است، بنا بر این استدلال به این آیه ناتمام است، گرچه

ظاهر لفظ «خَلَقَ اللهُ» مناسب با تغییر خلقت ظاهری است نه دینی (پایان کلام محدث بحرانی) مؤلف

(1) - یعنی حدیث حبابه والبیه که در صفحه ... خاطر نشان گردید

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 135

گوید: همانگونه که قبلا خاطر نشان شد، اشکالی به استدلال به آیه نیست، و در آیه صدر و ذیلی هست قرینه اند بر اینکه منظور از آیه، تغییر تکوینی است، نه تغییر تشریحی ...

محدث حر عاملی صاحب وسائل الشیعة نیز، قائل به تحریم تراشیدن ریش است و در وسائل «باب عدم جواز حلق اللحیه» به روایاتی استدلال کرده است.

محدث نوری در کتاب مستدرک الوسائل، تحت عنوان مستقلی، روایاتی (غیر روایات وسائل) را نقل می‌کند که دلیل بر حرمت تراشیدن ریش می‌باشند مانند:

صحیحه کتاب جعفریات، روایت کتاب دعائم الاسلام ابی حنیفه قاضی نعمان مصری از جامع الصغیر؛ از ابن عساکر از امام حسن (ع) که فرمود پدرم علی (ع) نقل کرد که پیامبر فرمود: ده خصلت است که قوم لوط، آنها را انجام دادند و بخاطر آن هلاک شدند ...

تا اینکه گوید: «وقص اللحیه و طول الشارب» از جمله از آن ده خصلت، تراشیدن ریش و بلند کردن شارب می‌باشد.

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 136

و روایت عوالی اللئالی از جابر از رسول خدا (ص) که فرمود: «لیس منا من سلق و لا خرق و لا حلق»: از ما نیست کسی که با زبان کسی را بیازارد و یا اموال خود را اسراف کند و یا ریش خود را بتراشد. صاحب کفایه در حاشیه این کتاب گوید: مراد از حلق، حلق لحیه (تراشیدن ریش) است.

\*\*\* عالم بزرگوار مرحوم سید حسن صدر؛ در رساله مختصر خود؛ عده‌ای دیگر از فتوای علماء را نقل کرده است.

مانند: علامه طباطبائی، صاحب حدائق سید جزائری، سید عبد‌الله شبر، صاحب جواهر و صاحب بدایع (اعلی‌الله مقامهم).

اما علامه شیخ مرتضی انصاری در اواخر «مجمع المسائل فی المسائل المتفرقه» گوید: تراشیدن ریش حرام است، و همینطور مقرض (چیدن با قیچی) در غیر مواردی که رخصت داده شده است.

همه علمائی که در عصر معظم له بوده‌اند، همین

#### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 137

مطلب را تصدیق کرده‌اند، فقیه دین، شیخ زین العابدین در کتاب ذخیره، فتوای به حرمت تراشیدن ریش داده است، مرحوم حاج محمد حسن کبه نیز رساله مختصری در این مورد نوشته و در آنجا گوید:

شکی نیست که تراشیدن ریش، حرام و از گناهان کبیره است.

\*\*\* مرحوم حجة الاسلام صدر اصفهانی و مرحوم عالم بزرگوار سید محمد کاظم و مرحوم حائری مازندرانی نیز در جواب مسائل هندیه، به حرمت تراشیدن ریش رأی داده‌اند:

مرحوم صدر گوید: این مسأله (ریش‌تراشی) را بطور مفصل تحریم کردم و از مقداری از مطالب که صرف- نظر کردم؛ عذر می‌خواهم، کسی که قائل بعدم حرمت تراشیدن ریش است از دو حال بیرون نیست، یا از راسخان در علم نیست یا قصدش اظهار فضل (آقائی‌فروشی) است و الله العالم (حرره الراجی ابن صدر الدین العاملی).

#### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 138

اما مرحوم سید محمد کاظم (ره) در موارد متعددی تصریح به حرمت تراشیدن ریش کرده، ما در اینجا یکی از آن موارد را از کتابش «الغایة القصوی» نقل می‌کنیم:

می‌گوید:

**بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ\***؛ روایات متعددی دلالت بر حرمت تراشیدن ریش دارد از جمله بعلاوه روایاتی که در کتاب وسائل باب آداب الحمام نقل شده، روایتی است که در کتاب عوالی اللئالی از پیامبر (ص) نقل است که فرمود:

«لیس منا من سلق و لا خرق و لا حلق» بنا بر تفسیری که صاحب کتاب، در حاشیه نموده به این معنی که پیامبر فرموده است:

از ما نیست کسی که با زبانش کسی را بیازارد و اموال خود را در راههای نامشروع صرف کرده و اسراف نماید، و ریش خود را بتراشد.

و روایت دیگر: در کتاب جعفریات مذکور است که تراشیدن ریش «مثله» است کسی که «مثله» کند لعنت خدا بر او باد، و روایت دیگری که سیوطی در کتاب «الجامع الصغیر» از امام حسن مجتبی (ع) نقل کرده که:

تراش ریش از نظر اسلام، ص: 139

انجام ده خصلت سبب هلاکت قوم لوط شد که از آنها: چیدن ریش است، تا آنکه گوید: ممکن است برای حرمت تراشیدن ریش، به ادله حرمت شبیه شدن مردها به زنها استدلال کرد، همینطور به ادله حرمت هم شکل شدن با دشمنان دین و راه آنها را پیمودن تمسک نمود... بهر حال، تراشیدن ریش حرام است و علمای امامیه به این فتوا تصریح کرده اند.

از علمای بزرگی که تصریح به تراشیدن ریش نموده اند میرزای بزرگ شیرازی، و میرزا محمد تقی، و مرحوم حائری است.

شیخ حائری مازندرانی در جواب مسائلی گوید: دلیلی که کاشف از حرمت تراشیدن ریش است در قرآن این آیه است **«فَلْيَغْيِرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ»** «1» به این بیان که ابلیس در مقام گمراه کردن بنی آدم، گوید: البته آنها را به تغییر خلقت امر می‌کنم، از چیزهایی که تغییر خلقت است تراشیدن ریش می‌باشد.

نیز از علمائی که صریحا به حرمت تراشیدن ریش فتوا داده‌اند، مرحوم حجة الاسلام آقا محمد حسین طبسی

(1) سورة نساء آیه 118

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 140

که از علمای طراز اول سامراء بود و مرحوم علامه بزرگوار، شیخ محمد کاظم شیرازی می‌باشند.

مؤسس حوزه علمیه قم استاد بزرگوار، علامه آیه الله العظمی شیخ عبد الکریم حائری یزدی (اعلی الله مقامه) نیز بر این فتوا تصریح نموده است.

علمای دیگری هم با کمال صراحت، فتوای به حرمت تراشیدن ریش نموده‌اند که بخاطر رعایت اختصار از ذکر همه آنها خودداری شد مانند:

سید محمد باقر رشتی اصفهانی، صاحب وسائل در بدایة الهدایه، صاحب وافی (فیض) در مفاتیح و منهاج النجاج، مولی قربان علی زنجانی، محقق ایروانی، شیخ محمد حسن مامقانی، مولی محمد شربیانی، محدث نوری در حاشیه «الکلمة الطیبه»؛ علامه مجاهد محمد جواد بلاغی در رساله مستقل خود، علامه میرزا ابو القاسم ارد- باری (در کتاب طهارت تصریح کرده که حرمت تراشیدن ریش در نزد علمای شیعه از ضروریات مذهب است).

علامه شیخ محمد باقر یزدی سیرجانی؛ علامه سید نجم

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 141

الحسن الهنداوی و ...

طبسی، نجفی، محمد رضا - مترجم: اشتهااردی، محمد محمدی، تراش ریش از نظر اسلام، در یک جلد، قم - ایران، اول، ه ق

### تراش ریش از نظر اسلام؛ ص: 141

فتوای زعیم عالیقدر مرحوم سید ابو الحسن اصفهانی

مرجع تقلید شیعیان ملاذ الشیعه و فخر الشریعه؛ مرحوم آیت‌الله العظمی سید ابو الحسن اصفهانی (دام ظلّه) در جواب مسائلی، تصریح به حرمت تراشیدن ریش کرده است ما در اینجا بعضی از آنها را خاطر نشان میکنیم:

1- در جواب مسائل بغدادیه، اصل سؤال اینست: مرجع تقلید ما! آیا تراشیدن ریش با تیغ جایز است یا نه؟!

جواب- تراشیدن ریش با تیغ و غیر آن جایز نیست (و الله العالم)

2- در جواب مسائل شاهرودیه، اصل سؤال اینست:

رأی شما در تراشیدن ریش چیست، آیا جایز است یا نه؟

جواب: آری تراشیدن ریش حرام است (و الله العالم)

3- در جواب مسائل اصفهانیه، اصل سؤال اینست گرفتن ریش با انواع ماشین مو تراشی، حرام است یا خیر؟

و بر فرض حرمت؛ نیز بر آن کسی که اول بلوغ و تکلیفش

#### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 142

هست حرام است یا خیر؟ فتوای شما در مورد اشخاصی که ملاحظه هم صنف‌های خود می‌کنند که اگر ریش خود را نتراشند، مورد مسخره و استهزاء قرار می‌گیرند، چیست؟

جواب: تراشیدن ریش و همین‌طور گرفتن آن با وسیله‌ای که عرفاً ریش‌تراشی حساب شود، حرام است و فرقی بین اشخاص از نظر ابتدای بلوغ و تکلیف و مورد استهزاء و غیره نیست، حکم خدا بسبب مسخره مردم تغییر نمی‌یابد (و الله العالم)

4- در جواب مسائل طهرانیه، اصل سؤال اینست:

تراشیدن ریش حرام است یا نه؟ و به فرض حرمت، کفاره دارد یا خیر؟

جواب: آری تراشیدن ریش حرام است، ولی دیگر کفاره ندارد؛ اما اگر کسی ریش کسی را زایل کند و از بین

ببرد؟ بر او واجب است که ارش «1» به پردازد. معنی ارش و

---

(1) - ارش عبارت از این سکه: ما شخص حر و آزاد را بمنزله بنده فرض میکنیم، و طبق معمول بازار، قیمت می‌کنیم مثلاً قیمتش اگر دارای ریش می‌بود 20 دینار بود و اگر/

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 143

کیفیت آن را در کتاب منیه (کتاب حاضر) بخوانید که در آنجا بیان شده است.

---

ریش ندارد، 15 دینار ارزش دارد؛ ارش یعنی همان 5 دینار که تفاوت قیمت صاحب ریش و بی‌ریش می‌باشد در این صورت باید؛ کسی که چنین کرده به این مقدار به آن کسی که ریش او را زایل نموده بدهد، با توجه به اینکه، پس از زوال ریش دوباره روئیده شود وگرنه دیه کامله دارد چنانکه خاطر نشان می‌شود (المنیه ص 102)

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 144

فتوای مراجع تقلید پس از مرحوم آیت‌الله العظمی سید ابو الحسن اصفهانی (ره)

1- زعیم عالیقدر و مرجع بزرگ شیعه مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی (اعلی‌الله مقامه) در کتاب انیس المقلدین فتوای مرحوم سید ابو الحسن را در مورد حرمت تراشیدن ریش امضاء کرده است.

و در کتاب توضیح المسائل صفحه 457 مسأله شماره 2834 می‌فرماید: تراشیدن ریش و ماشین کردن آن، اگر مثل تراشیدن باشد، حرام است و در این حکم، تمام مردم یکسانند و حکم خدا بواسطه مسخره مردم تغییر نمی‌کند؛ پس کسی هم که اول تکلیف او است. یا اگر ریش نتراشد مردم

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 145

او را مسخره می‌کنند، چنانچه ریش بتراشد، یا طوری ماشین کند که مثل تراشیدن باشد، حرام می‌باشد.

2- عالم بزرگوار، فقیه محقق مرحوم آیت‌الله العظمی اصطهباناتی در جواب مسائلی که بعضی از اهالی



فیروزآباد از ایشان سؤال نموده بود و از جمله خواسته بود که بطور تفصیل، راجع به اینکه تراشیدن ریش حرام است یا نه، پاسخ بدهند، معظم له در جواب نوشت:

**بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ\***، ریش تراشی حرام است، تفصیل و توضیح آن را در کتاب «المنیه» (کتاب حاضر) که از تألیفات سودمند حجة الاسلام و المسلمین شیخ محمد رضا طبسی (دام ظلّه) هست مطالعه کنید، زیرا این کتاب، بهترین کتابی است که مسأله ریش تراشی را از نظر حکم تکلیفی و وضعی، تجزیه و تحلیل کرده است (4 رجب 1372)

نیز از ایشان سؤال شده بود: مردی شغل سلمانی‌گری دارد و دائماً ریش می‌تراشد، آیا برای او جایز است که در مقابل این عمل، پول بگیرد یا نه؟ و آیا جایز است که آن پول را صرف در زیارت قبور ائمه اطهار (ع) و ... نماید یا نه؟

تراش ریش از نظر اسلام، ص: 146

در جواب چنین فرمود: **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ\***:

برای سلمانی، به این عنوان پول گرفتن جایز نیست و نیز جایز نیست که آن را صرف در زیارت و غیر آن کند.

سؤال دیگری کرده بودند که آیا تراشیدن ریش جایز است یا خیر؟.

در جواب نوشته بود: تراشیدن ریش حرامست، خداوند وقتی که چیزی را حرام کرد، پول آن را نیز حرام می‌کند، واجب است اجتناب از عملی که از طرف شرع منع شده است (وَاللَّهُ الْعَالِمُ)

3- شیخ اجل، محقق وارسته محمد حسین کاشف الغطا در پاسخ مسائلی گوید:

ظاهر این است که اجماع بین علماء است به حرمت تراشیدن ریش، استاد بزرگ محقق نائینی نیز همین فتوا را داده است.

4- فقیه زاهد مرحوم آیت‌الله میرزا مهدی شیرازی (طاب ثراه) گوید:

تراشیدن ریش حرامست و این حکم حرمت،

تراش ریش از نظر اسلام، ص: 147

اختصاص به خصوص تراشیدن ندارد، بلکه مطلق نابود کردن ریش گرچه با ماشین و قیچی و غیره باشد حرام است.

5- فقیه محقق، آیت‌الله زمان مرحوم سید حسین حمّامی (ره) در ضمن جواب مسائلی گوید: تراشیدن ریش حرام است، بدلیل سیره قطعی مستمر از زمان امام تا حال و بدلیل اجماع، و از عده‌ای از اخبار هم چنین استفاده میشود.

6- هادی الامه زعیم الامامیه مرحوم سید عبد الهادی شیرازی (تغمده الله بغفرانه) در موارد متعددی فتوای به حرمت تراشیدن ریش داده است.

در ضمن جواب مسائلی که در کربلا از ایشان سؤال شده بود گوید: تراشیدن ریش حرام است و مزدی که تراشنده از این بابت می‌گیرد حرام است و او مالک آن مزد نمی‌شود؛ و در توضیح المسائل خود صفحه 144 مسأله شماره 2815 از ایشان سؤال شده.

اولا نظر شما درباره تراشیدن ریش چیست و مقدار واجب آن چه اندازه است؟.

و آیا تراشنده ریش کار حرامی را مرتکب شده یا او که ریشش تراشیده میشود مرتکب حرام شده است؟

تراش ریش از نظر اسلام، ص: 148

جواب- بسمه تعالی: تراشیدن ریش بر تراشنده و بر او که ریشش تراشیده میشود حرام است، و واجب است گذاردن ریش بمقداری که عرفا صدق کند که بگویند فلانی ریش دارد.

ثانیا- نظر شما در مردی که کوسه است و دو طرف صورتش چند موی اندک وجود دارد، و آیا تراشیدن این چند مو جایز است.

جواب- بسمه تعالی: اگر آن موها از موهای ریش باشد، تراشیدن آنها جایز نیست (و الله العالم)

ثالثا- مردی ریش کامل دارد، می‌خواهد: از دو طرف ریش خود غیر از گونه‌ها مقداری بتراشد آیا جایز است؟.

جواب: جایز نیست (وَاللّٰهُ الْعَالِم)

رابعا- مردی ریش کامل دارد و می‌خواهد دارای ریش بلند باشد، بمقدار بلندتر از انگشتان خود؛ آیا جایز است؟!.

جواب: بسمه تعالی، جایز نیست، بلی مانعی ندارد

تراش ریش از نظر اسلام، ص: 149

که آن را اصلاح کند و مقداری از آن را در صورتی که طولانی باشد بگیرد (وَاللّٰهُ الْعَالِم) عبد الهادی الحسینی الشیرازی

فتوای ائمه چهار مذهب اهل تسنن

ائمه چهارگانه اهل تسنن نیز فتوای به حرمت تراشیدن ریش داده اند:

ابو حنیفه رئیس مذهب حنفی‌ها فتوای بحرمت داده است چنانکه در کتاب «الدر المختار» و بسیاری از کتب حنفی‌ها این مطلب مشاهده می‌شود.

مالك رئیس مذهب مالکی‌ها نیز در صورتی که ریش‌تراشی موجب «مثله» شود فتوای بحرمت داده است همانطوری که در شرح رساله ابی الحسن و حاشیه عدوی مذکور است.

شافعی رئیس مذهب شافعی‌ها نیز در کتاب شرح العباب فتوای به حرمت تراشیدن ریش داده است.

احمد حنبل رئیس مذهب حنبلی‌ها نیز گاهی تصریح کرده که تراشیدن ریش حرام است و گاهی اظهار نموده که خلافي در این مسأله نیست، چنانکه در کتاب «الانصاف» و غیر آن خاطر نشان شده است.

و این مطلب از کتابهای: شرح المنتهی، شرح

تراش ریش از نظر اسلام، ص: 150

منظومة الآداب و حاشیه ابن القاسم بر شرح العباب و

...

استفاده می‌شود.

فتوای ائمه چهارگانه بطریق مذکور را یکی از علمای دانشگاه الازهر مصر «شیخ علی محفوظ المدرس» در کتاب «الابداع فی مضار الابتداع» طبع دوم در صفحه 254 نقل کرده و سپس گوید:

از مطالبی که خاطر نشان گردید: دانسته شد که حرمت تراشیدن ریش از برنامه‌های دینی و شرع است، عمل بر خلاف آن، یا از روی سفاهت و گمراهی و فسق و نادانی است، یا غفلت از راه هدایت سرور ما محمد صلی الله علیه و آله می‌باشد مردم مصر بر اثر مخالطه و همنشینی با اجانب و تقلید کردن از محصول زندگی آنها به وضع فعلی در آمده‌اند بطوری که محاسن و نیکیهای دین خود (ریش) را ترك کرده و از سنت پیامبر خود دور شده‌اند.

مؤلف گوید: از این عبارت که از یکی از علمای اهل تسنن هست استفاده می‌شود که حرمت تراشیدن ریش مورد

#### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 151

اتفاق همه فرق امت اسلامی است و همگی در این مسأله هم رأی و هم فتوا هستند.

\*\*\* تا اینجا آنچه که از نظر حکم تکلیفی تراشیدن ریش لازم بود، خاطر نشان شد، و بروشنی معلوم شد که تراشیدن ریش بدلیل قرآن، روایات، اجماع، عقل و سیره قطعی قوی و عملی در همه عصرها، حرام است، و امور دیگری مانند نهی از شبیه شدن مردها به زنها؛ و نهی از شباهت به دشمنان و ... قول به حرمت را تأیید می‌کردند، بعلاوه فتاوی و نظرات علمای اعلام و مراجع عظام از قدیم و جدید از اهل تسنن و شیعه موافق با نظریه حرمت بود وقتی که همه این امور را در نظر بیاوریم لازم است پناه ببریم بخدا از دست عده‌ای از مردم که آنچنان؛ صید شیطان شده‌اند و جرئت بر اعمالی پیدا کرده‌اند که نتیجه‌اش غضب و عذاب الهی است.

این مسأله (حرمت تراشیدن ریش) از مسائل مهم در نزد همه علمای است و هیچ‌کسی در آن مخالفت نکرده

#### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 152

است، اینکه در بعضی از عبارات دیده می‌شود که گفته شده ریش‌تراشی حرام است بنا بر مشهور؛ منظور از کلمه مشهور این نیست که مخالفی در این مسأله هست بلکه منظور این است که به نظرات غیر مشهور رجوعی نشده است (و)

**الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا).**

تراش ریش از نظر اسلام، ص: 153

فصل هشتم دیه از بین بردن ریش

در اینجا بمناسبت، به حکم وضعی تراشیدن ریش می‌پردازیم و بعبارت دیگر آیا تراشیدن و از بین بردن ریش دیه و كفاره ای دارد یا نه؟!

اولا- بفرض تحقق دیه، فرقی ندارد بین اینکه خود شخص باعث از بین بردن ریش خود شود یا باعث؛ شخص دیگری باشد (1) و نیز فرقی نمیکند که از بین رفتن ریش

تراش ریش از نظر اسلام، ص: 154

بوسیله چیدن یا نوره یا تیغ یا ماشین و ... باشد بلکه منظور از بین بردن ریش است بطوری که عرفاً بگویند فلانی بی‌ریش شده است.

بلکه بعید نیست تحقق دیه بر آن کسی که با روغن مخصوصی، صورت کسی را مسح می‌کند در نتیجه ریش او دیگر نمی‌روید. کوتاه سخن اینکه اگر طوری شود که عرفاً بگویند فلانی بی‌ریش شده است، چنانچه دیگر نروئید، باید دیه کامله «1» بپردازد و اگر روئید در این صورت چند قول است، منشأ این اقوال مختلف، اختلاف اخبار است و تعارض آنها است که خاطر نشان می‌شود.

\*\*\*

(1) - دیه کامله عبارت از یکی از این شش چیز است:

1- صد شتر که داخل سال ششم شده باشند 2- دویست گاو 3- هزار گوسفند 4- دویست حله که هر حله دو پارچه ای است که در یمن می‌بافند 5- هزار مثقال شرعی طلا (هر مثقال 18 نخود) 6- ده هزار درهم نقره (هر درهمی 6 / 12 نخود است).

تراش ریش از نظر اسلام، ص: 155

شیخ مفید (اعلیٰ الله مقامه) گوید: اگر کاری کردند که دیگر موی ریش روئیده نشد دیه اش صد دینار است، موی سر را هم اگر کسی کاری کرد دیگر روئید؛ همین حکم را دارد.

شیخ بزرگوار سلار گوید: اگر موی ریش روئید تمام دیه واجب است.

ابو الصلاح و ابن براج گویند: از بین بردن موی سر و ریش در صورتی که دیگر روئیده نشوند، دیه کامله دارد و اگر روئیده شوند یکدهم دیه کامله را دارد (یعنی مثلاً از صد شتر، ده شتر و ...).

محقق در کتاب شرایع گوید: از بین بردن موی سر و ریش بطوری که دیگر نروید موجب دیه است، اگر روئید بعضی گفتند یکسوم دیه کامله را دارد ولی روایتی که چنین گوید ضعیف است، اما در این مورد دادن ارش «1» در موی سر و ریش به واقع، شبهه و مناسبتر است.

---

(1) - ارش یعنی تفاوت قیمت صاحب ریش و بی ریش در فرض دو عبد (چنانکه شرح آن در پاورقی صفحه 142 خاطر نشان شد)

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 156

شهید ثانی در کتاب مسالك گوید: روایات این باب از نظر سند و دلالت، اشکال دارند، سپس قول به تحقق «ارش» را اختیار کرده است.

مؤلف گوید: قول قوی، مختار شهید ثانی است، زیرا حکم به دیه بر خلاف قاعده واصل است، پس قدر متیقن همان «ارش» میباشد، چنانکه محقق بزرگ میرزای قمی در کتاب جامع الشتات همین قول را اختیار نموده است آنجا که از ایشان سؤال می شود:

«اگر شخصی ریش کسی را از بین ببرد، مقدار دیه آن چیست؟»

در جواب گوید: اگر طوری باشد که دیگر موی ریش روئیده نشود، بر او است که دیه کامله بپردازد و اگر روئیده شود، در این صورت علماء چند قول دارند مشهورترین و ظاهر ترین اقوال، قول به تحقق ارش است.

\*\*\* روایاتی که در مورد از بین بردن ریش و نروئیدن آن، وارد شده متعدد است از جمله:

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 157

مرحوم صدوق در کتاب «من لا یحضره الفقیه» گوید:

امام صادق (ع) فرمود: هرگاه کسی موی سر را از بین برد و دیگر نروئید دیه (کامله) دارد. و نیز از علی علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: موی ریش را اگر نابود کنند و دیگر نروید دیه (کامله) دارد و اگر روئید؛ یکسوم دیه کامله را دارد.

شیخ طوسی (ره) در کتاب مبسوط از مسمع نقل می‌کند که امام صادق علیه السلام فرمود: علی علیه السلام در مورد ریش که تراشیده شود و دیگر نروید، قضاوت کرد که دیه کامله دارد، و هرگاه روئیده شود، یکسوم دیه را دارد  
«1»

روایتی از یحیی بن سعید از ... از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: مردی به حمام می‌رود، صاحب حمام آب داغی به او می‌پاشد، موی سر او می‌ریزد و دیگر نمی‌روید باید دیه کامله بپردازد «2».

---

(1) - قضی علی (ع) فی اللحیة اذا حلقت فلم تنبت: الدیة كاملة فاذا نبتت: ثلث الدیة (وسائل الشیعة ج 19 ص 260)

(2) - الرجل یدخل الحمام فیصب علیه صاحب الحمام ماء حارا فیمعط شعر رأسه قلم ینبت قال (ع) علیه الدیة (مبسوط)

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 158

روایت دیگری از سلیمان بن خالد مثل این روایت نقل شده است با این فرق که در روایت سلیمان این جمله ذکر شده «فامتعت شعر رأسه و لحیته فلا تنبت ابدا قال: علیه الدیة»:

موی سر و ریشش ریخت و دیگر روئیده نشد، حضرت فرمود: بر او است دیه.

اینها روایاتی بود که ما به آنها دست یافتیم، قول حق همان قول شهید ثانی صاحب مسالك است که در صورت

روئیدن مو، باید ارش داده شود، زیرا اخص روایات؛  
روایت آخری (روایت سلیمان بن خالد) است که مفاد آن  
روایت این بود.

هرگاه ازاله مو شد و دیگر ابدا نروئید باید دیه  
کامله به پردازد (یعنی دیه در صورتی است که دیگر  
نروید، نه در همه جا) روی این اساس در صورت روئیدن،  
آنچه را که بیشتر موافق با قواعد است میگیریم و آن  
هم «ارش» است، مخصوصا با توجه به اینکه بعضی از این  
روایات از نظر سند و از نظر دلالت کوتاه میباشند، در  
این صورت در اینجا به قدر متقین اکتفا می‌کنیم که  
عبارت از «ارش» باشد (معنا و چگونگی

تراش ریش از نظر اسلام، ص: 159

ارش را قبلا در صفحه 142 بیان کردیم)

کوتاه سخن آنکه: کسی که ریش خود را تراشیده یا باعث  
ازاله آن بهر نحوی شده باید ذمه خود را از دیه و ارش  
بری سازد.

اجرت تراشیدن ریش

پولی که تراشنده ریش بهمین عنوان می‌گیرد حرام است، و  
در ملك صاحبش باقی است و واجب است بمالكش برساند،  
دلیل حرمت این اجرت قبلا بیان شد که ان الله اذا حرم  
شیئا حرم ثمنه: خداوند وقتی چیزی را حرام کرد، اجرت  
آن را هم حرام کرده است.

دلیل وجوب رد پول به صاحبش آنست که: این پول از راه  
غیر شرعی بدستش رسیده و مقتضای عموم قاعده علی الید  
ما اخذت حتی تؤدی (بر دست است که آنچه گرفته به جایش  
برساند) آنست که فوراً و بی‌درنگ پول را به صاحبش رد  
کند و اگر صاحبش مرده، به ورثه او بدهد و اگر او را  
یا ورثه او را نمی‌شناسد این پول جزء «مجهول المالك»  
می‌شود

تراش ریش از نظر اسلام، ص: 160

که باید رجوع به حاکم شرع کرده و به دستور و اجازه  
او عمل نماید (و الله العالم)



ضمناً این چند مسأله را که از فروع مسائل سابق است باید دانست.

- 1- نشستن در دکان کسی که با پول ریش‌تراشی آن را اجاره کرده حرام است.
- 2- تراشیدن سر با وسیله‌ای که با چنین پولی خریده شده حرام است.
- 3- اگر دوری از تراشنده ریش، اثری این چنین داشته باشد که موجب ترك کردن او این عمل حرام را شود این دوری واجب است.
- 4- حرمت تراشیدن ریش اختصاصی به سلمانی و آرایشگر ندارد، بلکه اگر خودش یا غیر سلمانی و آرایشگر هم تراشید حرام است.
- 5- منظور از دیه کامله (در صورت نروئیدن مو) همان دیه‌ای است که برای قتل نفس تعیین کرده‌اند یعنی یکی از شش چیز: 1- صد شتر 2- دویست گاو 3- دویست

#### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 161

- حله یمنی 4- هزار مثقال طلا 5- ده هزار درهم 6- هزار گوسفند.
- و در صورت روئیدن، ریش، ارش (تفاوت بین قیمت بی‌ریش و با ریش در بنده‌ها) است.
- 6- هرگاه شخصی قسمتی از ریش خود را بتراشد، بهمان نسبت، گناه کرده است، در این صورت اگر قسمتی از ریش خود را ازاله کرد، دیه و ارش با نسبت‌سنجی معلوم می‌شود.

#### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 162

#### (فصل نهم) احکام شارب و ریش از جهات مختلف

در اینجا بمناسبت وضع کتاب، نظر خوانندگان را بچند مطلب؛ راجع به سنن و مستحبات و بعضی از احکام شارب و ریش جلب می‌کنیم:

- 1- کوتاه کردن سبیل

از سنت‌های شرعی، گرفتن شارب «1» است، در

(1) - کوتاه کردن سبیل (به جلد 14 و 15 بحار الانوار (حلق الشارب من السنه)  
مراجعه شود)

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 163

این باره و فوائد آن روایات متعددی نقل شده، از جمله:

در کتاب خصال از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود:

گرفتن شارب بین دو جمعه ایمنی از بیماری جذام (خوره) می‌شود.

در کتاب کافی از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود:

«ان من السنة ان يأخذ الشارب حتى يبلغ الاطار»: گرفتن شارب تا حد گوشتی که آن را احاطه کرده (یعنی تراشیدن موی سبیل بطور کلی) از سنت است.

معمر روایت کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که در هر روز جمعه‌ای، ناخنها و شارب خود را بگیرد و هنگام گرفتن بگوید: **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ\*** و علی سنة محمد و آل محمد (ص) خداوند بعد از ذراتی که از ناخن و شارب به زمین ریخته شده پاداش کسی که یکی از بنده‌های فرزندان حضرت اسماعیل را آزاد کند می‌دهد؛ او جز بیماری مرگ بیماری دیگری نمی‌بیند.

در کتاب رساله علامه شربانی منقول است که از جمله

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 164

از وصیت‌های پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به علی علیه السلام این است: ای علی! کسی که شارب خود را بگیرد برای هر موئی که گرفته پاداش صدقه دادن ده من طلا است که هر من هفتاد رطل و هر رطل آن هفتاد مد «1» و هر مد آن به اندازه کوه احد است.

روایت دیگری نقل شده: کسی که شارب خود را بگیرد فرشته نکیر و منکر بدون غضب بر او وارد می‌شوند.

از فوائد گرفتن شارب اینکه امام علیه السلام فرمود: کسی که شارب و ناخن خود را در روز شنبه و پنجشنبه بگیرد، از بیماری دندان و چشم عافیت می‌یابد.

پر واضح است که گذاشتن شارب و بلند کردن سبیل مضرات بهداشتی بسیاری دارد از اینرو کوتاه کردن یا تراشیدن آن پرفایده است، چنانکه دانشمندان و رجال علمی که در هر دین و مرامی هستند، به این مطلب اعتراف دارند در آخر این فصل فوائد دیگری را نیز برای گرفتن شارب خاطر نشان خواهیم ساخت.

---

(1) - بر وزن کت.

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 165

#### 2- مذمت گذاردن شارب

روایاتی که دلالت بر مذمت و سرزنش افرادی که شارب خود را نمی‌گیرند و کوتاه نمی‌کنند وارد شده بسیار است:

مرحوم صدوق در کتاب «من لا یحضره الفقیه» از رسول خدا (ص) نقل می‌کند که فرمود: «لا یطولن احدکم شاربه فان الشیطان یتخذہ مخبئا یتستر به»: حتما هیچک از شما شارب خود را دراز نکند، زیرا شیطان خود را در میان سبیل پنهان می‌سازد «1».

نیز فرمود: از ما نیست کسی که شارب خود را کوتاه نکند- حتما شارب و موی زیر ناف و زیر بغل را دراز نکنید زیرا شیطان در زیر این موها خود را پنهان می‌سازد «2».

راستی چقدر مایه تأسف است؛ با اینکه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

---

(1) - شاید منظور از شیطان در اینجا، میکرب باشد (مترجم)

(2) - من لم یأخذ شاربه فلیس منا- لا یطولن احدکم شاربه و لا عانته و لا شعرا بطیه فان الشیطان یتخذها مخبئا یتستر به.

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 166

گذاشتن شارب را اینطور مذمت می‌کند، در این زمان عده‌ای (مسلمان!) دیده می‌شوند که موی سبیلشان لب بالا را پوشانده، بلکه در بعضی لب پائین را نیز گرفته است، با هیئت عجیبی خود را ظاهر می‌کنند، که انسان می‌خواهد از آنها فرار کند آیا شایسته است که به چنین افرادی گفت که معتقد به اسلام هستند؟!

چه اسلامی؟! که از اینهمه اخبار و گفتار پیامبر (ص) اجتناب کنند!! من نمی‌دانم که اینگونه افراد چه دلیلی برای طولانی کردن سبیل دارند؟ و از این کار چه نتیجه و فائده‌ای گرفته‌اند؟! این روش پیامبر و ائمه اطهار و خلفای راشدین است آیا کدامیک از اینها چنین شیوه‌ای را دستور داده‌اند، بلکه اینها از شارب‌گذاری بیزاری می‌جستند.

در حقیقت شارب‌گذاران برای این عمل سخیف خود هیچ‌گونه مزیت و سودی نمی‌بینند اگر در مقابل آینه قرار گیرند و خوب توجه داشته باشند، نه تنها شارب به زیبایی صورتشان نیافزوده بلکه صورت آنها را زشت و بی‌ریخت جلوه داده است؛ از درگاه خداوند متعال مسئلت می‌شود که

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 167

مسلمین از این عمل بی‌اساس، محفوظ بمانند.

علامه شربیان‌ی در رساله خود؛ ضمن شمارش اموری که موجب عذاب قبر می‌شوند گوید: حدیث نبوی است که پیامبر (ص) فرمود: عمده چیزهایی که باعث عذاب قبر می‌شود نه چیز است: 1- فساد کردن 2- فتنه‌انگیزی 3- تندی با مردم 4- بد خلقی بخصوص با اهل خانه 5- مأنوس شدن با زینتهای دنیا 6- غیبت 7- دروغ 8- تهمت 9- نگرفتن شارب.

رسول خدا (ص) به علی فرمود: کسی که شارب خود را نگیرد، از ما نیست و به شفاعت ما نمی‌رسد، گذارنده شارب همواره مشمول لعنت خدا و فرشتگان است، دعای او مستجاب نمی‌شود، روحش هنگام مرگ به شدت قبض می‌شود، عذاب او در قبر دشوار است مارها و عقربها به هر موی او مسلط می‌شوند و تا روز قیامت در عذاب است وقتی که

از قبر بیرون می‌آید در وسط پیشانی‌ش نوشته شده هذا من اهل النار: این شخص از اهل آتش است «1»

(1) - يا على من لم يأخذ شاربہ فليس منا و لم ينل شفاعتنا؛ /

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 168

در حدیث نبوی دیگر است: گذارنده شارب، از آب کوثر نمی‌آشامد؛ و دو فرشته نکیر و منکر، با غضب و خشونت بر او وارد می‌شوند. «1»

التارك لشاربه لم يزل في لعنة الله و الملائكة و لا يستجاب له دعاء، و اذا قبض روحه قبض بشدة، و عذابه في القبر صعب، و يسلط عليه الحيات و العقارب بكل شعرة كان معذبا الي يوم القيامة و اذا خرج من قبره كان مكتوبا بين عينيه: «هذا من اهل النار».

(1) - ناگفته نماند که عمل به ظاهر این روایات حرمت شارب را می‌رساند، ولی حرمت شارب بخاطر ضعف سند این روایات، محل تأمل و اشکال است، پیروان و شیعیان علی (ع) از گذاردن شارب احتراز می‌کنند، سنت اکیده است که شاربها را کوتاه نمایند تا به لب نرسد و اگر بتراشند. خیلی بهتر است، در روایت است که «حلق الشارب من السنة» تراشیدن شارب از سنت است (بحار- ج 15)

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 169

#### 3- مقدار ریش

مستحب است که ریش بحد متوسط باشد (نه زیاد طولانی و نه زیاد کوتاه) و زیادتیر از يك قبضه «1» مکروه است، روایات در مذمت زیادتیر از يك قبضه بسیار است از جمله:

در کتاب کافی از امام صادق (ع) نقل شده فرمود:

«ما زاد من اللحية عن القبضة ففي النار» (زیادتیر از يك قبضه از ریش در آتش است) بهمین مضمون روایت دیگر است که مرحوم صدوق در کتاب «من لا يحضره الفقيه» نقل کرده است و ضمنا در این کتاب «مقدار ریش» چنین بیان شده:

ریش را قبض کن و زیادتیر از قبض را بچین.

مراد از قبضه؛ قبضه دست خود شخص نسبت به ریشش است همانگونه که از ظاهر روایت فوق چنین استفاده می‌شود.

بعضی از روایات دلالت دارند که گذاردن ریش، زیادتر

---

(1) - قبضه عبارتست از گرفتن ریش بطوری که مشت را پر کند، آنچه که از موی ریش در آن طرف مشت بیرون آید زیادتر از قبضه است (چنانکه خاطر نشان شد)

تراش ریش از نظر اسلام، ص: 170

از يك قبضه، علامت حماقت است.

در کتاب کافی و بحار الانوار جلد 16 از امام صادق (ع) نقل شده که فرمود: عقل مرد در سه چیز آزموده می‌شود:

در طولانی بودن ریش و در نقش انگشتر و در کنیه اش.

خلاصه اینکه از ظاهر اخبار استفاده می‌شود: میزان در گرفتن ریش این استکه: مجموع موئی که روی چانه و دو طرف صورت است به اندازه قبضه باشد و بقیه چیده شود.

بعضی از اعلام و اساتید «1» فتوا داده‌اند که کوتاه کردن ریش به کمتر از قبضه حرام است، ولی این فتوا دلیل (قانع کننده‌ای) ندارد، آنچه از بعضی از اطلاقات ادله استفاده می‌شود حمل بر کراهت شده، و زیادتر از قبضه هم اجماعاً واجب نیست، اظهر و اقوی این استکه: گذاردن ریش بحد يك قبضه مستحب است.

4- شانه کردن ریش و تدویر آن

از سنن و مستحبات، گرفتن موهای گونه‌ها، و شانه

---

(1) - مانند علامه بزرگ و محقق میرزا حسین نائینی (بنقل از تحفة الطالب سید جعفر آل بحر العلوم ص 41)

تراش ریش از نظر اسلام، ص: 171

کردن ریش به عدد مخصوص، و تدویر (دایره مانند) قرار دادن ریش است و ایستاده شانه کردن مکروه می‌باشد.

ابن مسلم گوید: امام باقر علیه السلام را دیدم از ریش خود می‌گرفت و آن را تدویر می‌کرد.

اما استحباب شانه کردن به دلیل اطلاقات بسیار و روایات متعددی است که در تفسیر این آیه «**يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ**» (ای فرزندان آدم، برگزید زینت خود را نزد هر پرستشگاهی) «1» وارد شده است.

زینت در این آیه به شانه کردن هنگام نماز واجب یا مستحب، نماز شب یا روز تفسیر شده است.

اخبار مستفیضه (بسیار) نیز دلالت بر استحباب شانه کردن دارد، کسی که ید طولائی در علم منقول دارد، نمیتواند به آن اخبار، ایراد و خدشه ای کند.

ابن طاووس در کتاب «امان الاخطار» پس از بیان استحباب شانه کردن گوید: در ابتدا چهل بار از پائین بالا شانه کند و هنگام شانه کردن يك بار سوره «انا انزلناه» را بخواند

---

(1) - اعراف آیه 30.

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 172

و سپس از بالا به پائین شانه کند و سوره عادیات را در این هنگام تلاوت کند و سپس بگوید: «اللهم سرح عنی الهموم و الغموم و وحشة الصدور» خداوندا! پریشانیها و عمها و وحشت سینهها (افکار مشوش) را از من رد کن.

در کتاب مکارم الاخلاق نیز شانه کردن به همین عدد مخصوص، خاطر نشان شده است.

و در کتاب وسائل الشیعة باب 65 در ضمن بیان استحباب شانه کردن ریش روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود «من سرح لحیته سبعین مرة و عدها مرة مرة لا یقر به الشیطان اربعین یوما»: کسی که ریش خود را هفتاد بار شانه کند و آن را عدد عدد بشمارد (مواظب عدد باشد) تا چهل روز شیطان به او نزدیک نمی شود «1»

---

(1) - ناگفته نماند که کلمه «سرح» بمعنی رها کردن است، شانه کردن موجب رهایی و دوری کثافات و گرد و غباری است که در میان ریش قرار می گیرند، در نتیجه شانه کردن يك دستور مفید بهداشتی برای جلوگیری از میکربها است و /

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 173

مؤلف گوید: شاید برای این عدد خاص (70 بار) با این کیفیت؛ خصوصیتی باشد همانگونه که امام علیه السلام فرموده چه آنکه امام به حقایق و حکمتها و خواص اشیاء از مصالح و مفاسد، اطلاع دارد.

\*\*\* ایستاده شانه کردن مکروه است، در کتاب وسائل الشیعة از سعد بن علاقه از پدرش نقل شده که حضرت علی علیه السلام در ضمن حدیثی فرمود: ایستاده شانه کردن موجب فقر و تهیدستی می‌شود.

در کتاب مکارم الاخلاق از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده که فرمود: کسی که ایستاده شانه کند زیر بار قرض می‌افتد و موجب ضعف قلب می‌گردد، نشسته شانه کن که قلب را تقویت می‌کند.

---

بعید نیست که منظور از شیطان در روایت فوق، میکرب باشد - و الله العالم .

(مترجم)

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 174

این حدیث صراحت دارد که ایستاده شانه کردن مکروه است و نشسته شانه کردن مستحب می‌باشد بخاطر آنکه ایستاده شانه کردن موجب ضعف قلب، نشسته شانه کردن موجب قوت قلب می‌شود.

در کتاب جامع الاخبار از محمد بن محمد شعیری نقل شده که پیامبر (ص) از چند چیز که موجب فقر می‌شوند نهی کرده مانند: ادرار کردن در آب، خوردن در حال سیری، خلال کردن با چوب درخت گز و خوابیدن بین نماز مغرب و عشاء و قبل از طلوع آفتاب؛ و رد سائل مرد در شب و شنیدن غنا (آواز) و دروغگوئی و عدم تقدیر و اندازه‌گیری در معاش و ایستاده شانه کردن و قسم دروغ و قطع رحم.

در اینجا بسیار شایسته است که روایت دیگری را که نمودار منهیات رسول خدا است و جامعتر است خاطر نشان کنیم در کتاب نامبرده در فصل 88 نقل است که پیامبر



صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ از بیست خصلت که موجب فقر می‌شوند؛ نهی کرد:

1- برهنه از رختخواب بلند شدن برای ادرار کردن 2-  
خوردن هنگام جنابت 3- نشستن دستها هنگام غذا

#### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 175

خوردن 4- نخوردن نان خورده (که اهانت به برکت خدا می‌شود).

5- سوزاندن سیر و پیاز 6- نشستن روی سکوی خانه 7-  
جارو کردن خانه با دست و پارچه 8- شستن اعضاء بدن در محل استنجاء (محل شستن مخرج غائط) 9- محل اعضاء شسته شده را با حوله و آستین پاک کردن 10- ظرفهای آب را بی‌سرپوش گذاشتن.

11- گذاشتن خانه‌های عنكبوت در اطاقها 12- سبک شمردن نماز 13- عجله کردن در خروج از مسجد 14- صبح زود به بازار رفتن 15- بعد از عشاء از بازار مراجعت کردن.

16- خریدن نان از فقراء 17- لعن کردن فرزندان 18-  
دروغ 19- دوختن لباسی که در بدن است 20- خاموش کردن چراغ با دمیدن.

ناگفته پیداست که هر يك از این دستورها، بخاطر حکمتها و فوایدی است که بر صاحبان اندیشه و فکر پوشیده نمی‌باشند و برای هر کدام از این سنن روایات دیگری نیز از

#### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 176

پیشوایان اسلام وارد شده است.

(نهی پیامبر (ص) در اینگونه موارد دلیل حرمت نیست و تسامح در ادله سنن ما را از غور و بررسی در این مسأله معاف میدارد).

با اینکه پیامبر (ص) از این امور نهی کرده، بر کسی مخفی نیست که اکثر این امور را عوام بلکه خواص مرتکب می‌شوند، امید آنکه با ترك این امور، از پیامبر خود پیروی کنیم.

## 5- فوائد شانه کردن ریش

روشن‌بینان و آنان که با تحقیق و بررسی خواص اشیاء و حقایق عالم، سر و کار دارند می‌دانند که شانه کردن ریش دارای منافع و فوائد بیشماری است، در اینجا به بعضی اشاره می‌کنیم.

1- شانه کردن؛ موجب جلب رزق و روزی، و نیکو نمودن مو، و زیاد شدن نیروی جنسی و تقویت دندانها و رفع تب و هضم غذا می‌شود، چنانکه روایاتی بر این مطلب دلالت دارند.

تراش ریش از نظر اسلام، ص: 177

در کتاب بحار و وسائل الشیعة نقل شده که امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه «**خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ**» (زینت خود را نزد هر پرستشگاهی برگزید) «1»

فرمود: منظور از زینت در آیه، شانه کردن است، زیرا شانه کردن، موجب بدست آوردن رزق، و نیکو شدن مو و روا شدن حاجت و تقویت نیروی جنسی و هضم غذا می‌شود.

از مرحوم صدوق روایت شده که امام صادق (ع) فرمود شانه کردن رافع تب است.

کوتاه سخن آنکه روایاتی که درباره فوائد و خواص شانه کردن وارد شده بسیارند، آنان که به گفتار آل محمد (ص) جاهلند و متأسفانه بسیارند، ما را غافلگیر کرده و گویند:

شانه کردن چه اثری دارد که سرچشمه اینهمه فوائد شود، عجیب است اینها با اینکه میدانند این گفتار از ائمه هدی (ع) است در تکذیب آن می‌کوشند، در این انتظارند که حتما در این امور از فلان دکتر و فلان مجله سخنی بشنوند.

---

(1) - اعراف آیه 30.

تراش ریش از نظر اسلام، ص: 178

کاش بهمین حد، قناعت می‌کردند، بلکه گاهی چنان فریفته  
تجدد شده که خود آگاه یا ناخودآگاه به تکذیب ضروریات  
دین می‌پردازند!!

شگفتا! عجا!

تراشیدن ریش مانند حرمت ربا، قمار، دروغ، رشوه و  
سحر، تقریباً از مسلمات است و قبلاً یادآوری شد از قرآن  
و روایات و اجماع و سیره قطعیه و ... که دلالت به این  
مطلب داشتند، ولی آیا روا است که ما اینهمه ادله  
شرعیه را زیر پا بگذاریم؛ و آیا کسی که ایمان و  
اعتقاد به اخبار و گفتار پیامبر و ائمه (علیهم  
السلام) دارد و علم به اینهمه روایاتی که درباره شانه  
کردن و فواید آن وارد شده دارد و خود را تربیت شده  
علمای دین دانسته و در قیافه صلحاء حتی در ردای  
بزرگان دین در آمده شایسته است که ریشش را بتراشد یا  
طوری کوتاه کند که از اینهمه فواید و پاداشهای اخروی  
شانه کردن ریش محروم بماند و همه این فرمایشها را  
زیر قدم بگذارد!

عجا! شگفتا! از بعضی پیر مردهائی که مجاور قبور

تراش ریش از نظر اسلام، ص: 179

ائمه (ع) هم هستند، و حتی خواندن زیارت عاشورا را  
ترك نمی‌کنند و اهل نماز شب می‌باشند ولی در کوتاه  
کردن ریش آنچنان افراط می‌کنند که گاهی شك می‌شود که  
آیا ریشی که گذاشته‌اند عرفاً صدق ریش می‌کند یا نه؟!

در این صورت محل حنا گرفتن ریش و شانه کردن آن کجا  
است؟!

همینطور دیده می‌شود که بعضی از تجار و کسبه بازاری،  
پیر یا جوان آنها، رعایت این دستور نکرده و آنچنان  
ریش خود را کوتاه می‌کنند که گویا ریش خود را  
تراشیده‌اند «1» با اینکه بعضی از علما و اساتید  
(مانند محقق نائینی) کوتاه نمودن ریش را به کمتر از  
یک قبضه حرام دانسته‌اند «2»

(1) مؤلف معظم حسن ظن به مسلمانهایی که در بازارهای - مسلمین تجارت می‌کنند

داشته است؛ خوبست اینک چراغ بدست بگردد و به بیند چند نفر در بازار مسلمین  
باین سنت سنیه عمل میکنند (مترجم)

(2) ولی فتوای مراجع تقلید حاضر چنین است:

گذاردن ریش باید بحدی باشد که صدق عرفی کند.

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 180

عجبی نیست! زیرا ارتکاب محرمات مخصوصا در این عصر و  
زمان آنچنان شایع شده که منکر، معروف گشته و معروف؛  
بصورت منکر در آمده است، ربا، غیبت، حسد سخن چینی،  
زنا، لواط؛ خوردن شراب، ندادن زکات و خمس، کم فروشی،  
نسبت دادن حکمی بخدا بدون علم و ...

که از گناهان کبیره هستند، آنچنان رواج یافته اند که  
گویا حرام نیستند.

ولی ممکن است احتمال بدهیم و از این مردم دفاع کنیم  
که اینها نمیدانند که چقدر اخبار و روایات، در فوائد  
و خواص شانه کردن نقل شده یا خیال می کنند که منظور  
رسول خدا (ص) فقط عبور دادن شانه بر محل ریش است!!!  
مانند تراشیدن شخصی که کچل هست، سر خود را در مراسم  
حج، که برای او مرور و عبور دادن تیغ بر سرش کافی  
است ولی چقدر این احتمال مضحك و بعید است، آیا کسی  
هست که این احتمال را بدهد!؟

### 6- حنا گرفتن موی سر و ریش

از مستحباتی که بسیار سفارش شده، حنا گرفتن است

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 181

مخصوصا اگر پیر شده باشند.

روایات بسیاری دلالت بر استحباب حنا گرفتن دارد از  
جمله روایتی است که در کتاب کافی نقل شده که امام  
صادق (ع) از پدران خود نقل میکند که پیامبر (ص) در  
ضمن وصایای به خلیفه خود علی (ع) فرمود: «یا علی  
نفقة در هم واحد فی الخضاب خیر من الف درهم فی سبیل  
الله»: ای علی يك درهم را (در مورد خریداری حنا) برای  
خضاب مصرف کردن بهتر از هزار دره می است که در راه

خدا مصرف شود، سپس فرمود در خضاب کردن (حنا گرفتن مو) چهارده خصلت است:

1- رافع بوی گوشها است 2- غبار و گرفتگی را از چشم بر طرف میکند 3- دید چشم را بیشتر میکند 4- بینی را نرم مینماید 5- بوی دهان را نیک میکند 6- دندانها را قوی میسازد.

7- رافع بوی بد زیر بغلها است 8- وسوسه های شیطان را کم میکند 9- فرشتگان از این عمل، خوشحال و مسرور میشوند.

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 182

10- مؤمن بوسیله آن خوشحال میشود 11- دماغ کافران بخاک سائیده میشود 12- موجد زینت و بوی خوش است 13- موجب نجات از عذاب قبر میشود 14- دو فرشته نکیر و منکر از شخصی که حنا گرفته حیا میکنند (که به او لطف نکنند)

در کتاب مستدرک الوسائل نقل شده که: خداوند درختی را محبوبتر از درخت حنا نیافرید «1» رسول خدا (ص) فرمود: یک درهم انفاق کردن در راه خدا معادل با هفتصد درهم است، یکدرهم صرف کردن برای بدست آوردن حنا معادل نه هزار (9000) درهم است.

این روایات مربوط به مطلق حنا گرفتن است، اما استحباب حنا گرفتن خصوص ریش یا موی سر:

در روایت است حفص الاعور از امام صادق سؤال کرد که آیا: خضاب کردن موی سر و ریش از سنت است فرمود: آری.

در کتاب کافی از ابی الحکم روایت شده که:

---

(1) - ما خلق الله شجرة احب اليه من الحناء.

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 183

مردی بحضور رسول خدا (ص) شرفیاب شد، پیامبر (ص) به او نگاهی کرد، در ریش او نقطه سفید دید، فرمود:

این سفیدی نور است، سپس فرمود: هر کس در ریشش يك موی سفید در مدت دوران اعتقادش به اسلام بیرون آید این موی سفید در روز قیامت برای او نور است، آن مرد پس از مدتی در حالی که ریشش را خضاب (بحنا) کرده بود حضور رسول خدا (ص) آمد، حضرت فرمود:

این نیز نور و اسلام است؛ بعد از مدتی آن مرد، ریش خود را خضاب سیاه رنگ کرده بود و حضور رسول خدا (ص) آمد حضرت فرمود: این نور و ایمان است که خداوند (بدین وسیله) هیبت او را در قلوب دشمنان قرار میدهد و موجب محبت زنان می‌گردد.

در کتاب ثواب الاعمال نقل شده: به پیامبر (ص) خبر دادند که عده‌ای از اصحاب، ریش‌های خود را به رنگ زرد، خضاب کرده‌اند، پیامبر (ص) فرمود: این، خضاب اسلام است، دوست دارم آنها را ببینم، علی (ع) آنان را از فرموده رسول خدا (ص) اطلاع داد، آنان

تراش ریش از نظر اسلام، ص: 184

بیشتر مایل به خضاب شدند و در خضاب گرفتن ریش، کوشش بیشتری کردند، رسول اکرم (ص) مطلع شد و فرمود: این خضاب ایمان است دوست دارم آنها را ببینم.

علی (ع) به آنان خبر داد که رسول خدا صلی الله علیه و آله مشتاق دیدار شما است، آنان بحضور رسول خدا (ص) آمده و در محضرش بودند، که رسول خدا فرمود: هذا خضاب الایمان این خضاب ایمان است، اینها بهمین صفت ادامه حیات دادند و ترك خضاب نمی‌کردند تا با بهترین حالات از جهان رخت بر بستند.

از طرق اهل تسنن، مسلم در صحیح خود صفحه 218 به اسناد خود نقل می‌کند که: ابو قحافه (پدر ابو بکر) در روز فتح مکه بحضور پیامبر (ص) شرفیاب شد در حالی که قسمتی از موی سر و ریشش سفید شده بود، حضرت فرمود: تغیر بدهید این سفیدی را به چیزی از سیاهی.

نیز نقل می‌کند که پیامبر (ص) فرمود: یهود و نصاری

تراش ریش از نظر اسلام، ص: 185

موی خود را خضاب و رنگ نمی‌کنند، شما در این کار با آنان مخالفت کنید.

کوتاه سخن اینکه روایات بسیاری از طرق اهل تسنن و شیعه نقل شده که دلالت بر استحباب خضاب کردن ریش می‌کند، بطوری که برای کسی تردیدی در استحباب آن باقی نمی‌ماند.

در این صورت، آن کسی که خود را معتقد به اسلام می‌داند و بخیال خود در آئین محمد (ص) است و علاقه خاصی به احکام اسلام دارد، چگونه آن قدر ریش خود را کوتاه می‌کند که دیگر شانه کردن و خضاب نمودن که دو موضوع بسیار پراهمیت هستند، برای او مفهومی نداشته باشد. با اینکه حتی بنظر دانشمندان غیر اسلامی برای گذاردن ریش حکمت‌های دقیق و فوائد بهداشتی‌ای هست، گرچه ما آنها را با این عقول ناقصه و معلومات اندک درک نمی‌کنیم بعنوان نمونه بعضی از دانشمندان غیر مسلمان از تراشیدن ریش منع می‌کنند و گذاردن آن را نیک می‌دانند.

#### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 186

یکی از آنان «هر کس» است که بنقل علامه سید هبة الدین شهرستانی در کتاب (التفتیش) از بعضی از مجلات، وی مقاله‌ای در فوائد طبی ریش نوشته، این مقاله در کتاب «التفتیش» نقل شده است.

#### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 187

---

طیسی، نجفی، محمد رضا - مترجم: اشتهاوردی، محمد محمدی، تراش ریش از نظر اسلام، در یک جلد، قم - ایران، اول، ه ق

#### تراش ریش از نظر اسلام؛ ص: 187

#### فصل دهم فوائد ریش از نظر طبی

گفتار و دستورهای دین و ائمه اطهار علیه السلام حاکی و کاشف از حکمتها و مصالح و مفسد است پیشوایان دین، معادن و مخازن دانشها و بینشها هستند آنان اگر، دستور دادند؛ حتما در عمل به آن دستور فائده و نفعی

است که آن فوائد و منافع از نظر آنان پوشیده نیست؛ اگر انجام کاری را نهی کردند، حتما در آن کار مفسده و زیانی است.

بعضی که معرفت به دین و پیشوایان دینی ندارند و به عبارت روشنتر، دین‌شناس و امام‌شناس نیستند وقتی که فوائدی

#### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 188

را برای ریش و شانه کردن و خضاب کردن آن از پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) می‌شنوند می‌گویند گذاردن ریش یا شانه کردن آن، چه ارتباطی با جلب رزق، هضم غذا، تقویت دندان و لثه‌ها، رفع درد دندان، حفظ حلق و ... دارد، این باصطلاح معتقدان به اسلام، آنچنان به گفتار دشمنان دین، انس گرفته‌اند که گفتار آنان را از گفتار پیامبر و امام تقدم می‌دارند.

اینان در این گونه موارد، اطمینان قلبی پیدا نمی‌کنند، مگر اینکه در مجله‌های روز، مثلا از مجله «المقتطف» یا «المقتبس» از فلان پرفسور و دکتر، مطلبی را بشنوند، حال که چنین هستند ما هم برای اقناع آنها و بیان اینکه گفتار ائمه اطهار (ع) بی‌حکمت نیست از دو مجله نامبرده بنقل از اطباء چند مطلبی در این زمینه بنظر خوانندگان میرسانیم:

در کتاب تاریخ آمریکا صفحه 160 از «سجعان رومانی» نقل شده که گوید: بعضی از مردم، ریش را ناپسند می‌دانند با اینکه عادت کردن به داشتن ریش بهتر است،

دکتر شهیر «فینکور جرج» گوید:

#### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 189

برای ریش منافع عظیمی است مانند نگهداری دهان، مانع شدن از رطوبت (اضافی) دهان، سلامتی دندان و غده‌های لعابی.

سپس سجعان گوید: بنقل اطباء، وقتی شد که در تابستان (در آمریکا) دستور داده شد که تمام کارگران راه آهن؛ ریش خود را بتراشند؛ اکثر آنها پس از این عمل بدرد



دندان مبتلا شدند و غده‌های لعابی آنان ورم کرد، یکی از اطباء به بیماری که نزد او برای معالجه آمده بود و زکام گرفته بود، دستور داد که ریش خود را بگذارد، او هم بدستور دکتر عمل کرد و نتیجه خوبی گرفت «1».

در مجله «المقتطف» در صفحه 538 از دانشمندان بزرگ مسیحی مانند «يعقوب صروف» و «قارص نمر» نقل می‌کند که این دو نفر گویند: برای موی سبیل و ریش فوائد بسیاری هست مانند منع ذره‌های غبار از وارد شدن به دهان

---

(1) - درباره منافع طبی و بهداشتی تراش ریش و بعضی از خصوصیات جالب آن بطور تفصیل به کتاب جامع و مستدل «تراش ریش از نظر بهداشت» نوشته حسین عبد اللهی خوروش مراجعه کنید - مترجم

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 190

منع هوای سرد بطرف حلق.

و در صفحه 509 - 1190 می‌نویسد: وقتی که «لوی» سیزدهم بر مسند ریاست فرانسه تکیه زد؛ جوان بود و ریش نداشت، رجال و کارمندان دولتش از او پیروی کرده و ریشها و سبیل‌های خود را تراشیدند، در اسپانیا در عهد ملك فیلیب پنجم نیز چنین شد؛ در سال 1191 عادت تراشیدن ریش را اسکندر مقدونی بر سپاهیانش اجرا کرد، تا دشمنان، هنگام جنگ ریش آنها را نگیرند.

رومیان از این روش پیروی کردند سپس در عهد «هدرس یانس» این روش را ترك کردند، تا در عهد «قسطنطین کبیر» به روشی که از اسکندر مقدونی گرفته بودند مراجعت نمودند، آنگاه این شیوه (ریش‌تراشی) را «پطرس اکبر» در روسیه رائج کرد (و کم کم ریش‌تراشی عادت مردم شد).

در صفحه 536 می‌نویسد: نقل شده که به عده‌ای از جاسوسان «فرنکلین» در سمت‌های قطب شمالی سرمای سختی هجوم آورد، ولی آنان صدمه سختی ندیدند؛ زیرا موی ریش، صورتشان را پوشانده بود و همین مو مدافع آنها از سرما

### تراش ریش از نظر اسلام، ص: 191

بود، سپس همین‌ها به محلشان برگشتند و ریشهای خود را تراشیدند، يك هفته نگذشت که همگی آنها بیمار شدند.

بر خواننده عزیز پوشیده نیست که کسی که معتقد به اسلام و گفتار سراسر حکمت پیامبر و ائمه اطهار (علیهم السلام) می‌باشد اگر در حقیقت در مسیر انصاف گام بردارد و از نظر روانی بیمار نباشد بخوبی درک می‌کند که سخنان پیامبر و ائمه در مورد فوائد و آثار پراسرار ریش و سایر خصوصیات آن درست است و دیگر نیازی به گفتار دیگران نیست.

اگر شواهدی از گفتار دیگران در اینجا آورديم به این حساب بود که دانسته شود دستورهای دینی تعبد محض نیست، بلکه صرفنظر از آنکه انجام آنها عبادت است؛ در انجام دادن آنها فوائدی هم عاید می‌شود آنچنان که دانشمندان به آن فوائد اعتراف دارند.

**فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ** و اللهُ ولي التوفيق

پایان

---

طیسی، نجفی، محمد رضا - مترجم: اشتهاردی، محمد محمدی، تراش ریش از نظر اسلام، در يك جلد، قم - ایران، اول، ه ق